

آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

جوانه

۵۷ **رشد**

s a m a n k e t a b . r o s h d m a g . i r

فصل‌نامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / پاییز ۱۳۹۶ / ۵۲ صفحه
برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی

کتاب درسی تنها رسانه یادگیری نیست
آگاه‌سازی خانواده‌ها، گام بعدی سامان‌دهی
برزخ میان کتاب درسی و کمک‌درسی



ISSN1735-4862

باز هم ماه مهر و مهربانی از راه رسید و دانش آموزان چون گل
آفتاب‌گردان در کلاس خورشید بالندگی و دانایی به شاگردی
نشستند. باز هم چشم اشتیاق کودکان و نوجوانان به افق روشن
آینده گشوده شد اما این بار آغاز بهار تعلیم و تربیت با طلیعهٔ محرم و
هنگامهٔ شورآفرینی عاشوراییان مکتب کربلا مقارن شد. همان‌هایی
که در کلاس عشق و ایمان، درس جانبازی را از معلم شهادت و
آزادگی، حسین بن علی (علیه السلام) آموختند.





آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

جوانه ۵۷

فصلنامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

۲

گام‌هایی برای هم‌سویی تولید و مصرف کنندگان منابع آموزشی / فریبا کیا

۳

کتاب درسی تنها رسانه یادگیری نیست / سمانه آزاد

آگاه‌سازی خانواده‌ها گام بعدی سامان‌دهی

برزخ میان کتاب درسی و کمک‌درسی

خطر انحراف از برنامه درسی!

سامان‌دهی در کلام ناشران آموزشی

دانش روزآمد، خلاقیت و هوشمندی لازمه زندگی

در جهانی رسانه‌ای شده / فریبرز بیات

۱۳

مدیر مسئول:

محمد ناصری

سر دبیر:

فریبا کیا

شورای برنامه‌ریزی:

بهرز رضایی

دکتر محمود معافی

ناصر نادری

محبت‌الله همتی

حبیب یوسفزاده

مدیر داخلی:

معصومه شجاعی

ویراستار:

کبری محمودی

طراح گرافیک:

سید جعفر ذهنی

کاریکاتوربست:

سعید رزاقی

۱۴

راهنمای تولید منابع آموزشی مطالعات اجتماعی / هوری قاهری

کتاب‌های داستان و شعر منابعی

برای پرورش حس خلاقیت، نوآوری و خیال / نرگس افروز

۱۷

فیلم آموزشی فرصتی مؤثر برای یادگیری / اسما سبحانی، لیلا عابدینی

سؤال‌های ذره‌بینی / دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

۲۰

تازه‌ترین عناوین فهرستگان رشد / گلاره کاشانیان

کتابخانه‌ای به وسعت زندگی / معصومه شجاعی

۲۲

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

۲۴

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۶۶

دورنما: ۸۸۳۰۶۰۷۱

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

۲۶

۲۸

۳۰

وبگاه: samanketab.roshdmag.ir

پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir

۳۳

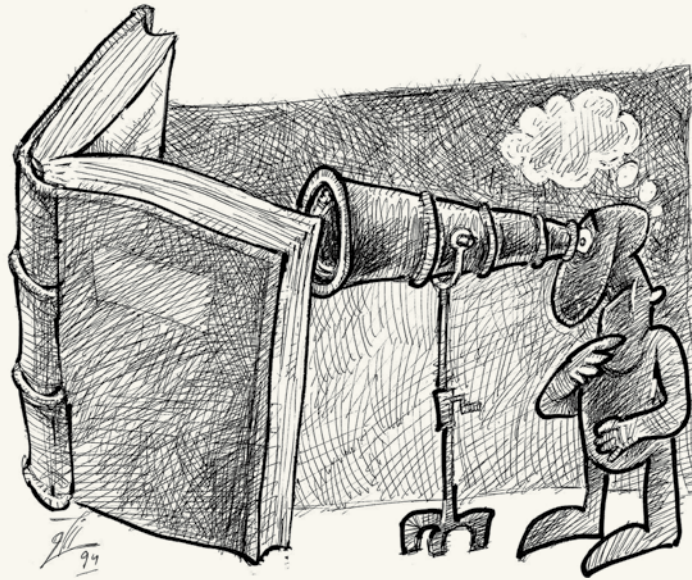
پرونده ویژه / چگونه کتاب‌های آموزشی را ارزیابی می‌کنیم؟

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

افزایش مشارکت معلمان در ارزیابی کتاب‌های آموزشی / محمد دشتی

گزارشی از مباحث اختصاصی کارگاه آموزشی - تبیینی ارزیابان معلم

برای دوره متوسطه / اسد مشایخی



گام‌هایی برای هم‌سویی تولید و مصرف کنندگان منابع آموزشی

به اهداف بلند و ایجاد هم‌سویی و هماهنگی بین معلمان، والدین، دانش‌آموزان، مؤلفان و تولیدکنندگان و دیگر دست‌اندرکاران به انجام رسیده، به شرح ذیل اشاره شده است:

- اطلاع‌یابی از نظرات مخاطبان مختلف رسانه‌های آموزشی و تربیتی، در خصوص میزان تحقق و توفیق سازمان در وصول به اهداف و بررسی خلأها و موانع موجود، از جمله موضوعاتی است که در این شماره بررسی شده است. ضمناً بیان گزارشی از نشست‌ها، گفت‌وگوها و کارگاه‌های مشترک با معلمان، مؤلفان و مسئولان ستادی و استانی و عوامل تأثیرگذار در توسعه و کاربرد روزافزون این رسانه‌ها، از دیگر محورهای این شماره است.

- اثرات اجرای نظام ارزشیابی نمره محور یا نتیجه محور یا تلفیقی بر کیفیت و کمیت منابع آموزشی و تربیتی، اجرای آزمون‌های مهمی چون کنکور و تأثیر در کاربرد کتاب‌های آموزشی و گسترش مؤسسات مبتنی بر تست‌های چهار گزینه‌ای، تعدد نوع مدارس و گوناگونی روش‌های تدریس در مناطق مختلف کشور و سلاقی معلمان از دیگر موضوعاتی است که با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است.

- ارزیابی و بهره‌گیری از مشارکت معلمان در داوری آثار و منابع واصله با حضور مؤلفان کتاب‌های درسی و همکاران دفتر تالیف، در راستای تبیین رویکردهای برنامه درسی و بایدها و نبایدها در استانداردهای منابع آموزشی، از دیگر محورهایی است که در این شماره مد نظر قرار گرفته است.

- نظرات مؤلفان و ناشران کتاب‌های کمک‌درسی و منابع آموزشی و تربیتی نیز از دیگر موضوعاتی است که به آن پرداخته شده و امید است با بهره‌گیری از مواردی که ذکر شد، گام‌های بلندتر و اثربخش‌تری در مسیر دریافت نقاط ضعف و قوت طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی برداشته شود.

امروزه منابع آموزشی و تربیتی غیر رسمی چنان جایگاهی یافته‌اند که به واقع از منظر والدین، مربیان و برنامه‌ریزان نه تنها مکمل برنامه درسی رسمی هستند، بلکه جزء لاینفک آن تلقی می‌شوند. تأکیدات فراوان در برنامه درسی ملی و اتخاذ سیاست تولید بسته آموزشی مبتنی بر برنامه درسی شامل کتاب درسی، منبع آموزشی، راهنمای معلم، مجلات، نرم‌افزارها و کتاب‌های کار و... مبین این نکته است که کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری به همه منابع آموزشی و تربیتی وابستگی تام و تمام دارد. همچنین توجه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به این مهم، رویکردها و برنامه‌های متعددی را برای توسعه و تعمیق کاربرد فناوری‌های نوین و منابع آموزشی استاندارد موجب شده است.

تبیین نقش معلم به عنوان رهبر آموزشی و بالاترین مرجع تعیین منبع آموزشی برای دانش‌آموز، با توجه به ویژگی‌های فردی و تحصیلی او، در سند برنامه درسی ملی و شیوه‌های متعدد اطلاع‌رسانی و آموزش‌های تخصصی و کارگاهی از این جمله است. همچنین توسعه مشارکت معلمان در تدوین مجلات رشد و تدوین دیگر منابع آموزشی و تربیتی، تهیه نرم‌افزارها، ایجاد وب‌گاه‌ها و پایگاه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی و تبادل نظرات و تجربیات، از دیگر شیوه‌های اشاعه کاربرد منابع آموزشی مناسب و استاندارد در این سازمان و ترویج فرهنگ بهره‌گیری از این منابع توسط معلمان است.

علاوه بر این، افزایش اثربخشی و کارایی این منابع و گسترش کاربرد آن‌ها در نشریه جوانه نیز مد نظر است. پنجاه و هفتمین شماره این نشریه نیز با هدف دریافت نظرات صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و مجریان نظام آموزشی برای بهره‌گیری بیشتر از منابع آموزشی و تربیتی استاندارد اینک پیش روی شماست. در این شماره به بخشی از مهم‌ترین اقداماتی که در مسیر وصول

کتاب درسی تنها رسانه یادگیری نیست

پای صحبت دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و نظری



دکتر محمود امانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی معتقد است، کتاب درسی، تنها رسانه یادگیری نیست و منابع آموزشی متنوع، فضای یادگیری را برای یادگیرنده ارتقا می‌بخشند. امانی با تأکید بر اینکه رعایت اصول برنامه درسی، چارچوب اصلی برای استاندارد بودن یک اثر است، جای کتاب‌هایی را که برای کتابخانه کلاسی مناسب باشند، خالی دانست.

عمده از آمدن به مدرسه، یادگرفتن پاره‌ای از مفاهیم و مهارت‌ها نیست، بلکه یادگرفتن راه یادگرفتن است که بخش عمده‌ای از این موضوع مربوط به استفاده از منابع یادگیری است. پس ارجاع به کتاب‌های غیردرسی یک ضرورت است.

هدف عمده از آمدن به مدرسه، یادگرفتن پاره‌ای از مفاهیم و مهارت‌ها نیست؛ بلکه یادگرفتن راه یادگرفتن است

جنبه سومی که به این موضوع اهمیت می‌دهد، ضرورت «مهارت خواندن» همراه با درک و فهم است. مهارت خواندن از مهم‌ترین کلیدهای یادگیری است و این از طریق کتاب حاصل می‌شود. هر چه رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی هم پیشرفت می‌کند، می‌بینیم که نقش خواندن پررنگ‌تر می‌شود؛ چون بیشتر مبتنی بر متن هستند. بنابراین، این موضوع هم بر اهمیت استفاده از کتاب کمک آموزشی می‌افزاید.

← به نظر شما منابع کمک آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری تا چه میزان تأثیرگذارند؟

ما برای ارتقای کلاس درس الگویی را به برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی و معلمان ارائه کرده‌ایم. در این الگوی مثلثی، قاعده «طراحی آموزشی» است؛ یک ضلع آن «رسانه‌های آموزشی پرشمار» و ضلع دیگر «ارائه آموخته‌ها توسط دانش‌آموزان» است. رسانه‌های آموزشی پرشمار به این معناست که کتاب درسی نباید تنها رسانه یادگیری باشد. در کنار کتاب درسی سایر منابع یادگیری، مثل کتاب‌های موضوعی، کتاب‌های مرجع، کتاب‌های آموزشی مناسب و کتاب‌های کمک‌درسی در کنار نرم‌افزارها، انیمیشن‌ها، تصویرها، متن‌های صوتی و... جزء منابع آموزشی به حساب می‌آیند. طبیعتاً یکی از این رسانه‌ها انواع کتاب‌های کمک آموزشی هستند که فضای یادگیری را ارتقا می‌بخشند.

از یک جنبه دیگر هم باید به این موضوع اهمیت داد. هدف



← شما به منابع و رسانه‌های مناسب و متنوع اشاره کردید. از نظر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، منابع استاندارد چه منابعی هستند؟

ما در برنامه‌های درسی رویکرد معینی داریم که نگاه ما را به دانش‌آموز تبیین می‌کند. نگاه ما به دانش‌آموز یک صندوق ذخیره اطلاعات نیست؛ بلکه یک منبع دریافت، پردازش و مفهوم‌ساز است. یعنی دانش‌آموز نقش مولد و تولیدکننده مفهوم را دارد. نقش مولد، نقش فعال در فرایند یادگیری است. کتابی استاندارد است که این نقش را تقویت کند، با برنامه درسی سازگار باشد و از رویکردهای برنامه درسی پشتیبانی کند. مهم‌ترین بخش این رویکردها نگاهی است که به یادگیرنده و فرایند یادگیری وجود دارد. از این رو کتاب‌هایی که در نقش حل‌المسائل وارد بازار می‌شوند، مطلقاً مورد تأیید ما نیستند. کتاب‌هایی مورد تأیید ما هستند که تفکر، درک عمیق، تجزیه و تحلیل، مواجهه با کار و استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت جدید تقویت کنند. در این صورت کتاب سازگار با برنامه درسی است. ملاک ما در تأیید و رد کتاب‌های کمک‌آموزشی، برنامه درسی است.

کتاب‌هایی مورد تأیید ما هستند که تفکر، درک عمیق، تجزیه و تحلیل، مواجهه با کار و استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت جدید تقویت کنند

← برخی از صاحب‌نظران معتقدند که منابع کمک‌درسی در سال‌های گذشته رشد بی‌رویه و نامطلوبی داشته‌اند. ریشه این اتفاق را چه می‌دانید؟

وقتی کاری توسط بنگاه‌ها و افراد مختلف و متعدد تولید می‌شود، طبیعی است که تنوع و فراوانی وجود داشته باشد. بنابراین نباید از آن استنباط آشفته‌بازار داشته باشیم. بلکه این تنوع لازمه کاری است که توسط افراد مختلف در موقعیت‌های گوناگون با دیدگاه‌ها و درک و فهم متفاوت صورت می‌گیرد. اما همه آن‌ها باید به اصولی پای‌بند باشند. ما این اصول را اصول برنامه درسی می‌دانیم. بنابراین وجود تنوع به‌طور کلی خوب است. البته پاره‌ای از آثاری که اکنون در بازار می‌بینیم، نه با برنامه درسی سازگارند نه کیفیت قابل توجهی دارند. این نوع منابع، اعتبار کلی افرادی را که در این زمینه فعالیت دارند، مخدوش می‌کنند. پس باید مبارزه‌ای توسط خود ناشران با کتاب‌های سطح پایین و کم‌کیفیت صورت بگیرد تا ارج و اعتبار ناشران به گونه‌ای باشد که هیچ‌کس شک و تردیدی نسبت به آن‌ها نداشته باشد. به نظرم حرکت کلی در این زمینه خیلی خوب بوده است. یعنی اگر به کتاب‌های ۳۰-۲۰ سال پیش برگردیم، می‌بینیم که رشد کتاب‌های آموزشی در کشور امیدوارکننده

بوده است. در قدیم ما کتاب‌های تألیفی خوب نداشتیم، در حالی که اکنون رشد خوبی داشته‌اند.

← ما همواره درباره ضرورت استفاده از منابع استاندارد تأکید کرده‌ایم، اما شاید کمتر به آسیب‌های منابع غیراستاندارد توجه داشته‌ایم. به نظر تان منابع غیراستاندارد چه آسیبی به یادگیرنده و فرایند یاددهی-یادگیری می‌زند؟

مهم‌ترین آسیبی که ممکن است این مواد آموزشی وارد کنند این است که روند رشد دانش‌آموز را مختل کنند، به طوری که به نقطه‌ای که باید برسد، نمی‌رسد. مثلاً دانش‌آموز باید در موقعیتی قرار بگیرد که فکر کند و تولید فکری داشته باشد. اگر این فرصت را از دانش‌آموز بگیریم و پاسخ مستقیم را به او بدهیم، نتیجه این می‌شود که به نقطه‌ای که باید می‌رسد و این بزرگ‌ترین لطمه است. جمله‌ای از پیازه مشهور است که وقتی معلم و مربی یا والدین مطلبی را مستقیم به یادگیرنده بیاموزد، لذت یادگیری و کشف را از او سلب می‌کنند. این خود یک لطمه بزرگ است.

← به نظر می‌رسد، ناهماهنگی بین بخش‌های گوناگون در آموزش و پرورش، خود یکی از موانع پیشرفت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی است. برای این موضوع چه می‌توان کرد؟ برای مثال، یکی از نقدهایی که به ما وارد می‌شود، این است که بخش ارزشیابی، مروج برخی آثار غیراستاندارد است.

این نقد تا حدی درست بود، اما در طول سال‌های گذشته اقدامات خوبی برای اصلاح این موضوع صورت گرفته است. مثلاً در دوره ابتدایی همه آزمون‌های مغایر لغو شده‌اند. در نوع و کیفیت آزمون‌های مدرسه‌های استعدادهای درخشان هم تغییرات جدی حاصل شده است. وزارتخانه می‌کوشد این جریان را بهبود ببخشد و قدم‌های بسیار خوبی هم برداشته شده است. جریان ارزشیابی به مقدار زیادی متفاوت شده است، اما بروز و ظهور اجتماعی‌اش باید باید به گونه‌ای باشد که همه آگاه باشند.

← خانواده‌ها هم بخش مهمی از موضوع سامان‌دهی هستند. معلمان گاه از فشاری که برخی خانواده‌ها برای معرفی منابع کمک‌درسی وارد می‌کنند، گله دارند. آیا آگاه کردن خانواده‌ها در حیطة وظایف ما هست و اساساً چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟

به‌نظر من کار ترویجی وظیفه همه است. امکان دارد این وظیفه نوشته نشده باشد، اما عقل سلیم در این باره به همه ما حکم

می‌کند که کار ترویجی کنیم. در کار ترویجی مخاطب همه افرادی هستند که در این حوزه مؤثرند؛ از جمله والدین. در سال گذشته ما با مدیران مدارس پروژه‌های را اجرا کردیم و فهرستگان به همه مدارس کشور فرستاده شد. شاید مشابه این نوع کار به دلیل تعداد زیاد، برای خانواده‌ها به شکل چاپی امکان‌پذیر نباشد، اما می‌توانیم در فضاهای مجازی فضایی را به وجود آوریم و تبلیغ کنیم. در این فضا می‌توانیم به خانواده‌ها بگوییم که اگر می‌خواهید برای فرزندتان کتابی تهیه کنید، باید مانند خرید دارو عمل کنید. برای خرید دارو نسخه وجود دارد و برای خرید کتاب مناسب هم به کار تخصصی و علمی نیاز داریم تا بدانیم دانش‌آموز به چه نوع کتاب‌هایی نیاز دارد و چه نوع کتاب‌هایی مناسب اوست. بخش سامان‌دهی همین کار را انجام می‌دهد. بنابراین خانواده‌ها باید از برودادهای سامان‌دهی برای تغذیه فرزندانشان استفاده کنند. این موضوع باید به اطلاع خانواده‌ها برسد. آن‌قدر باید بر این موضوع تأکید کرد که خانواده‌ها قبل از خرید کتاب، نگاهی به فهرست کتاب‌های سامان‌دهی بیندازند. نکته دومی که در این زمینه باید بر آن تأکید کرد، تسهیل تهیه کتاب است. دشواری تهیه سبب می‌شود که اقدامی صورت نگیرد. ما برای این موضوع سازوکاری به نام «پخش مدرسه» در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» پیش‌بینی کرده‌ایم. از طریق پخش مدرسه می‌توان کتاب مورد تأیید سامان‌دهی را با یک تلفن یا سفارش اینترنتی تهیه کرد.

← بیش از یک دهه است که سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی فعالیت می‌کند. ارزیابی شما از عملکرد این بخش چیست؟

من درباره کلیت کاری که صورت می‌گیرد، دید مثبتی دارم. افرادی که این کار را برعهده دارند، به آن معتقدند. خود آن‌ها در شکل‌گیری آن سهیم بوده‌اند و احساس مالکیت دارند. بنابراین کار خود را با انگیزه بسیار جدی پیش می‌برند. باید حلقه‌های تکمیلی و پشتیبان را به خوبی شکل داد. مثلاً یکی

از این حلقه‌های تکمیلی پخش مدرسه است. علاوه بر این، فعالیت‌های تبلیغاتی این کار هم مهم است. یعنی ایجاد فضایی که این پیام، به عنوان پیام سازنده و مثبت به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برسد. به این منظور، در انتهای پاره‌ای از کتاب‌های درسی، کتاب‌هایی که امتیاز برتر را کسب می‌کنند، معرفی می‌شوند. این نوعی تبلیغ آثار مناسب است. ما این کار را با جدیت انجام می‌دهیم، به طوری که به تدریج جزئی از فرایند و سازوکار تولید کتاب خواهد شد.

علاوه بر این، به ناشران هم مشورت می‌دهیم تا تولیدات خود را به سمت تولیدات استاندارد هدایت کنند. ضمن اینکه

سیاست کلی ترویج رسانه‌های پرشمار بر این اساس است که در کلاس‌های درس از منابع آموزشی به صورت سامان‌یافته استفاده شود. این موضوع نیازمند پاره‌ای از تولیدات ویژه‌سازی شده برای داخل کلاس‌های درس در پایه‌های معین است. جای این نوع از تولیدات هنوز خالی است. کتاب‌هایی هم که در این زمینه تولید شده‌اند، بسیار اندک‌اند. منظور من کتابی است که بتوانیم روی آن مهری بزیم مبنی بر مناسب بودن آن برای کتابخانه کلاسی پایه. ناشران برای تولید

چنین کتاب‌هایی می‌توانند از برنامه درسی به عنوان چارچوب محتوایی و از کتاب درسی به عنوان بستر یادگیری استفاده کنند و به تولید مطالب پشتیبان دست بزنند.

من امیدوارم ناشران به این تولیدات بیشتر روی بیاورند و معلمان هم از این کتاب‌ها بیشتر در کلاس درس استفاده کنند. در نهایت اینکه فضای سامان‌دهی، فضای توقف نیست. من بیشترین نقش را برای کسانی می‌دانم که باید از این کار حمایت جدی داشته باشند. به طور کلی، طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی از جمله طرح‌هایی است که از کلیت اجرای آن باید به طور جدی ابزار رضایت کنیم.

مهم‌ترین آسیبی که ممکن است مواد آموزشی نامناسب وارد کنند این است که روند رشد دانش‌آموز را مختل کنند، به طوری که به نقطه‌ای که باید برسد، نمی‌رسد

آگاه‌سازی خانواده‌ها گام بعدی سامان‌دهی

پای صحبت خسرو داوودی، مؤلف کتاب‌های درسی و آموزشی ریاضی

خسرو داوودی، مؤلف کتاب‌های درسی و آموزشی معتقد است، پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان، مهم‌ترین ضرورت تولید آثار آموزشی و کمک‌درسی است. البته به این شرط که در راستای برنامه‌درسی باشند. او می‌گوید گرچه طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی روند رو به رشدی را طی کرده است، اما ارتباط با والدین برای آگاه ساختن آن‌ها از منابع استاندارد و نیز تغییر نظام آموزشی به کیفی و توصیفی می‌تواند این روند را تسریع کند.

فرهنگ عمومی جامعه ما، فرهنگ مقایسه‌ای در همه ابعاد است. مردم دائماً داشته‌ها و نداشته‌های خود را با هم مقایسه می‌کنند. البته این فرهنگ خوبی نیست، اما این واقعیت وجود دارد. در مورد آموزش هم همین اتفاق می‌افتد. همه والدین دوست دارند فرزندشان در کنکور رتبه خوبی داشته باشد و به این فکر نمی‌کنند که او چه توانایی و استعدادی دارد. از سوی دیگر، فرهنگ مردسالاری و زن‌سالاری جای خود را به فرزندسالاری داده است که از هر چیز بهترین را می‌خواهد. توجیه کردن والدین برای این موضوع که فرزند آن‌ها چه سطحی دارد، خیلی سخت است. در این فرهنگ، مطالبه اولیا زیاد است و حتی دقت نمی‌کنند که چه کتابی برای فرزندشان مناسب است. به همین دلیل با خریدهای زیاد کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی از سوی والدین مواجه هستیم. به گونه‌ای که حتی اگر مدرسه هم در این زمینه اقدامی نکند، والدین مطالبه می‌کنند. در مدرسه‌های غیردولتی این روند به شکل فزاینده‌ای رو به افزایش است. در مدرسه‌های دولتی هم والدین این تفکر را دارند که با کتاب، فرزندشان موفق می‌شود. در چنین فرهنگی است که مصرف بالا می‌رود و به تبع آن عرضه بیشتر می‌شود.

← همان‌طور که گفتید، خانواده‌ها سه‌م مهمی در این موضوع دارند. برای روشن ساختن ذهن آن‌ها چه راهکاری را می‌توان پیشنهاد کرد؟

به نظر می‌رسد بهترین کار فرهنگ‌سازی و آموزش والدین است. علاوه بر این، طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی باید در بخش ارتباط با خانواده‌ها فعال‌تر باشد و معرفی این بخش به خانواده‌ها شکل بهتری به خود بگیرد. تاکنون طرح سامان‌دهی بیشتر بر روی کارشناسان، معلمان و ناشران متمرکز شده است و والدین کمتر مخاطب قرار گرفته‌اند. اگر بتوانیم راهکاری ایجاد کنیم که در طرح سامان‌دهی به والدین هم توجه بیشتری صورت

← به نظر شما، منابع کمک‌آموزشی در فرایند یاددهی یادگیری تا چه اندازه نقش آفرین هستند؟

ضرورت کتاب کمک آموزشی خیلی مورد سؤال است. در نظام آموزش و پرورش ما که نظامی متمرکز است و ما تنها یک برنامه درسی ملی و یک کتاب درسی ملی داریم، طبیعتاً تنها کتاب نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه نیازهای اقشار دانش‌آموزی ما باشد. ما طیف وسیعی از دانش‌آموزان را داریم. اگر یک سر طیف دانش‌آموزان را افرادی در نظر بگیریم که معلمان و امکانات و شرایط خوبی ندارند و ساعات آموزشی‌شان از سطح استاندارد پایین‌تر است و سر دیگر طیف را دانش‌آموزانی در نظر بگیریم که از امکانات، استعداد، مدرسه و معلم خوبی برخوردارند، می‌بینیم که نیازها متنوع‌اند. این در حالی است که برنامه درسی و کتاب درسی براساس قشر متوسط تنظیم می‌شود. در این صورت بچه‌هایی که ضعیف‌اند و از امکانات اندکی برخوردارند، نیازهای جدیدی برایشان تعریف می‌شود تا خودشان را به سطح متوسطی برسانند که کتاب برایشان تعریف کرده است. از سوی دیگر، دانش‌آموزانی که در قشر بالا قرار می‌گیرند، کتاب درسی برایشان کافی نیست و برای آن‌ها هم نیازهای جدیدی تعریف می‌شود که بعد از کتاب درسی چه کنند. با توجه به این توضیح، وقتی نظام آموزشی ما متمرکز است، بهتر است با کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی به هر دو طرف این طیف کمک کنیم.

← صاحب‌نظران متفق‌اند که منابع کمک‌درسی در سال‌های گذشته، رشد بی‌رویه و نامطلوبی داشته است. ریشه این اتفاق را در چه می‌بینید؟

همه والدین دوست دارند فرزندشان در کنکور رتبه خوبی داشته باشد و به این فکر نمی‌کنند که او چه توانایی و استعدادی دارد و حتی دقت نمی‌کنند که چه کتابی برای فرزندشان مناسب است

گیرد و توصیه‌هایی برای والدین ارائه شود، می‌توان بخشی از این مشکل را حل کرد. البته مدرسه‌ها هم وظیفه دارند در این زمینه کار کنند و به والدین آگاهی دهند. علاوه بر این، موضوعاتی هستند که به فرهنگ عمومی جامعه باز می‌گردند. در این زمینه هم نظام باید تصمیماتی بگیرد تا فرهنگ اصلاح شود و نرّم‌های جامعه تغییر کنند.

← از نظر شما، مهم‌ترین ویژگی منابع آموزشی استاندارد چیست؟

وقتی نام کمک‌درسی یا آموزشی روی کتابی قرار می‌گیرد، طبیعتاً مهم‌ترین موضوع این است که در راستای برنامه‌درسی باشد. یعنی محتوای کتاب به برنامه‌درسی کمک کند؛ اما اتفاقی که در جامعه می‌افتد نشان می‌دهد این موضوع برای مردم مهم نیست. منظور از مردم، هم خریدار و هم ناشر است. هیچ کدام از آن‌ها به این توجه ندارند که کتاب در راستای برنامه‌درسی هست یا نه. بلکه این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند که آیا کتاب در ارزشیابی‌های مرسوم جامعه به دانش‌آموز کمک می‌کند یا نه. برخی کتاب‌ها مثلاً به موفقیت در کنکور دانش‌آموز کمک می‌کنند؛ گرچه استانداردهای کتاب آموزشی مطلوب را ندارند. من فکر می‌کنم این مشکل زمانی حل می‌شود که ما در نظام ارزشیابی‌مان تجدیدنظر کنیم و کیفیت آن را بالا ببریم. آن وقت است که جامعه به‌طور خودکار به سمت کتاب آموزشی مناسب می‌رود. مثال وضعیت دوره ابتدایی در این زمینه مناسب است. ما سال‌ها با ناشران صحبت می‌کردیم که کتاب آموزشی استاندارد چه مطلوبیتی دارد. اما اکنون تا حد

زیادی این مشکل در دوره ابتدایی حل شده، چون نظام ارزشیابی تغییر کرده است. در واقع این دوره از حالت امتحانی خارج شده و به سمت ارزشیابی کیفی و توصیفی حرکت کرده است. اکنون کتاب‌های کاری که برای دوره دبستان نوشته می‌شوند - به‌خصوص در حوزه ریاضی - نسبت به گذشته بهتر و با کیفیت‌تر هستند و من عامل این موضوع را در اصلاح نظام ارزشیابی می‌دانم. اگر در دوره‌های تحصیلی بعد هم نظام ارزشیابی تغییر کند، مطمئناً کتاب‌هایی که

تولید می‌شوند به مطلوبیت مدنظر ما نزدیک‌تر خواهند بود.

← به نظر شما منابع غیراستاندارد چه آسیبی به یادگیرنده و فرایند یاددهی یادگیری می‌زنند؟

آسیب دو نوع است. زمانی کتابی در راستای برنامه‌درسی نیست که می‌توان آن را آسیب تلقی کرد؛ اما به نظر من آسیب آن مخرب نیست. در نظام آموزشی ما شاید کتابی از نظر برنامه‌درسی خوب نباشد، اما به ارزشیابی کمک کند. در این بخش نه والدین مقصرد و نه ناشران. این نوع کتاب‌ها را نمی‌توان گفت چون آسیب‌زا هستند، باید حذف شوند. نگاه ما از ابتدا در بخش سامان‌دهی به آینده است. ما می‌خواهیم به این حد از مطلوبیت برسیم، اما دلیل اینکه تا به حال نرسیده‌ایم این است که ارزشیابی‌مان تغییر نکرده است. اما نوع دیگری از آسیب‌ها که مخرب هستند مربوط به کتاب‌های حل المسائل است. این کتاب‌ها حتی به کنکور و امتحان نهایی دانش‌آموزان هم کمک نمی‌کنند. پس به نظر می‌رسد باید کتاب‌های غیراستاندارد را از هم تفکیک کنیم. یک دسته کتاب‌هایی که مخرب‌اند و به ارزشیابی دانش‌آموزان هم کمک نمی‌کنند و دسته دیگر کتاب‌هایی که از نظر ما غیراستاندارد هستند اما فعلاً به نظام ارزشیابی آموزشی ما کمک می‌کنند.

← شما روند فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما نقطه ایده‌آل فعالیت‌های این بخش کجاست؟

به نظر من طرح سامان‌دهی روند مثبتی داشته، اما سرعتش کم است. عمده مشکل هم به طرح سامان‌دهی برنمی‌گردد. به این موضوع مربوط می‌شود که بخش ارزشیابی هم باید به کمک بیاید. اما موضوعی که می‌تواند مستقل از ارزشیابی و نظام آموزشی به کار کیفیت بیخشد، این است که ما باید به سمتی حرکت کنیم که خروجی طرح سامان‌دهی بهتر معرفی شود. مثلاً در کتاب درسی یا در آموزش و پرورش تبلیغ بهتری برای آن‌ها صورت بگیرد تا مدرسه‌ها به تدریج از منابع استاندارد استفاده کنند. ما نباید استفاده از هر نوع کتاب کمک‌آموزشی و کمک‌درسی را در مدرسه‌ها ممنوع کنیم، بلکه باید استفاده از کتاب تأیید شده و استاندارد را تشویق کنیم. همچنین وقتی به مناسبت هفته کتاب چند هزار نمایشگاه برگزار می‌کنیم، باید کتاب‌های این نمایشگاه را از میان کتاب‌های استاندارد و تأیید شده انتخاب کنیم. اگر این اتفاقات بیفتند، به رشد سریع‌تر طرح سامان‌دهی کمک می‌شود.



برزخ میان کتاب درسی و کمک درسی

پای صحبت پرویز آزادی، عضو شورای برنامه‌ریزی درسی گروه قرآن و معارف اسلامی

پرویز آزادی، از مؤلفان کتاب‌های درسی، معتقد است: «گرچه منابع کمک آموزشی ابتدا قرار بود کمبودهای کتاب درسی و کلاس را جبران کنند، اما به تدریج کار را دچار آسیب کردند؛ به طوری که اکنون دانش آموزان در برزخ میان انتخاب کتاب کمک درسی و کتاب درسی آشفته شده‌اند.» او بر مطالعه راهنمای برنامه درسی توسط معلمان تأکید دارد تا به این ترتیب به تدریج آثار غیراستاندارد به حاشیه رانده شوند.

آن‌ها از هدف اصلی دور می‌شود؛ چون وقت کلاس را به جای کتاب درسی، صرف کتاب کمک درسی می‌کند. معلم به جای آنکه مطالعه کند و محتوای اصلی کتاب درسی را آموزش دهد، تمرین‌ها و تست‌های کتاب کمک درسی را آموزش می‌دهد. این‌ها همه به معنی دور شدن از هدف اصلی است. خانواده‌ها هم با مسائلی درگیر می‌شوند که اصلاً در راستای اهداف آموزش و پرورش در آموزش دانش آموز نیست.

برخی صاحب نظران بر این عقیده‌اند که منابع کمک درسی در سال‌های گذشته، رشد فزاینده و نامطلوبی داشته است. ریشه این اتفاق را در چه می‌بینید؟
افراد و حتی باندهایی وجود دارند که سودهای چند صد میلیاردی در این موضوع دارند و به خاطر آن، از این قضیه دست برنمی‌دارند. آن‌ها با توجه به اینکه توسط نظام آموزشی به طور غیرمستقیم پشتیبانی می‌شوند، کار خود را ادامه می‌دهند.

یعنی فکر می‌کنید نظام آموزشی از راه‌های غیرمستقیم مانند سیاست‌گذاری‌ها از آن‌ها حمایت می‌کند؟

می‌شود گفت به طور غیرمستقیم به این موضوع دامن می‌زند. عامل بعدی که باعث می‌شود این نوع کتاب‌ها رشد زیادی داشته باشند، رقابت‌هایی است که به خاطر کنکور در خانواده‌ها ایجاد شده است. خانواده‌ها گمان می‌کنند، اگر فرزندشان این کتاب‌ها را نخواند، در کنکور صاحب رتبه خوبی نمی‌شود و اتفاقاً هم همین‌طور است. یعنی ما نظامی را ایجاد کرده‌ایم که

به نظر شما منابع کمک آموزشی تا چه اندازه در فرایند یاددهی یادگیری، به ویژه در دوره ابتدایی، نقش آفرین‌اند؟
به نظر می‌آید منابع آموزشی و کمک درسی در نظام آموزشی آموزش و پرورش ایجاد شد تا کمبودهایی را که وجود دارد، جبران کنند. می‌دانیم که کتاب درسی محدودیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌تواند مطالب را در حد دلخواه توسعه دهد و به جزئیات بپردازد. بنابراین باید منبع دیگری باشد که این خلأ را جبران کند. یا معلم به دلیل کمبود وقت نمی‌تواند همه مباحث را مطرح کند و فرد علاقه‌مند باید در خارج از کلاس مطالعه را ادامه دهد. که این کار به کمک منابع و کتاب‌های آموزشی انجام می‌شود. همچنین، با وجود اینکه معلمان افرادی فاضل‌اند، اما گاه ممکن است بر بعضی از جوانب مطلب مسلط نباشند. در اینجا هم کتاب آموزشی این کمبود را جبران می‌کند. یعنی هم معلم فرامی‌گیرد و هم به دانش آموز یاد می‌دهد.

در اصل، ایجاد منابع آموزشی خوب بوده و می‌توانسته در مسیر خوبی قرار گیرد و نظام آموزشی را تکمیل کند؛ اما به نظر می‌آید، در عمل منابع مزبور در این راستا قرار نگرفته‌اند. با توجه به وضعیتی که در جامعه هست، کتاب‌های آموزشی این کمبودها را پوشش نمی‌دهد و گاهی آسیب‌هایی را هم برای تک‌تک این جنبه‌ها به وجود آورده است.

مثلاً قرار بود کتاب آموزشی کمبود کتاب درسی را جبران کند، اما گاهی خودش به کتاب اصلی تبدیل می‌شود و نقش کتاب درسی ملی را بازی می‌کند. همچنین قرار بود منابع آموزشی، کمکی برای معلم باشند، اما اکنون معلم با استفاده از



خانواده و مدرسه، معلم و نظام آموزشی را مجبور کرده کتاب را بخرد. این همان حمایت غیرمستقیم است. من اثر کتاب‌های کمک‌آموزشی را در رشد دانش‌آموزان به طور کل انکار نمی‌کنم. ولی آسیبی که به ذهن و استعداد دانش‌آموز وارد می‌کند، بیشتر از آن چیزی است که باعث رشدش می‌شود.

← به هر حال ممکن است وجود برخی ناهماهنگی‌ها در آموزش و پرورش یکی از علل ترویج این کتاب‌ها باشد. برای حل این مشکل چه می‌توان کرد؟

معضل اصلی ما کنکور است. اگر کنکور حذف شود، گام خیلی خوبی است و بسیاری از این آسیب‌ها برطرف می‌شوند. هر چند کسانی که به دنبال سود اقتصادی هستند، کار را به نحو دیگری ادامه خواهند داد، ولی کم‌رنگ‌تر خواهند شد. به نظر می‌رسد برای کمتر شدن این آسیب‌ها باید منابع کمک‌آموزشی استانداردسازی شوند. یعنی تلاشی صورت بگیرد تا منابع استاندارد شوند. منظور از استاندارد این است که ما برای هر کتابی که در آموزش و پرورش تولید می‌شود، یک راهنمای برنامه‌داری داریم که این راهنما هم براساس اسناد بالادستی، یعنی «برنامه‌داری ملی» و «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تألیف می‌شوند. کتاب درسی بر اساس راهنمای برنامه‌داری، تألیف می‌شود. ولی وقتی کتاب‌های کمک‌آموزشی را نگاه می‌کنید، می‌بینید که در تقابل با کتاب درسی هستند. مثلاً در کتاب‌های دینی اصلاً حفظ نام‌ها، تاریخ‌ها و مکان‌ها اهمیتی ندارد. نه اینکه دانستن‌شان خوب نباشد، دانش‌آموز آن‌ها را بدانند بهتر است، اما لزومی ندارد حفظ کند. مهم فراگیری مفاهیم است تا دانش‌آموز به سمت عمل کردن به آن‌ها برود. اما کتاب‌های کمک‌آموزشی، دانش‌آموز را به سمت حفظ کردن نکته و تست زدن می‌برند. بهترین کار این است که راهنمای برنامه‌داری در مدرسه و بین معلمان ترویج شود.

← شاید بهتر باشد به آسیب‌های منابع کمک‌آموزشی غیراستاندارد اشاره کنیم. این آثار چه آسیبی به یادگیرنده و فرایند یادگیری می‌زنند؟

به نظر می‌آید اولین آسیبی که می‌زند این است که راهنمای برنامه‌داری و اسناد بالادستی را از کارایی می‌اندازند. یعنی عملکرد مثبتی را که این اسناد می‌توانستند داشته باشند از بین می‌برند. اهمیت‌شان را کم می‌کنند و بچه‌ها را به سمت کنکور و تست زدن می‌برند. در نتیجه ذهن دانش‌آموز بسیار آشفته می‌شود. دانش‌آموز در برزخ بین کتاب درسی و کتاب کمک‌آموزشی اسیر می‌شود. چون این دو با هم هماهنگ نیستند و دانش‌آموز نمی‌داند که باید کدام را اصل قرار دهد. طبعاً کتاب اصلی و مفاهیم آن کنار می‌رود و کتاب کمک‌آموزشی محوریت پیدا می‌کند؛ چون همه بر آن تأکید می‌کنند. معلم، مدرسه و خانواده همگی بر کتاب کمک‌آموزشی تأکید می‌کنند و دانش‌آموز مجبور است که منبع کمک‌آموزشی را مطالعه کند.

آسیب دیگر این است که این گروه از کتاب‌ها فشار زیادی به

معلم، دانش‌آموز و خانواده وارد می‌کنند. معلم مجبور است بر مسائلی که کتاب‌های کمک‌آموزشی تأکید دارند، تمرکز کند. گرچه کتاب کمک‌آموزشی اصطلاح درستی نیست، در واقع کتاب‌های تضعیف‌کننده کتاب درسی هستند؛ آثاری که کتاب درسی را به حاشیه می‌برند. استفاده از این کتاب‌ها به دانش‌آموزان هم فشار زیادی وارد می‌کند. چرا دانش‌آموز از صبح تا بعد از ظهر باید در مدرسه باشد و پس از آن هم تا شب تکالیفش را انجام دهد؟ چنین درس خواندنی در مدارس اروپایی کنار گذاشته شده است. ما با این کار به دانش‌آموزی که در سن رشد استعدادهاش است، فشار وارد می‌کنیم، طوری که از هر نوع درس و کتاب متنفر می‌شود. در نتیجه وقتی درسش تمام شد، از اینکه کتابی را مطالعه کند گریزان است.

از سوی دیگر، کتاب‌های کمک‌آموزشی بار خیلی زیادی را بر دوش خانواده‌ها می‌گذارند. همه اعضای خانواده درگیر می‌شوند که دانش‌آموز کتاب کمک‌آموزشی را تمام کند و از پس حل تمرینات آن برآید. آسیب مهم دیگری که به نظر می‌رسد وجود دارد این است که متأسفانه کتاب‌های کمک‌آموزشی باعث شده‌اند کتاب‌های درسی هم سخت‌تر شوند. یعنی موضوعاتی را مطرح می‌کنند که توسط بچه‌ها به کلاس کشیده می‌شود و معلم اگر درباره آن‌ها اطلاعاتی نداشته باشد،

متهم به بی‌سوادی شود. به همین دلیل برخی کتاب‌های درسی همواره در حال پیچیده‌تر شدن هستند که این دور باطل است. رقابتی است که به دانش‌آموز، خانواده و معلم فشار وارد می‌کند و ثمره‌ای هم دربر ندارد.

← معلمان گاه از فشاری که خانواده‌ها برای معرفی منابع کمک‌آموزشی به مدرسه وارد می‌کنند گله دارند. برای روشن کردن ذهن آن‌ها پیرامون این موضوع چه باید کرد؟ به نظر می‌آید این موضوع یک موضوع فرهنگی در جامعه ماست. یعنی صرفاً در آموزش و پرورش مطرح نیست. وقتی جامعه‌ای دچار مادی‌گرایی افراطی و تفاخر می‌شود، هر فردی چیزهایی را که دارد و حتی محل تحصیل فرزندش را مایه تفاخر قرار می‌دهد. این هم یکی از معضلات فرهنگی جامعه ماست. نمی‌گویم اصلاً نباید در این حیطه کاری کرد، اما باید توجه داشته باشیم که این موضوع در کنار سایر نمودهایی که این بیماری دارد، باید با هم حل شوند. در عین حال که همه باید وظیفه خود را انجام دهند. علاوه بر این، یکی از راهکارها این است که معلمان حداقل یک‌بار راهنمای برنامه‌داری درسی را که تدریس می‌کنند، بخوانند تا متوجه شوند کتاب چگونه و به چه منظور نوشته شده است و در کدام قسمت باید تأکید بیشتری داشته باشند. این کار می‌تواند برای معلمان آگاهی‌بخش باشد تا بدانند کدام کتاب کمک‌آموزشی در راستای اهداف کتاب درسی است.

من اثر کتاب‌های کمک‌آموزشی را در رشد دانش‌آموزان به طور کل انکار نمی‌کنم؛ ولی آسیبی که به ذهن و استعداد دانش‌آموز وارد می‌کند، بیشتر از آن چیزی است که باعث رشدش می‌شود



خطر انحراف از برنامه درسی!

پای صحبت فاطمه رمضانی، معاون ابتدایی دفتر تألیف کتاب‌های درسی

فاطمه رمضانی، معاون ابتدایی دفتر تألیف، معتقد است، بیش از آنکه ضرورت استفاده از منابع کمک آموزشی مورد بحث باشد، استاندارد بودن و میزان استفاده از آن‌ها اهمیت دارد. چرا که آثار غیراستاندارد گاه حتی بدون آنکه معلمان متوجه باشند، برنامه درسی را از مسیر اصلی منحرف می‌کند. آثاری که با وجود تغییر رویکردهای عمده در هدف‌ها و روش‌های برنامه درسی، همچنان «حافظه‌محوری» را ترویج می‌دهند.

شرایطی، شاید اگر می‌توانستیم کاری کنیم که بسته‌های آموزشی به همه این تنوع‌ها، تعددها و تفاوت‌ها توجه کنند، دیگر به منبع کمک آموزشی دیگری نیاز نداشتیم. اما چنین چیزی را نه اکنون در اختیار داریم و نه هیچ‌وقت می‌توانیم ادعا کنیم یک بسته آموزشی خواهیم داشت که همه تنوع‌ها و تعددها را در نظر گرفته باشد. بنابراین ضرورت استفاده از منابع کمک آموزشی، چه توسط معلمان و چه توسط دانش‌آموزان و اولیا، بحثی است که نفی آن به صورت کلی و یکسره، غیرمنطقی است. بنابراین ما باید روی این موضوع تمرکز کنیم که چه اندازه و در چه زمینه‌هایی از کتاب‌ها و منابع آموزشی می‌توان استفاده کرد.

← با این حساب معاونت ابتدایی چه منبعی را برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مناسب و استاندارد می‌داند؟ شاید بتوان این سؤال را حتی درباره کتاب درسی هم پرسید.

← خانم رمضانی! به نظر شما منابع آموزشی غیر درسی تا چه اندازه در فرایند یاددهی یادگیری به ویژه در دوره ابتدایی نقش آفرین‌اند؟

وقتی در کشوری زندگی می‌کنیم که تنوع اقلیمی و فرهنگی و تفاوت‌های فراوان در آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به دوره ابتدایی وجود دارد، هیچ‌وقت نمی‌توانیم بگوییم کتاب درسی می‌تواند همه هدف‌های برنامه‌های درسی را محقق کند و همه به یک اندازه و با یک سرعت می‌توانند از کتاب درسی استفاده کنند. ما باید به تعدد هدف‌های برنامه‌های درسی در دوره ابتدایی و سبک‌های متفاوت یادگیری بچه‌ها توجه کنیم، همچنین به یاد داشته باشیم که در بسیاری از مناطق کشورمان، بچه‌ها قبل از ورود به مدرسه به زبان دیگری صحبت می‌کنند. در چنین

استفاده از منابع کمک آموزشی چه توسط معلمان و چه توسط دانش‌آموزان و اولیا بحثی است که نفی آن به صورت کلی و یکسره، غیرمنطقی است

در «دفتر تألیف کتب درسی»، کتابی واجد شرایط برای ورود به چرخه نظام آموزشی و اجرای سراسری است که با برنامه درسی مطابقت داشته باشد. برنامه درسی هم اجزایی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «اهداف» است. جزء دیگری مثل «اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوا» هم وجود دارد که به ما می‌گوید از چه نوع محتوایی با چه سازمان‌دهی می‌توانیم استفاده کنیم تا اهداف محقق شوند. منبع کمک‌آموزشی هم باید دقیقاً همین شرایط را داشته باشد. کتابی می‌تواند نقش خود را در تکمیل کتاب درسی برای تحقق اهداف برنامه درسی به خوبی ایفا کند که با برنامه درسی، اهداف و اصول حاکم بر انتخاب و سازمان‌دهی محتوا تطابق داشته باشد.

برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که منابع کمک‌درسی در سال‌های گذشته، رشد بی‌رویه و نامطلوبی داشته‌اند. ریشه این اتفاق را در چه می‌بینید؟ اتفاقی که در نظام آموزشی ما افتاده، این است که همه اجزای آن با هم کار نکرده‌اند. مثلاً در دوره ابتدایی سال‌هاست که رویکرد برنامه‌های درسی در یادگیری و نقشی که محتوا در یادگیری دارد، تغییر کرده است و مؤلفان سعی کرده‌اند، محتوا را بر این اساس تغییر دهند. البته ممکن است در درس علوم، موضوعات و مفاهیم چندان با بیست و چند سال پیش تفاوت نکرده باشند، اما آنچه تغییر اساسی داشته، رویکرد کتاب است. در رویکرد جدید، آنچه دانش‌آموز می‌آموزد مهم است، اما مهم‌تر از آن فرایند یادگیری است. حال اتفاقی که در برخی از منابع کمک‌آموزشی می‌افتد این است که هنوز با همان دید گذشته حافظه‌محوری مطالب را به دانش‌آموزان عرضه می‌کنند. ظاهر قضیه این است که کتاب با برنامه درسی تطابق دارد، در حالی که حتی برخی از معلمان در جریان نیستند که صرف تشابه بین موضوعات به معنای هماهنگی نیست و با رویکردهای نامناسبی که این کتاب‌ها دارند، در واقع آموزش از مسیر اصلی خود خارج می‌شود و مسیری انحرافی را طی می‌کند.

مثالی بزنم. مثلاً یکی از رویکردهای حاکم در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی «رویکرد کاوشگری» است. در پایه ششم هم یکی از مباحث «تصمیم‌گیری» است. کتاب درسی قصد دارد به دانش‌آموز کمک کند تا همواره تصمیم مناسب بگیرد. در واقع کتاب قصد دارد نوعی مهارت را آموزش دهد. در حالی که برخی منابع کمک‌درسی، این موضوع را هم فقط به ارائه اطلاعات ختم می‌کنند. یعنی اجازه نمی‌دهند این موضوع به مفهوم تبدیل شود و مهارتی شکل بگیرد. آیا اقتضای دنیا و زندگی امروز، اطلاعات محدود است؟ وقتی دانش‌آموز فرایند و قواعد کسب دانش را آموخت، می‌تواند این آموخته خود

را به موقعیت‌های جدید هم تعمیم بدهد؛ اما وقتی به او دانش می‌دهیم به چنین نتیجه‌ای نمی‌رسد و برخی از کتاب‌های کمک‌آموزشی یا کمک‌درسی چنین کاری می‌کنند.

حال اگر منابع، با برنامه درسی و هدف‌ها و رویکردهای آن تطابق داشته باشند، هرچه تعدد این نوع کتاب‌ها بیشتر باشد، بهتر است، چون کمک می‌کند هر کس از این سفره آنچه را که مطابق نیاز و هاضمه‌اش است، بردارد. این امر کمک می‌کند که نیازهای گوناگون دانش‌آموزان به صورت صحیح پاسخ داده شود و در نتیجه، هدف‌های برنامه‌های درسی هم با سهولت بیشتر و با اطمینان بالاتری محقق شوند.

شما به انحراف از مسیر برنامه درسی اشاره کردید. آیا می‌توان این موضوع را بزرگ‌ترین آسیب منابع غیراستاندارد دانست؟ جز این، چه آسیب‌های دیگری متوجه دانش‌آموز است؟

دقیقاً همین‌طور است. آسیب‌های دیگر هم ناشی از همین انحراف از مسیر برنامه درسی هستند. چون اصل موضوع همین است. وقتی در یادگیری اصرار داریم که دانش‌آموز جمله‌ها را حفظ کند، در ارزشیابی هم همین را از او می‌خواهیم. مثلاً در مورد تصمیم‌گیری برخی کتاب‌های کمک‌آموزشی

از دانش‌آموز می‌خواهند که تصمیم‌گیری را تعریف کند، در حالی که باید موقعیتی پیش‌روی دانش‌آموز قرار گیرد تا او فرایند تصمیم‌گیری را با شرایط و معیارهایش تمرین کند. این صورت، آموخته‌هایش در زندگی‌اش اثر می‌گذارد. اما اگر این اتفاق نمی‌افتد و هنوز دانش‌آموز در تصمیم‌گیری‌هایش متزلزل است، ولی در جواب سؤال «تصمیم‌گیری چیست؟» به خوبی پاسخ می‌دهد، ما خود را فریب داده‌ایم. فکر می‌کنیم وضع خوب است و دانش‌آموز موفق است.

یکی از نقدهای وارد شده به سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، ناهماهنگی در بخش‌های متفاوت آموزش و پرورش است. مثلاً برخی ادعا دارند، بخش ارزشیابی خود مروج برخی منابع غیراستاندارد است.

متأسفانه این حرف تا حدی حقیقت دارد. در دوره ابتدایی، ارزشیابی توصیفی طبق آیین‌نامه در شش پایه اجرا می‌شود. در آخر دوره ابتدایی هم امتحان هماهنگ منطقه‌ای برگزار می‌شود. تفاوت این امتحان با امتحان نهایی سابق این است که رد یا قبولی دانش‌آموز برای گذراندن دوره ابتدایی، فقط

کتابی می‌تواند نقش خود را در تکمیل کتاب درسی برای تحقق هدف‌های برنامه درسی خوب ایفا کند که با برنامه درسی، هدف‌ها و اصول حاکم بر انتخاب و سازمان‌دهی محتوا تطابق داشته باشد



به نتیجه این امتحان منوط نیست. عملکرد دانش آموز طی سال تحصیلی و موارد دیگری که در آیین نامه ذکر شده اند هم تعیین کننده هستند. این موضوع به همه فعالیت های معلمان هم جهت می دهد. یعنی معلم همه فعالیت هایش را به گونه ای تنظیم می کند که دانش آموزانش از پس این امتحان برآیند. از سوی دیگر، ناشران معمولاً آزمون ها را از مدرسه ها و منطقه ها جمع آوری و منتشر می کنند. دفتر تألیف در سال ۱۳۹۱ که سال تأسیس پایه ششم ابتدایی بود، چون چنین موضوعی را پیش بینی می کرد، شیوه نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی را منتشر کرد. در این شیوه نامه بارمبندی را براساس هدف ها قرار دادیم، نه موضوعات. فکر می کردیم این کار به معلم کمک می کند هدف را مورد توجه قرار دهد نه موضوع و تسلط دانش آموز بر موضوع را. کتاب های کمک آموزشی هم می توانند آزمون هایی طراحی کنند که کم و کیف تحقق همین اهداف را اندازه بگیرند. آزمون هایی که طرح آن ها به مراتب دشوارتر از آزمون های رایج است.

اتفاقی که در برخی از منابع کمک آموزشی می افتد این است که هنوز با همان دید گذشته - حافظه محوری - مطالب را به دانش آموزان عرضه می کنند

← پس تلاش دفتر تألیف بر این است که با تغییراتی در نحوه ارزشیابی، سمت و سوی موضوع را به سمت هدف ها هدایت کند. در این صورت منابعی که فقط اطلاعات به دانش آموز ارائه می کنند و طلب می کنند، به تدریج کنار گذاشته می شوند. طبیعتاً همین طور است. اگر ناشران به این مطلب توجه کنند، می توانند در این زمینه ابتکار به خرج دهند. وقتی می خواهیم در دانش آموز مهارت تصمیم گیری شکل بگیرد، روش ها و موقعیت های متعددی می توانیم برای آن طراحی کنیم. اینجاست که برخی ناشران و پدیدآورندگان می توانند برتر باشند، چون توانسته اند موقعیت های مؤثرتر و متنوع تری را طراحی و تولید کنند.

← روند فعالیت های سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی را چطور ارزیابی می کنید و فکر می کنید نقطه ایده آل فعالیت های این بخش چیست؟

به نظر می آید برای اینکه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی به نتایج مطلوب خود برسد و شکل مطلوب خود را پیدا کند، باید در بخش های مختلف آموزش و پرورش هماهنگ تر باشیم. از سوی

دیگر، به نظر می رسد در فرم های ارزیابی کتاب ها، باید درباره ضرایبی که به هر کدام از معیارها داده شده است، تجدید نظر شود. مثلاً ممکن است کتابی از نظر هماهنگی با برنامه درسی امتیازی به دست نیابد، اما به دلایل دیگری مانند کتاب سازی و گرافیک خوب و... امتیاز بگیرد. ما باید تدبیری بیندیشیم که چنین کتاب هایی در همان مرحله اول کنار گذاشته شوند. یعنی کتابی که از معیار هماهنگی با برنامه درسی، امتیازی به دست نیآورده، اگر هر امتیاز دیگری هم داشته باشد، مفید نیست. در غیر این صورت ما شاهد معرفی کتاب هایی خواهیم بود که اختلاف مبنایی با برنامه درسی دارند و مسیر آموزش را منحرف می کنند. پس فرم ها به بررسی مجدد نیاز دارند. علاوه بر این، گروه هایی که کتاب ها را بررسی می کنند و حتی تعداد ارزیابان هم تأثیرگذار است. چون این موضوع کمک می کند که میانگین حقیقی تری را پیدا کنیم.

← به نظر تان برای همسوس کردن نگاه ارزیابان و معلمان با سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی چه کاری می توان کرد؟

این سؤالی است که ما دم به دم برای جریان آموزش از خودمان می پرسیم. چون موضوع فقط منابع کمک آموزشی نیست. هنوز برخی معلمان به شیوه های تدریس مورد تأکید برنامه های درسی عمل نمی کنند؛ چرا که ذهنیت آن ها تغییر نکرده است. در این زمینه هم باید همان روشی را به کار بگیریم که در آگاه سازی معلمان به کار می بریم. یعنی سعی کنیم با برگزاری دوره های آموزشی و تبیینی و منابع کمک آموزشی پشتیبان، جریان یادگیری را تقویت کنیم. علاوه بر این ها، منبعی که بر آن تأکید داریم، کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی توصیفی است. این کتاب برای اولین بار در تاریخ نظام آموزشی رسمی ما، همه هدف های اصلی درس ها را در همه پایه ها با سطح بندی مورد نیاز ارزشیابی توصیفی ارائه کرده است. فایل کتاب هم در وب گاه دفتر تألیف کتاب های درسی در دسترس است. به نظر می رسد یکی از کارهایی که به عنوان اقدامی عاجل و فوری برای سامان دهی می توانیم انجام دهیم، این است که کتاب را به عنوان یکی از اسناد در اختیار معلمان و داوران بگذاریم تا در جریان نقطه های تأکید برنامه درسی قرار گیرند تا بعدها اقدامات بلندمدت انجام شود. اگر ما بتوانیم با اقدامات تضمین شده تری برنامه درسی را به داوران عرضه کنیم، مسلماً انتخاب منابع مناسب کمک آموزشی و قضاوت آن ها با برنامه درسی هماهنگ تر خواهد شد.

سامان‌دهی در کلام ناشران آموزشی

فصل‌نامه رشد جوانه (فصل‌نامه تخصصی حوزه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی) با طرح چند سؤال، مجال را برای درج دیدگاه‌های ناشران درباره سامان‌دهی فراهم آورده است. آنچه می‌خوانید، پاسخ دو تن از مدیران مسئول ناشران کتاب‌های آموزشی به سؤالات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است.

پرسش‌ها

۱. از نگاه شما گام بعدی سامان‌دهی برای تکمیل حرکت خود چیست؟
۲. شما چه راه‌کار یا راه‌کارهایی برای افزایش مشارکت ناشران با حوزه سامان‌دهی منابع آموزشی پیشنهاد می‌کنید؟
۳. معاونت سامان‌دهی در کدام یک از برنامه‌های زیر موفق بوده است؟

- الف- ایجاد سامانه ارزیابی کتاب‌های آموزشی و تربیتی؛
- ب- برگزاری جشنواره‌های کتاب رشد برای ایجاد تحرک و پویایی در ناشران و مؤلفان کتاب‌های آموزشی و تربیتی؛
- ج- حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به منظور تعامل نزدیک‌تر با ناشران؛
- د- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تبیین رویکرد برنامه‌های درسی برای ناشران.

پاسخ‌ها

مدیرمسئول انتشارات خط سفید، مجید توانایی



۱. برگزاری سمینار در جهت تعیین و تبیین اهداف حوزه سامان‌دهی و آشنایی با استادان حوزه تألیف و تهیه کتاب‌های درسی، و مشخص و شفاف کردن معیارهای سنجش، گزینش و ارزیابی آثار ارسالی برای داوری.
۲. برگزاری سمینارهای تخصصی (سمینارهای آنلاین) به منظور دسترسی آسان علاقه‌مندان و فراهم آوردن فرصت‌های برابر، آسان‌سازی راه‌های ارتباطی آنلاین، تماس‌های سالانه دفتر سامان‌دهی با ناشران تخصصی، ارتقای کیفیت و محتوای سامانه ارزیابی کتاب‌های آموزشی، شامل تشریح دلایل عدم صدور تأییدیه و مواردی از این دست.
۳. حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب و برقراری ارتباط نزدیک با ناشران و مؤلفان. اغلب ناشران آموزشی در نمایشگاه حضور فعال دارند و در فرصت چند روزه نمایشگاه می‌توان ارتباط بیشتری برقرار کرد.

پاسخ‌ها

مدیرمسئول نشر نوشته، مهدی آل‌فصول



۱. نظام ارزشیابی وزارتخانه می‌تواند طی یک پژوهش دقیق به جواب دقیق برسد، زیرا جریان بازخورد در اختیار ناشران نیست که بتوانند به این سؤال پاسخ دهند.
۲. آنچه در فضای «نشر نوشته» اتفاق می‌افتد، براساس تجربیات شخصی ماست و گرنه هیچ‌گونه استاندارد از طریق وزارت آموزش و پرورش در اختیار ما قرار نگرفته است.
۳. قرار گرفتن استانداردهای موردنظر وزارت آموزش و پرورش به‌طور دقیق و مشخص در اختیار ناشران؛
- تجدیدنظر و به‌روز شدن فهرست کتاب‌های معرفی شده در پایان کتاب‌های درسی به‌صورت دوره‌ای؛
- حمایت از کتاب‌های برگزیده جشنواره رشد به‌طور عملی و خرید آن‌ها برای کتابخانه‌های مدارس کشور؛
- اعطای وام‌های ارزان‌قیمت به ناشران کتاب‌های برگزیده.

دانش روزآمد، خلاقیت و هوشمندی لازمه زندگی در جهانی رسانه‌ای شده

آینده دنیای رسانه‌ها چگونه خواهد بود؟ تغییرات و روندهای جدید، چه پیامدهایی برای رسانه‌ها و به تبع آن جامعه‌ای که به تسخیر رسانه‌ها در آمده است، در پی خواهند داشت؟ به نظر می‌رسد روندهای متناقض، رسانه‌ها و جهان آینده را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است و عبور از این چالش‌ها نیازمند دانش روزآمد و خلاقیت و هوشمندی است. این مقاله می‌کوشد روندهای جدید را به طور خلاصه برای ما تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: عصر ارتباطات، روند رسانه‌ها، پیام دیجیتال

دوازده روند کلان در حوزه رسانه‌ها

از چنین منظری ۱۲ روند کلان را در عصر جدید می‌توان بازشناسی کرد که حوزه ارتباطات و رسانه‌ها با آن‌ها مواجه است. اولین روند «بین‌المللی شدن رسانه‌ها» است. هم از نظر سخت‌افزاری و فناوری‌ها و ابزارهای انتقال پیام و هم نرم‌افزاری و محتوا، رسانه‌ها در جهت بین‌المللی شدن حرکت می‌کنند. اگر اطراف خود را نگاه کنیم، می‌بینیم که شبکه‌های رسانه‌ای فراگیر و بین‌المللی مختلفی ما را احاطه کرده‌اند؛ شبکه‌هایی که پیام‌ها و ارزش‌های خاصی را منتقل می‌کنند. بنابراین بین‌المللی شدن رسانه‌ها، چه از حیث سخت‌افزاری و چه از نظر نرم‌افزاری روندی است که در عصر ارتباطات به وجود آمده و خواه ناخواه همه حوزه‌های رسانه‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است یا قرار خواهد داد.

دومین روند «تجاری شدن رسانه‌ها» است. اگر بخواهیم از منظر دیدگاه‌های انتقادی به این موضوع نگاه کنیم، هرچه جلوتر آمده‌ایم، رسانه‌ها از تولید محتوای خلاق و هنرمندانه به سمت تجاری‌شدن و تولید انبوه رفته‌اند. یعنی بیش از آنکه به دنبال فرهنگ و ارزش‌ها باشند، به سمت سودآوری بیشتر حرکت کرده‌اند. دیدگاه‌های مختلف هم از جهت نظری و تئوریک به این موضوع پرداخته‌اند که مشخصاً دیدگاه‌های انتقادی، پیامدهای آن را شکل‌گیری جامعه توده‌وار می‌دانند که محصول تولید انبوه پیام‌ها و ارزش‌های خاصی است. از این منظر، افکار، هنر و ارزش‌های خلاقانه به مرور جای خود را به اندیشه‌های کلیشه‌ای و قالب‌های یک شکل و یکسان می‌دهند. روند سوم، «خصوصی شدن رسانه‌ها» است. هرچه جلوتر آمده‌ایم، دیده‌ایم که از تعداد رسانه‌های عمومی، دولتی و وابسته به نهادهای عمومی کاسته می‌شود و رسانه‌های خصوصی و مستقل بیشتری شکل می‌گیرند. رسانه‌های مستقل به این معنی، از یک سو به تنوع و تعدد پیام‌ها، تکرار آرا و آزادی و دمکراسی کمک می‌کنند و از سوی دیگر، به تجاری شدن رسانه‌ها می‌انجامند. در روندهای جدیدتر در این حوزه، رسانه‌ها کاملاً شکل شخصی به خود می‌گیرند. «روزنت‌ها» (نشریات الکترونیکی فارسی‌زبان در اینترنت)، وبلاگ‌ها و اتاق‌های

آینده دنیای رسانه‌ها چگونه خواهد بود؟ چه نیروهایی این دنیای جدید را شکل می‌دهند و تفاوت این نیروها با عوامل و نیروهای قبلی چیست؟ این روندها چه آثار و پیامدهایی برای رسانه‌ها در پی خواهند داشت؟ برای پاسخ به این سؤالات قبل از هر چیز لازم می‌دانم کمی به عقب برگردم تا بدانیم ما در چه فضایی زندگی و تنفس می‌کنیم و رسانه‌های نوین چه تغییر و تحولی را در این فضا به وجود می‌آورند.

دانش و اطلاعات سرمایه اصلی در عصر جدید

جوامع در سیر تحولشان مراحل را پشت سر گذاشته‌اند. آنچه که امروزه از آن به عنوان «عصر ارتباطات» نام برده می‌شود، عصرها و دوره‌های دیگری را پشت سر خود دارد. هر کدام از این عصرها، ارزش‌های مقومی و سرمایه و رسانه ویژه خود را دارند. در عصر برده‌داری، ارزش اصلی، نیروی کار فیزیکی و بدنی انسان است. در عصر فئودالیت، زمین و کشاورزی سرمایه اصلی است. در عصر صنعت این سرمایه و فناوری است که حرف اول را می‌زند و ارزش غالب است. اما در عصر جدید، دانش و اطلاعات سرمایه اصلی است و به دلیل نقش رسانه‌ها در تولید، توزیع و نشر و پخش دانش و اطلاعات، رسانه‌ها جایگاه و نقشی اساسی در این عصر دارند.

در بحث آینده‌نگری، نخست از منظر روش‌شناسی باید ببینیم در این عصر چه روندهایی شکل گرفته‌اند تا در پرتو آن بتوانیم تصویری اجمالی از دنیای آینده رسانه‌ای را ترسیم کنیم. ببینیم که در این عصر جدید چه فرایندهایی در حوزه رسانه‌ها شکل گرفته‌اند و در پرتو آن‌ها ببینیم که آینده ما چگونه خواهد بود. از نظر من، روندهای موجود می‌توانند همه حوزه‌های ارتباطات و رسانه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار دهند؛ از مدیریت، مالکیت، محتوا و سیاست‌گذاری، تا مخاطب و سازمان تولید، توزیع و انتشار و تبلیغ و کسب بازخورد و ارزیابی.

در عصر جدید، دانش و اطلاعات سرمایه اصلی است و به دلیل نقش رسانه‌ها در تولید، توزیع و نشر و پخش دانش و اطلاعات، رسانه‌ها جایگاهی اساسی در این عصر دارند



گفت‌وگو و چت‌روم‌ها، مصادیق شخصی‌سازی رسانه‌ها محسوب می‌شوند.

روند چهارم، «تمرکز رسانه‌ای» است. شبکه‌های جهانی، مثلاً شرکت «تایم وارنر» یک تراست رسانه‌ای و بین‌المللی است. کاری که رابرت مرداک و «فاکس نیوز»، «سی‌ان‌ان» و «بی‌بی‌سی» می‌کنند، نمودهایی از این روند تمرکز رسانه‌ای است. این وضعیت می‌تواند روند تک‌صدایی و تمرکز را در جامعه و فضای رسانه‌ای حاکم کند؛ یعنی یک صدا و چندین جهان. البته برخی معتقدند، در کنار روند تمرکز رسانه‌ای روند تکثر رسانه‌ای هم شکل می‌گیرد و فضایی برای احیای فرهنگ‌های بومی و ملی به وجود می‌آید. در همین زمینه «یونسکو» با نقد روند تمرکز رسانه‌ای، بر تکثر و تنوع فرهنگی و رسانه‌ای در جهان تأکید می‌کند و از ایده «یک جهان و چندین صدا» حمایت می‌کند. ولی آنچه قطعی است، اینکه یک روند تمرکز در حوزه رسانه‌ها دارد شکل می‌گیرد. این روند در مشاغل رسانه‌ای، مدیریت رسانه‌ای، مالکیت رسانه‌ای و در سیاست‌گذاری رسانه‌ای تأثیر خود را گذاشته و نیز خواهد گذاشت.

روند پنجم «هم‌گرایی فناوری‌ها و دیجیتالی کردن امور» است. برعکس دوره‌های قبل، پیام‌ها قابلیت تبدیل شدن دارند. یعنی متن به صدا و تصویر تبدیل می‌شود و برعکس، چندرسانه‌ای‌ها و مالتی‌مدیا مصادیقی از حالت هم‌گرایی فناوری‌ها و دیجیتالی شدن پیام در رسانه‌هاست؛ اینکه شما در نقطه‌ای تولید کنید و در نقطه دیگری نتیجه را ببینید و نیز اینکه فرمت‌های متفاوت و متنوع محتوایی را در کنار هم داشته باشید. یعنی شکل چاپی پیام در کنار شکل صوتی و تصویری آن، و نیز اشکال ثابت در کنار اشکال متحرک فرم و محتوا حاصل هم‌گرایی فناوری‌ها و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است.

روند ششم، «تعاملی شدن رسانه‌ها» است. اگر در عصر قبل رسانه‌ها یکطرفه و یکسویه بودند و بیشتر حق با فرستنده اطلاعات بود و گیرنده یا مخاطب کاملاً منفعل بود، الان ما شاهد پیدایش نوعی رسانه‌های تعاملی هستیم. با توجه به مقتضیات این عصر، اگر رسانه‌ای به ویژگی تعاملی خود توجه نکند مرگ خود را رقم خواهد زد.

از این منظر هرچه جلوتر آمده‌ایم واژه مخاطب بی‌معنی‌تر شده است. یعنی دیگر طرف خطایی وجود ندارد. یک فرد هم‌زمان هم فرستنده و هم گیرنده پیام است. به تعبیر دیگر، گیرنده منفعل نیست و این می‌تواند نوعی فضای مجازی عمومی را شکل دهد. مشابه آنچه که جامعه‌شناسانی چون یورگن هابرماس مطرح می‌کنند، فضای عمومی امکان تبادل، تعامل، گفت‌وگو و بحث را فراهم می‌کند. البته آسیب آن نیز این است که ارتباطات چهره‌به‌چهره و تعاملات رودررو کاهش می‌یابند و این موضوع باعث کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

روند هفتم، «افزایش کانال‌های ارتباطی» است. تحولات

فنی و فناورانه، به‌عنوان مشخصه بارز این عصر، موجب شده است که ابزارهای انتقال پیام و رسانه‌ها، متعدد و متکثر شوند و انواع کانال‌ها و ابزارهای تولید، انتقال و انتشار پیام شکل بگیرند؛ از انواع شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و ماهواره‌ای گرفته تا انواع وب‌سایت‌ها و روزنت‌ها، وبلاگ‌ها و نیز انواع شبکه‌ها، گروه‌ها و کانال‌های اجتماعی.

روند هشتم «تحول در حوزه محتوا» است. چنین تحولی به افزایش حجم برنامه‌های سرگرم‌کننده در مقابل برنامه‌های آموزشی در محتوای اکثر رسانه‌ها منجر شده است. این نقش آن چنان عمده شده که نیل پستمن، در کتابی از آن به‌عنوان «زندگی در عیش و مردن در خوشی» نام می‌برد. یعنی فضای فراغتی و سرگرمی در رسانه‌ها غالب شده است. این رویکرد از یک‌سو به کم‌رنگ شدن تمایزات جمعیت شناختی سنی، جنسی و حتی طبقاتی بین مخاطبان منتهی شده است و از سوی دیگر، سبک زندگی را به‌عنوان شاخص تفاوت و تمایز مخاطبان و مصرف‌کنندگان رسانه‌ای برجسته کرده است. البته چنین وضعیتی در جوامع مختلف به تناسب درجات و مراتب توسعه رسانه و فرهنگی، شدت و ضعف دارد.

روند نهم «افزایش قدرت انتخاب مخاطب» است. هرچه جلوتر آمده‌ایم، رسانه‌ها امکان انتخاب مخاطب را افزایش داده‌اند و قدرت گزینشگری مخاطب را بالا برده‌اند. اصولاً ادراک ما به نوعی گزینشگر شده است. این موضوع پیامد رشد تفکر انتقادی مخاطب است. مخاطب در دنیای رسانه‌ای شده جدید می‌تواند مقایسه و نقد کند و به نوعی سواد رسانه‌ای مخاطبان بالا رفته است. به‌طوری که به راحتی هر پیامی را قبول نمی‌کند و از آنجا که به منابع متعدد و متنوع دسترسی دارد و به راحتی می‌تواند پیام‌ها و اطلاعات را با هم مقایسه، اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی کند.

روند دهم، «چهل تکه‌سازی» است. در عصر رسانه‌ای شده، محتوای رسانه‌ها به شکل‌گیری نوعی هویت‌های چهل تکه منجر شده است. بر عکس آنچه که ما قبلاً از آن به‌عنوان امپریالیسم



فرهنگی یاد می‌کردیم، که حاکی از قدرت برتر رسانه‌های غالب و یکدستی و سلطه جریان اصلی و جهانی بود، اکنون برخی مدعی‌اند، نوعی امپریالیسم معکوس وجود دارد. مثلاً روندی که در تولید فیلم در هند وجود دارد و بازار خیلی از کشورهای غربی را در دست دارد، و یا روندی که در تولید موسیقی در برزیل و آرژانتین وجود دارد و کشورهای دیگر را به‌ویژه کشورهای توسعه یافته را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر پیشتر به رسانه‌ها با دیدگاه امپریالیسم فرهنگی نگاه می‌شد، الان بیشتر از منظر مطالعات فرهنگی به آن‌ها نگاه می‌شود. در این روند جدید تنوع و گوناگونی و تکثر فرهنگی و رسانه‌ای بر یکدستی، تمرکز و «کانفورمیسم» فرهنگی و رسانه‌ای غالب شده که نتیجه آن شکل‌گیری نوعی هویت چهل‌تکه و چندگانه است.

یازدهمین روند، «ادغام شرکت‌ها و مؤسسات رسانه‌ای و شکل‌گیری تراست‌ها و کارتل‌های رسانه» است. امروزه ما شاهد هستیم که بنگاه‌های مطبوعاتی و نشریات، مؤسسات تبلیغاتی، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های رادیو تلویزیونی و نیز شبکه‌های اجتماعی در حال ادغام با هم هستند. از رهگذار چنین ادغام‌هایی قدرت اقتصادی و توان تولید و تنوع تولیدات و نیز قدرت اثرگذاری آن‌ها افزایش یافته است.

روند دوازدهم، «مقررات‌زدایی» است. عصر ارتباطات نوعی مقررات‌زدایی را دامن می‌زند و شکل می‌دهد. این روند می‌کوشد امکان فضایی باز و آزاد برای تنفس فرهنگی فراهم کند. در همه کشورهای شرایط دسترسی به رسانه‌ها، فضای مجازی و اینترنت یکسان نیست. در بعضی کشورها اکثر مردم از دسترسی به این فضاها و رسانه‌ها محروم‌اند، اما روند آینده، حاکی از عدم امکان کنترل رسانه‌ها و حذف بیشتر موانع و محدودیت‌های بیرونی است. کنترل درونی نیز با افزایش قدرت انتخاب و گزینش و نیز افزایش سواد رسانه‌ای مخاطبان وجود خواهد داشت.

جهان آینده در تسخیر رسانه‌ها

به‌طور کلی این دوازده روند، آن چیزی است که دنیای آینده ما را شکل می‌دهد. مشاغل رسانه‌ای، نحوه مالکیت و سیاست‌گذاری رسانه‌ای، محتوا و مخاطب، سازمان تولید و توزیع و بازخورد و ارزیابی همه از این ۱۲ روند به‌طور جدی و اساسی تأثیر پذیرفته‌اند. از این روندها به عنوان رسانه‌ای شدن نام می‌برند. رسانه‌ای شدن در کنار جهانی شدن، تجاری شدن و فردی شدن، همه عرصه‌های زندگی را به تسخیر خود درآورده است؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه موافق باشیم و چه مخالف. به قول بودریار، ما در جهانی رسانه‌ای شده زندگی می‌کنیم. جهانی که در آن به جای واقعیت، با فراواقعیت درگیر هستیم.

فراواقعیت ساخته و پرداخته رسانه‌هاست. جهان مجازی خلق شده توسط رسانه‌ها ما را محاصره کرده است.

رسانه از چنین منظری دیگر نه یک ابزار و فناوری، بلکه یک زبان است که با آن با هم سخن می‌گوییم و ارتباط برقرار می‌کنیم. یک فرهنگ است که در آن زندگی و تنفس می‌کنیم. ما با رسانه متولد می‌شویم و با آن از دنیا می‌رویم. امروز مهم‌تر از اینکه بگوییم ما چه هستیم، این است که بگوییم رسانه‌ها چگونه ما را بازنمایی می‌کنند. در این شرایط گریزی از پیوند خوردن سرنوشت همه جوامع در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با نقش و کارکرد رسانه‌ها نیست. اما رسانه‌ای شدن تأثیری دوگانه دارد. از یک طرف ما شاهد نوعی روند یکدستی، یک شکلی و تمرکز هستیم و از طرف دیگر، شاهد نوعی خصوصی شدن، شخصی شدن و محلی شدن که اجازه رشد به خرده فرهنگ‌ها را می‌دهد.

به‌طور کلی در سطح کلان، رسانه‌ای شدن هم‌زمان دو نوع فرهنگ را ترویج می‌کند: هم نوعی تمرکز و یکدستی را و هم نوعی تنوع و تکثر را. این جهت‌گیری دوگانه را می‌توان در آن روندهایی که ترسیم شد پی گرفت و سوبه‌های آن را در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای مشخص کرد و براساس آن به تدوین راهبرد رسانه‌ای در دنیای جدید اقدام کرد.

در سطح میانه در رابطه با تأثیر رسانه‌ای شدن بر آینده روزنامه‌نگاری نیز ما شاهد شکل‌گیری روندی متناقض هستیم. به این معنا که رسانه‌ای شدن در پرتو فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی هم روزنامه‌نگاران را توانمند کرده است و هم شهروندان را. در مورد روزنامه‌نگاران، منابع اطلاعاتی را به‌شدت گسترش داده، بر سرعت و کیفیت اطلاعات افزوده، امکان جست‌وجو و حفظ و نگهداری اطلاعات را بالا برده، و به‌طور کلی روزنامه‌نگاری را غنا و عمق بخشیده و روزنامه‌نگاران را توانمند ساخته است. اما از سوی دیگر، رسانه‌ای شدن شهروندان، مخاطبان و مصرف‌کنندگان تولیدات روزنامه‌نگاری را هم توانمند کرده است. روزنامه‌نگاری برای شهروندان کم اطلاع کار ساده‌ای است، اما اقناع شهروندانی که امروزه خودشان تا حدی متخصص‌اند و اطلاعات روزآمدی را لحظه‌به‌لحظه از نقاط مختلف جهان کسب می‌کنند، کار دشواری است. این مخاطب، مخاطب ۲۰-۱۰ سال قبل نیست که با یک خبر تبش بالا یا پایین برود. او مقایسه، تحلیل و استنتاج می‌کند. می‌کوشد ناگفته‌ها و نانوخته‌های رسانه‌ها را بخواند و ببیند. در واقع محتوای اصلی را مخاطب بازتولید می‌کند. این رسانه‌ها نیستند که محتوا را به مخاطب می‌دهند، رسانه‌ها با نوشته‌ها و نانوخته‌هایشان مخاطب را به یک استنتاج جدید غیر از آنچه که گفته و نوشته‌اند، می‌رسانند.

در مجموع این روندهای متناقض و پارادوکسیکال، هم جامعه و هم رسانه‌ها را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. عبور از این چالش‌ها نیازمند دانش روزآمد و خلاقیت و هوشمندی است.

رسانه‌ای شدن در کنار
جهانی شدن، تجاری
شدن و فردی شدن،
همه عرصه‌های زندگی
را به تسخیر خود
در آورده است؛ ما در
جهانی رسانه‌ای شده
زندگی می‌کنیم. جهان
مجازی خلق شده توسط
رسانه‌ها ما را محاصره
کرده است

راهنمای تولید منابع آموزشی مطالعات اجتماعی



در سال‌های اخیر عوامل زیادی سبب افزایش تهیه و تولید منابع آموزشی غیردرسی در کشورمان شده است. جهت‌گیری نظام آموزشی از یک سو و دل‌مشغولی معلمان و والدین نسبت به تحقق ایده‌آل اهداف آموزشی از سوی دیگر و گردش مالی درخور توجه در این فرایند از سوی سوم، در ایجاد این شرایط تأثیر درخور توجهی داشته است. از سوی دیگر، پیشرفت وسایل ارتباطی سبب شده است اخبار مربوط به تولید علم، اکتشافات، اختراعات، نظریه‌های جامعه‌شناسی، شیوه‌های نوین یاددهی و یادگیری و... به سرعت در سراسر جهان انعکاس یابد. وجود چنین شرایطی سبب می‌شود، انبوهی از ترجمه‌ها، مقالات، نرم‌افزارها و کتاب‌های آموزشی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. منابع انبوه تولید شده در حوزه کتاب‌های آموزشی غیردرسی نیز با توجه به تنوع سلیقه تولیدکنندگان گاه از اهداف آموزشی برنامه درسی ملی دور می‌شوند. لذا لازم است دستورالعمل و چارچوب مشخصی برای هدایت تولیدکنندگان این منابع در هر یک از حوزه‌های علوم وجود داشته باشد. اسناد تولید شده توسط «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» چارچوب‌ها و معیارهای موردنظر برنامه‌ریزان آموزشی را در این زمینه تعیین کرده است.

در این نوشتار، ضمن اشاره به اهداف آموزشی حوزه مطالعات اجتماعی، ویژگی‌ها و معیارهایی که منابع تولید شده، طبق این اسناد باید از آن‌ها برخوردار باشند نیز بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی ملی، مطالعات اجتماعی، کتاب‌های کار، کمک‌آموزشی، کمک‌درسی

ضرورت و اهمیت برنامه درسی مطالعات اجتماعی

در این میان وظیفه نهاد‌های آموزشی هر کشوری تربیت افرادی مسئول، مطلع، توانمند و مجهز به مهارت‌های لازم و شایستگی‌های دیگر است تا در مسیر رشد و توسعه جامعه خویش آگاهانه و مسئولانه عمل کنند. در برنامه درسی ملی کشور ما نیز هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است، به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب کنند.^۱

با توجه به حوزه وسیع مطالعات اجتماعی، کتاب‌های این حوزه از گستردگی چشمگیری برخوردارند، به گونه‌ای که شناسایی این کتاب‌ها را از سایر کتاب‌های علوم یا حتی کتاب‌های معلومات عمومی دشوار می‌سازد. مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری است که از تعامل انسان با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و... و همچنین تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن بحث می‌کند. از آنجا که این درس بر محور کنش متقابل انسان‌ها با یکدیگر و با محیطی

امروزه جهانی پر از تغییر و تضاد پیش‌روی مخاطبان کتاب‌های درسی است. در یک سوی جهان کشوری با حداقل منابع طبیعی در سایه خرد حاکم بر جامعه و آموزش مطلوب شهروندان، توانسته است بر محدودیت‌های محیط طبیعی چیره شود و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطلوبی برای شهروندان فراهم آورد. در چنین سرزمینی شهروندان از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی‌شان آگاه‌اند و در فرایند رشد و توسعه سرزمینشان سهم مهمی ایفا می‌کنند. در این بستر مناسب دانش‌آموزانی تربیت می‌شوند که مسیر توسعه را هموارتر می‌کنند و هر کدام خود را موظف به ایفای نقش کارسازی می‌دانند. در دیگر سوی جهان، مردم سرزمین‌های مستعد و برخوردار به لحاظ منابع طبیعی و شرایط مناسب جغرافیایی و حتی پیشینه غنی تاریخی و فرهنگی، در هجوم جهل، اختلافات قومی و قبیله‌ای، نداشتن برنامه‌ریزی برای آموزش نیروی انسانی توانمند، عدم مسئولیت‌پذیری شهروندان و... با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی مواجه‌اند.



که در آن به سر می‌برند - در روند زمانی - استوار است، می‌توان ادعا کرد که جامعه، مکان و زمان سه محور عمده این درس هستند که باید با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی^۲ مخاطبان را به سوی اهداف تعیین شده هدایت کنند.

مطالعات اجتماعی با علوم چون جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، انسان‌شناسی و اقتصاد ارتباطی درهم تنیده دارد. این درس، در همین گستره وسیع بنا دارد، با مطالعه عملکرد جوامع انسانی در گذشته و حال به دانش‌آموز کمک کند تا کنش‌ها و تعاملات انسانی را درک کند، توانایی ایجاد رابطه با خدا را به دست آورد، به درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد گوناگون (زمان، مکان، عوامل طبیعی و اجتماعی) نائل آید، سنت‌های الهی حاکم بر فرد و جامعه را بشناسد، و در پی تقویت و پرورش کنش‌های مطلوب و متناسب با معیار نظام اسلامی باشد.^۳ محتوایی که در این راستا تهیه می‌شود،

براساس تبصره ۱ بند ۳-۴ برنامه درسی ملی، باید مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازگار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجربیات یادگیری باشد که زمینه شکوفایی فطرت الهی رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر پنج‌گانه تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق را در چهار عرصه ارتباط مخاطبان کتاب‌های درسی و آموزشی با خود، خدا، خلق و خلقت، به صورت بهم پیوسته و منسجم، با محوریت ارتباط با خداوند تبیین و تدوین کند.^۴

همچنین به استناد تبصره ۲ همان بند، محتوای تمامی متون می‌باید در برگزیده مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار مخاطبان این‌گونه متون باشد.

تبصره‌های ۳ و ۴ بند ۳-۴ که ناظر بر جهت‌گیری‌های محتواست نیز قطعاً مورد توجه تولیدکنندگان چنین متونی خواهد بود؛ از جمله اعتبار علمی، تناسب با نیازهای حال و آینده و ویژگی‌های روان‌شناختی مخاطبان، تناسب با علائق و انتظارات جامعه اسلامی، و تناسب با توان مخاطبان.

تدوین‌کنندگان برنامه درسی جدید توجه به شش محور زیر را در سرفصل‌ها و محتوای مطالعات اجتماعی مورد تأکید قرار داده‌اند:

۱. تقویت عزت و هویت ایرانی - اسلامی؛
۲. ترویج و درونی‌سازی اخلاق و ارزش‌های اسلامی؛
۳. شناخت حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و شهروندی در سطوح متفاوت و تقویت مهارت‌ها و نگرش‌های مربوط به آن‌ها؛
۴. شناخت میراث فرهنگی، استعدادها و قابلیت‌های کشور در

متون تولید شده برای مطالعات اجتماعی باید از ویژگی‌هایی مانند این برخوردار باشد: اعتبار علمی، تناسب با نیازهای حال و آینده، ویژگی‌های روان‌شناختی مخاطبان، تناسب با علائق و انتظارات جامعه اسلامی و تناسب با توان مخاطبان

جهان و توانایی برقراری ارتباط مؤثر در سطح جهانی؛
۵. پیشگیری از بروز بحران‌های تربیتی و آسیب‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان و کاهش کجروی‌های اجتماعی و گسترش رفتارهای بهنجار؛

۶. گسترش بهداشت روانی و تقویت روحیه خودباوری، نشاط، سازندگی و پویایی، امید به آینده و اعتمادبه‌نفس.

بر همین مبنا انتظار می‌رود که مؤلفان و ناشران تولیدکننده محتوای آموزشی در حوزه مطالعات اجتماعی، به استناد و جهت‌گیری کلی سازمان‌دهی محتوا و آموزش‌های این حوزه، تفکیک لازم را برای توجه به شایستگی‌های مورد انتظار تا پایان دوره آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه اول)، در قالب تجربیات یادگیری و درهم تنیده و تلفیقی براساس توان مخاطب فراهم آورند.

منابع آموزشی

منابع آموزشی عبارت‌اند از تمام ابزارها و وسایل ارتباطی که برای تحقق اهداف برنامه‌های آموزشی و تربیتی و پیشرفت تحصیلی متریبان ابداع شده‌اند یا به کار گرفته می‌شوند و کاربرد آن‌ها می‌تواند فرایند یاددهی - یادگیری را مؤثرتر و پایدارتر کند و تحقق یادگیری معنادار را آسان‌تر سازد. تنوع موضوعات مورد مطالعه در حوزه مطالعات اجتماعی سبب شده است، معلم و دانش‌آموز به منابع زیاد و متنوعی نیاز پیدا کنند. این منابع می‌توانند شامل انواع کتاب‌ها، نرم‌افزارها، مدل‌ها و... باشند که معمولاً در قالب بسته‌های آموزشی ارائه می‌شوند.

بسته آموزشی می‌تواند در برگزیده سه دسته از منابع آموزشی باشد:

۱. **منابع چاپی:** شامل کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی، مجله، کاربرگ، نقشه، کتاب کار و تمرین، کتاب مرجع و...
۲. **منابع ابزاری:** شامل رایانه، تلویزیون، ماکت، مولاژ و...
۳. **منابع اینترنتی:** شامل وب‌گاه‌ها، مجله‌های الکترونیکی، سی‌دی‌ها و...

از میان منابع فوق، در این نوشتار فقط به کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی می‌پردازیم:

الف) کتاب‌های کمک‌آموزشی

کتاب‌هایی هستند که به منظور ایجاد انگیزه، افزایش دانش و سواد علمی، و توسعه یادگیری به منظور ارتقای شایستگی‌های لازم در دو بعد فردی و اجتماعی تهیه و تنظیم می‌شوند. این کتاب‌ها الزاماً به برنامه‌های درسی دوره تحصیلی وابسته نیستند و شامل کتاب‌های تکمیلی دانش‌آموز و کتاب‌های حمایتی معلمان و کارشناسان می‌شوند.

ب) کتاب‌های کمک‌درسی

کتاب‌هایی هستند که به منظور تسهیل، تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی در جهت اهداف برنامه‌ها و کتاب‌های درسی مرتبط تولید می‌شوند؛ مانند کتاب‌های کار و کتاب‌های تمرین.

ویژگی‌های کتاب‌های تکمیلی دانش‌آموزان

- بر اهداف حوزه تربیت و یادگیری مبتنی باشند.
- در آن‌ها اطلاعات و واقعیت‌های علمی از انسجام لازم برخوردار باشند.
- باعث ایجاد انگیزه و تقویت آن در مخاطبان شوند.
- به رشد و توسعه علمی مخاطبان کمک کنند.
- تعمیم‌ها، مفاهیم و واقعیت‌ها را به صورت مستدل انتقال دهند.
- به نیازهای اختصاصی مخاطبان توجه کنند.
- با استفاده از قالب‌های متنوعی مانند داستان، شعر و نمایشنامه به صورت‌های ساده یا ترکیبی، گیرایی مطالب را افزایش دهند.
- در ارائه مطالب علمی، خلاقیت و نوآوری داشته باشند.
- برای انتقال سریع و مؤثرتر مطالب از تصویر، نمودار، جدول، نقشه، گراف و... بهره گرفته باشند.
- علاقه مخاطبان را به مطالعه بیشتر درباره موضوع یا موضوع‌های مطرح شده تقویت کنند.
- همراه با منابع تألیف یا ترجمه کتاب، منابعی را برای مطالعه بیشتر معرفی کنند.

ویژگی‌های کتاب‌های حمایتی معلمان و کارشناسان

- حاوی اطلاعات نوینی برای گسترش دانش معلمان و کارشناسان باشند.
- محتوا را با روش‌های تازه و جذاب بیان کنند.
- شایستگی‌ها و مهارت‌های نوین حرفه‌ای، تربیتی و تخصصی مخاطبان را تقویت کنند.
- مطالعات ملی و جهانی را به منظور توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی ارائه کنند.
- یافته‌های جدید روشی در تدریس علوم در کشورهای گوناگون جهان را برای مقایسه تطبیقی آن‌ها با ایران ارائه کنند.
- یافته‌های جدید روشی در برنامه‌ریزی درس‌ها را با ذکر نمونه‌هایی از کشورهای جهان، برای مقایسه تطبیقی آن‌ها با ایران، ارائه کنند.
- مهارت‌ها و تمرین‌هایی قابل انطباق با محیط یادگیری و کتاب‌های درسی کشور ارائه دهند.
- توانمندی‌های معلمان را در زمینه طراحی موقعیت‌ها و فعالیت‌های کلاسی برای دانش‌آموزان افزایش دهند.
- محتوای آن‌ها با مسائل جامعه امروز، زندگی فردی دانش‌آموزان و فناوری‌های نوین در هم تنیده باشند.
- برنامه‌های درسی حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی را برای مخاطبان تشریح، تفسیر و تبیین کنند.

ویژگی‌های کتاب‌های کار

- فرصت شکوفایی فطرت و استعدادها دانش‌آموزان را فراهم کنند.
- فرصت کاربرد یافته‌های علوم گوناگون را در زندگی فردی و

اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کنند.

- درک دانش‌آموزان را در ارتباط با مطالب کتاب کمک درسی و برنامه درسی عمق بخشند.
- مهارت‌های لازم و مرتبط با کتاب‌های درسی را پرورش دهند.
- زمینه استحکام و استمرار فرایند یادگیری دانش‌آموزان را فراهم کنند.
- موقعیت‌ها و فعالیت‌های یادگیری و مهارت‌های متنوع و فراتر از کتاب درسی را فراهم و ارائه کنند.
- زمینه پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را از طریق پیش‌بینی کارهای گروهی در فعالیت‌ها فراهم کنند.
- فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان را در محیط متنوع محل زندگی آن‌ها بسط و توسعه دهند.
- شایستگی‌های پایه را در مخاطبان از طریق طراحی موقعیت‌های آموزشی و تربیتی مناسب فراهم کنند.

ویژگی‌های کتاب‌های تمرین

- مفاهیم و مهارت‌های اساسی مطرح در کتاب‌های درسی را به منظور تسهیل، تثبیت و تقویت یادگیری دانش‌آموزان توسعه دهند.
- در سازمان‌دهی محتوا به ایده‌های کلیدی و شایستگی‌های موجود در کتاب‌های درسی توجه کنند.
- اطلاعات مهارت‌ها و ارزش‌های موجود در کتاب درسی را به منظور تسهیل یادگیری طبقه‌بندی کنند.

- تمرین‌های بی ارتباط با اهداف درس‌ها و پاسخ مستقیم تمرین (حل المسائل) کتاب‌ها را ارائه ندهند.
- در ارائه تمرین‌ها برای تشویق یادگیرنده، خلاقیت و نوآوری داشته باشند.
- از نمودار، نقشه، تصویر و جدول مناسب برای انتقال مؤثرتر مطالب کتاب‌های درسی بهره بگیرند.
- استاندارد ارزشیابی برنامه درسی را رعایت کنند.
- به جای موفقیت آبی و زودگذر در ارزشیابی‌ها، بر یادگیری پایدار تأکید کنند.
- خلاقیت‌های دانش‌آموزان را از طریق ارائه الگوهای مناسب یادگیری و تعامل با آن‌ها پرورش دهند.
- علاقه و انگیزه مخاطبان را برای توسعه یادگیری افزایش دهند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. هدف‌های کلی برنامه‌های درسی و تربیتی، بند ۶، ص ۱۶، برنامه درسی ملی، اسفند ۹۱.
۲. برنامه درسی ملی، رویکرد و جهت‌گیری‌های کلی، بند ۴، ص ۱۱، اسفند ۹۱.
۳. برنامه درسی ملی، بیانیه حوزه تربیت و یادگیری، بند ۷، ص ۳۱، اسفند ۹۱.
۴. برنامه درسی ملی، رویکردها و جهت‌گیری‌های کلی، بند ۳-۴، تبصره ۱، ص ۱۲، اسفند ۹۱.

تنوع موضوعات مورد مطالعه در حوزه مطالعات اجتماعی سبب شده است معلم و دانش‌آموز به منابع زیاد و متنوعی نیاز پیدا کنند. این منابع می‌توانند شامل انواع کتاب‌ها، نرم‌افزارها، مدل‌ها و... باشند



کتاب‌های داستان و شعر منابعی برای پرورش حس خلاقیت، نوآوری و خیال

افزایش و در سال ۱۳۹۵ معادل ۹ درصد کاهش داشته است. طبق جدول ۲، کل کتاب‌های تربیتی بررسی شده مربوط به دوره ابتدایی از سال ۱۳۹۳ تا پایان ۱۳۹۵، معادل ۱۷۲۲ جلد کتاب بوده که ۱۳۵۰ جلد آن‌ها مناسب شناخته شده‌اند. همچنین، در سال ۱۳۹۳ ۱۲ درصد کتاب‌های مناسب از میان کتاب‌های رسیده ۸۱ درصد، در سال ۱۳۹۴ معادل ۸۰ درصد

«کتاب‌های حوزه داستان» شامل کتاب‌های داستان، شعر، نثر ادبی و خاطره، نقد ادبی و آموزش ادبی و نیز نمایش‌نامه هستند که از سال ۱۳۹۳ تاکنون در کنار کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی بررسی و معرفی می‌شوند. این کتاب‌ها مربوط به چهار دوره آموزشی، یعنی ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم و فنی‌وحرفه‌ای و

جدول ۱. نتایج کلی کتاب‌های داستانی ارزیابی شده و مناسب در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

ردیف	سال بررسی	کل کتاب‌های ارزیابی شده	تعداد کتاب‌های مناسب	درصد کتاب‌های مناسب	میزان رشد	تعداد کتاب‌های نامناسب
۱	۱۳۹۵	۱۲۷۴	۸۹۱	۷۰	-۹	۳۸۳
۲	۱۳۹۴	۸۷۷	۷۱۱	۸۱	۱۵	۱۶۴
۳	۱۳۹۳	۳۳۱	۲۱۹	۶۶	-	۱۱۲

و در سال ۱۳۹۵ معادل ۷۷ درصد بوده است. یعنی رشد کتاب‌های مناسب نزولی بوده است و نه صعودی! به نظر می‌آید برخی از ناشران و نویسندگان در زمینه تولید کتاب برای دانش‌آموزان، چه از نظر ظاهر و چه از نظر محتوا، چندان جدی عمل نمی‌کنند و به مذاق مخاطبان خودشان که در سال‌های آغازین زندگی قرار دارند، توجه خاصی ندارند. هر نوع کتابی را با هر نوع تصویر، ادبیات، فکر و اندیشه تولید و

کاردانش است. کل کتاب‌های داستانی بررسی شده از سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۵ طبق جدول ۱ شامل، ۲۴۸۲ جلد کتاب است که از میان آن‌ها ۱۸۲۱ جلد مناسب شناخته شده و در کتابنامه رشد معرفی شده‌اند. کتاب‌های شعر و قصه، در دوره پیش‌دبستانی، در شمار یکی از برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی قبل از این تاریخ نیز مورد بررسی قرار می‌گرفت. میزان رشد کتاب‌های تربیتی در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۵ درصد

جدول ۲. نتایج کلی کتاب‌های داستانی ارزیابی شده و مناسب در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، دوره ابتدایی

ردیف	سال بررسی	کل کتاب‌های ارزیابی شده	تعداد کتاب‌های مناسب	درصد کتاب‌های مناسب	میزان رشد	تعداد کتاب‌های نامناسب
۱	۱۳۹۵	۹۴۴	۷۲۶	۷۷	-۳	۲۱۸
۲	۱۳۹۴	۵۵۰	۴۳۹	۸۰	-۱	۱۱۱
۳	۱۳۹۳	۲۲۸	۱۸۵	۸۱	-	۴۳

جدول ۳. نتایج کلی کتاب‌های داستانی ارزیابی شده و مناسب در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، دوره متوسطه اول

ردیف	سال بررسی	کل کتاب‌های ارزیابی شده	تعداد کتاب‌های مناسب	درصد کتاب‌های مناسب	میزان رشد	تعداد کتاب‌های نامناسب
۱	۱۳۹۵	۱۸۴	۱۲۳	۶۷	-۲۸	۶۱
۲	۱۳۹۴	۲۴۲	۲۲۹	۹۵	+۳۳	۱۳
۳	۱۳۹۳	۳۹	۲۴	۶۲	-	۱۵

این مسئولیت توجه نمی‌کنند و نوجوانان خیلی جدی گرفته نمی‌شوند، چنین شرایطی پیش می‌آید و مؤلفه‌هایی از این دست.

به هر حال هر عاملی که این وضعیت را سبب شده باشد، جای تأسف بسیار دارد. چرا که کتاب‌های تربیتی، همچون داستان و شعر، منابعی برای پرورش حس خلاقیت، نوآوری و خیال محسوب می‌شوند که راه را برای پرورش انسان‌های نوآور، مبتکر، مکتشف و هنرمند با ایده‌های نو آماده می‌کنند و به تبع آن جامعه‌ای پویا و خلاق به وجود می‌آید.

وقتی به جدول ۴ که وضعیت کتاب‌های تربیتی متوسطه نظری در آن درج شده، نگاهی بیندازیم، این وضعیت اسف‌بار بیشتر خودش را می‌نماید؛ موضوعی که جای بحث و بررسی جدی ارزیابان کتاب‌های تربیتی، ناشران، مترجمان و مؤلفان و حتی کارشناسان دینی و تربیتی را در کنار هم می‌طلبد. آنچه باعث افت تأیید کتاب‌های مناسب برای دانش‌آموزان شده است، فقط ترجمه نیست. حتی کتاب‌های مؤلفان و ناشرانی که کتاب‌های مذهبی تولید می‌کنند نیز از نظر ظاهری و محتوایی جالب نیست.

سطحی گرفتن تولید کتاب‌ها در زمینه دینی و مذهبی ضربه بسیار خطرناکی به منظور به مظلومیت کشاندن دین و مذهب در این کشور است. آموزش و پرورش هر کشوری زیربنا و آینده خوش و ناخوش هر جامعه‌ای را در هر زمینه‌ای رقم می‌زند. پس لازم است هر چه برای دانش‌آموزان تولید می‌شود، جدی گرفته شود و به صورت بسیار عالمانه بررسی شود.

نامناسب شدن و کنار گذاشتن کتاب‌های تولید شده، چه در زمینه تألیف و چه در زمینه ترجمه، باعث تلف شدن وقت، انرژی، هزینه، انگیزه و علاقه، خیلی چیزهای دیگر می‌شود که در این مقاله کوتاه نمی‌گنجد. پس تولید کتاب را جدی بگیریم و عمر و سرمایه خود را بیهوده از دست ندهیم.

وارد بازار نشر می‌کنند. این وضعیت مخصوصاً در زمینه تولید کتاب‌های ترجمه شده بسیار بارز است. مترجمان شاید در نظر نمی‌گیرند که دارند کتابی را ترجمه می‌کنند که قرار است دانش‌آموز ایرانی آن را بخواند و نمی‌دانند که باید در ترجمه کتاب از زبان مرجع به زبان مقصد، دین، فرهنگ، سنت و آداب اجتماعی کشور مقصد را در نظر بگیرند. هر کتابی را وارد بازار نشر نکنند یا حداقل از آموزش و پرورش انتظار نداشته باشند که روی هر کتابی مهر تأیید بزنند.

هر چه از دوره ابتدایی به دوره‌های بعدی حرکت می‌کنیم، این وضعیت نزولی بیشتر می‌شود. جدول ۳ وضعیت بررسی کتاب در دوره متوسطه اول را نشان می‌دهد.

تعداد کل کتاب‌های تربیتی متوسطه اول در سه سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ معادل ۴۶۵ جلد بوده که از این تعداد ۳۷۶ جلد کتاب مناسب تشخیص داده شده است. خوش‌بختانه سال ۱۳۹۴، ۳۳ درصد رشد صعودی و متأسفانه سال ۱۳۹۵، ۲۸ درصد رشد نزولی داشته است.

در سال ۱۳۹۵، هم تعداد کتاب‌های ارزیابی شده و هم تعداد کتاب‌های مناسب بسیار پایین آمده است! چرا؟

با توجه به تعداد کتاب‌های بررسی شده متوسطه اول نسبت به سال قبل مشاهده می‌کنیم که رویکرد ناشران و نویسندگان نسبت به تولید کتاب‌های تربیتی برای نوجوانان تغییر کرده است.

چه عواملی می‌تواند باعث این وضعیت شود؟ آیا می‌توانیم بگوییم که در دوره نوجوانی آنچه برای نوجوانان بیشتر اهمیت دارد، پرداختن به کتاب‌های آموزشی است؟ یا اینکه با وجود فضاهای مجازی و دسترسی آسان نوجوانان به این نوع فضاها، ناشران دیگر رغبت چندانی ندارند برای این دوره کتاب به شکل واقعی تولید کنند؟ یا اینکه چون در دوره ابتدایی والدین برای فرزندان خود کتاب تهیه می‌کنند، اما در دوره نوجوانی به

جدول ۴. نتایج کلی کتاب‌های داستانی ارزیابی شده و مناسب در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، دوره متوسطه نظری

ردیف	سال بررسی	کل کتاب‌های ارزیابی شده	تعداد کتاب‌های مناسب	درصد کتاب‌های مناسب	میزان رشد	تعداد کتاب‌های نامناسب
۱	۱۳۹۵	۲۲۰	۱۱۶	۵۳	-۳۶	۱۰۴
۲	۱۳۹۴	۳۰۴	۲۵۸	۸۹	۴۹	۴۶
۳	۱۳۹۳	۱۳۳	۶۶	۵۰	-	۶۷

فیلم آموزشی فرصتی مؤثر برای یادگیری

گزارشی از کارگاه آموزشی ارزیابان فیلم و رسانه‌های آموزشی

امروزه استفاده از رسانه‌های گوناگون، از جمله تصویر، نمودار، پوستر، نوار شنیداری، کتاب، و... در موقعیت‌های آموزشی سبب بهبود شرایط یادگیری می‌شود. فیلم آموزشی از جمله رسانه‌های آموزشی است که امکانات قابل توجهی را برای دست‌اندرکاران آموزش فراهم می‌آورد. معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از فیلم‌های آموزشی اثربخش بودن تدریس خود را افزایش دهند. اما اثربخشی این رسانه مستلزم آشنایی با قابلیت‌ها، روش‌های کاربرد و اصول طراحی و کاربرد آن است. در این راستا، چندی پیش «کارگاه فیلم آموزشی» با حضور کارشناسان و ارزیابان فیلم و رسانه‌های آموزشی برگزار شد که گزارشی از این کارگاه را در ادامه می‌خوانید.

در آغاز این نشست، وحید گلستان، رئیس گروه تولید فیلم آموزشی «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تغییر بافت گفتمانی کلاس درس را یکی از کارکردهای مهم فیلم عنوان کرد و گفت: «یکی از هدف‌های جدی نمایش فیلم «بالا رفتن انگیزه» است و مهم‌ترین وظیفه معلم خوب این است که دانش‌آموز را

تهییج کند و در او انگیزه به وجود آورد. در روش سنتی، نمره گرفتن دانش‌آموز را وادار به حفظ کردن پاسخ‌ها می‌کرد.»

وی افزود: «اصولاً کاربرد تکنولوژی آموزشی زمانی توجیه می‌شود که معلم با مشکل آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان مواجه شود و برای حل این مسئله بتواند به تکنولوژی آموزشی مراجعه و مسئله را حل کند. طبعاً فیلم‌های آموزشی یکی از مهم‌ترین رسانه‌هاست که جذابیت نسبی آن به‌طور طبیعی و ذاتی برای همه مشخص است.»

وحید گلستان با ذکر تفاوت «طراحی آموزشی برای فیلم» با طراحی آموزشی معمولی، به بیان جایگاه تعلیق در فیلم آموزشی اشاره کرد و گفت: «طبیعتاً در فیلم‌های داستانی و سینمایی تعلیق یکی از عناصر مهم و بنیادین محسوب می‌شود. اگر فیلمی شما را برای تماشای کامل آن جذب نکند و هیجانی

که تعلیق کنترل شده باشد.»

گلستان در پاسخ به سؤالات حاضران در ادامه افزود: «زبان فیلم می‌تواند (نه ضرورتاً همیشه) به زبان ادب و زبان شعر نزدیک شود. یعنی کاری را انجام دهد که در زبان علم در حد معمول انجام‌شدنی نیست. همیشه کتاب در بهترین حالت ممکن در زبان علم فرهیخته‌تر، اصیل‌تر و درست‌تر از فیلم خواهد بود. اما فرصتی که فیلم ایجاد می‌کند فرصتی است که در زبان شعری و زبان هنری می‌توان ایجاد کرد. یعنی معنا را به تأخیر بیندازیم تا مخاطب برای کشف معنا درگیر شود. این درگیر شدن باعث ایجاد انگیزه و کنجکاوی می‌شود.»

وی ضمن جمع‌بندی بخش اول سخنانش خاطرنشان کرد: «فیلم می‌تواند با تفسیرگری، یک فرصت ارتباطی - آموزشی جدیدی ایجاد کند، اما اگر از کنترل خارج بشود می‌تواند کاملاً متضاد عمل کند.»

رئیس گروه تولید دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در پاسخ به پرسش آقای غلامرضا شمسایی، ارزیاب محتوایی و فنی منابع غیرمکتوب درباره زبان فیلم آموزشی گفت: «استفاده از فیلم می‌تواند سبب مشارکت مخاطب در به وجود آمدن معنا و تفسیرگری شود؛ اما اگر به فیلم‌ساز اجازه داده شود، آزادانه و

گلستان: استفاده از فیلم می‌تواند سبب مشارکت مخاطب در به وجود آمدن معنا و تفسیرگری شود

به هر شکلی که دوست دارد به محتوا بپردازد، یا به تعبیر شما به واگرایی و مفاهیمی برسد که در درون فرد تکرار و تفسیر می‌شوند و لایه‌های زیرین ایجاد می‌کنند، این فیلم ضرورتاً فیلم آموزشی خوبی نیست. شاید فیلم خوبی باشد و حتی از فستیوال‌های جهانی نیز جایزه بگیرد، اما در امر آموزش، فیلم خوبی محسوب نمی‌شود.»

گلستان در پاسخ به پرسش **حیدری فرد**، دیگر ارزیاب حاضر در جلسه که دربارهٔ ایجاد واگرایی در فیلم آموزشی پرسیده بود، توضیح داد: واگرایی مزیت محسوب نمی‌شود و یک نقطه ضعف است. تناقض ذاتی این است که از رسانه‌ای که معنا را به تأخیر می‌اندازد، برای آموزش استفاده می‌کنیم. چرا؟ چون هیچ رسانهٔ دیگری جذابیت رسانهٔ فیلم را ندارد. با وجود اینکه ایران جزو کشورهایی است که در تولید فیلم آموزشی سابقهٔ نسبتاً طولانی دارد، اما امروزه به سختی می‌توان به تعداد انگلستان دست، فیلم‌ساز آموزشی درجهٔ یک را نام برشمرد، در حالی که مطمئناً می‌توان صدها نویسندهٔ درجه یک برشمرد.

عزیزی، یکی از ارزیابان حاضر در جلسه پرسید: «شما گفتید که محتوا وقتی به فیلم تبدیل می‌شود، تغییر می‌کند. در جایی دیگر از صحبت‌هایتان هم اشاره کردید که به مطالب عمق می‌دهیم و به لایه‌های زیرین نفوذ می‌کنیم، بدون اینکه محتوا عوض شود. این جمله‌ها هم معنی نیستند. آیا محتوا تغییر می‌کند یا نمی‌کند؟»

گلستان در پاسخ گفت: «محتوا تغییر نمی‌کند و ما تنها به محتوا شکل می‌دهیم، چون خودش عمق دارد. عمق دادن می‌تواند یکی از کیفیت‌های شکل دادن به محتوا محسوب شود.»

از نظر **زهرا سلیمی‌زاده**، ارزیاب فنی نرم‌افزارهای آموزشی «با توجه به اینکه اکنون کتاب‌های تفکر و پژوهش وارد عرصهٔ آموزش شده‌اند و دانش‌آموزان باید فیلم آموزشی ببینند و فیلم را نقد و بررسی کنند و معلمان نیز گاهی سر کلاس درس انشا یا هنر از فیلم استفاده می‌کنند، اتفاقاً آن بخشی از فیلم که بشود از آن برداشت‌های مختلف کرد، خیلی خوب است. در واقع هدف آن درس خاص تأمین می‌شود. یعنی همیشه این نیست که فیلم آموزشی باید چیز خاصی را روایت کند.»

در ادامه وحید گلستان، رئیس گروه تولید فیلم آموزشی خاطر نشان کرد: «پخش فیلم هنگام تدریس باید بتواند بحثی را که در کلاس شروع شده بود، گسترده‌تر سازد و فرصت یادگیری ایجاد کند. مصداق و مثال بیاورد و اگر مبحث ذهنی است، بتواند مابه‌ازای عینی بیاورد. همچنین خوب است سؤال جدید ایجاد کند.»

وی سپس به هدف‌های فیلم آموزشی اشاره کرد و افزود: «نبود طراحی آموزشی مناسب، بیشترین ضعف فیلم‌های آموزشی موجود است. زمانی که طراحی آموزشی ضعیف باشد، همهٔ اتفاقات بد بعدی را نیز به دنبال دارد. هنوز برخی از خانواده‌ها و

حتی معلمان و دانش‌آموزان فکر نمی‌کنند که فیلم دیدن یک فعالیت جدی آموزشی است. جدیت به معنای میزان تمرکز، میزان دقت و میزان ارزشیابی است که پس از دیدن فیلم باید حاصل شود.»

وحید گلستان از فیلم آموزشی به عنوان پویاترین و ارزان‌ترین رسانه یاد کرد و گفت: «کتاب، فیلم، نرم افزار، سایت و غیره وظیفه دارند در خدمت آموزش باشند. متأسفانه ما در دوره‌ای هستیم که هم در سطوح کلان نگاه به فیلم درست نیست و هم در جامعه، فرهنگ استفاده از فیلم به عنوان رسانهٔ آموزشی تثبیت نشده است. گویی دانش‌آموز با دیدن فیلم دارد وقت تلف می‌کند، در حالی که فیلم در حافظهٔ بصری دانش‌آموز می‌ماند و به او کمک می‌کند.»

وی افزود: «بازار فیلم آموزشی به دلایل متفاوت هنوز به وجود نیامده است. البته تعدادی از مؤسسات کار می‌کنند و تعدادی هم به سود نسبی رسیده‌اند، ولی کافی نیست. باید یک فکر جدی بشود که بخش خصوصی در تولید فیلم آموزشی قوی شود و سود ببرد. روش‌های گوناگونی در زمینهٔ ساخت و تولید فیلم آموزشی وجود دارند که می‌توانند به بهترین نحو اصل علمی، اصل آموزش و اصل تربیت را بیان کنند و به دنبال خود فیلم‌های مناسب بعدی را به ارمغان بیاورند.

گلستان در جمع‌بندی نهایی گفت: «این

ضرورت احساس می‌شود که در داورهای همهٔ موارد در نظر گرفته شوند. اکنون ما شاهد آن هستیم که دانش‌آموزان از طریق رسانه‌های جدید وارد یک روند آموزش غیررسمی شده‌اند. اگر جلوی این رسانه‌ها گرفته شود، اشتباه بزرگی رخ داده است. از یک طرف باید مراقب بود که این فیلم‌ها از فیلتر خارج نشوند و از طرف دیگر آن قدر فیلتر نشوند که هیچ مطلبی برای ارائه وجود نداشته باشد.»

وی در مورد زمان استاندارد فیلم آموزشی هم گفت: «زمان استاندارد فیلم آموزشی برای دورهٔ ابتدایی کمتر از ۱۲ دقیقه و برای دورهٔ متوسطه کمتر از ۲۵ دقیقه است.»

وحید گلستان در پایان به دو نوع فیلم آموزشی مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد و افزود: «فیلم آموزشی غیرمستقیم برای اهداف نگرشی مناسب است. اگر می‌خواهید اخلاق کودک و نوجوان خوب شود و در او تغییر نگرش، تغییر باور و عادت خوب ایجاد کنید، فیلم‌های آموزشی غیرمستقیم مناسب‌اند. چون هر چند محتوا کم ارائه می‌شود، ولی عمق دارد و تأثیرگذاری اش بیشتر است. پس اگر می‌خواهید اطلاعات زیادی به چهره‌ها بدهید، یعنی جنبهٔ علمی فیلم بیشتر از جنبهٔ تربیتی آن باشد، از فیلم‌های آموزشی مستقیم استفاده کنید.»

گلستان: فقدان طراحی آموزشی مناسب، بیشترین ضعف فیلم‌های آموزشی موجود است
زمانی که طراحی آموزشی ضعیف باشد، همهٔ اتفاقات بد بعدی را نیز به دنبال دارد



پژواک

سؤال‌های ذره‌بینی

پاسخ به پرسش‌های کارشناسان و معلمان استان خوزستان

این صفحه برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های معلمان، ناشران و همکاران ما در استان‌های سراسر کشور ایجاد شده است. ممکن است چنین پرسش‌هایی در ذهن شما نیز وجود داشته باشند. در شماره پیش به پرسش‌هایی از استان خراسان رضوی پاسخ دادیم. در این شماره، پرسش‌هایی از معلمان و کارشناسان استان خوزستان همراه با پاسخ‌های آن‌ها منتشر می‌شود. با تشکر از گروه تحلیل محتوای این استان، شما را به خواندن پرسش‌ها و پاسخ‌ها دعوت می‌کنیم.

درسی مورد بحث قرار گرفته‌اند که این اسناد از طریق منوی وبگاه سامان کتاب (به نشانی <http://samanketab.roshdmag.ir>) قابل دریافت و مطالعه‌اند و البته به‌زودی نسخه به‌روز شده آن‌ها نیز ارائه خواهد شد.

ولی به‌طور خلاصه می‌توان گفت کتاب نباید با برنامه درسی و رویکردهای آن در تضاد باشد؛ کتاب باید موجب تفکر و خلاقیت دانش‌آموز شود و دست‌کم مانع از آن‌ها نشود (مثلاً نوشتن پاسخ کامل برای پرسش‌های کتاب، خصوصاً کتاب‌های درسی، موجب امتیاز منفی می‌شود). در کتاب با توجه به روحیات گونه‌گون دانش‌آموزان، باید حتی‌الامکان از شیوه‌ها و قالب‌های نو و متنوع برای طرح مباحث استفاده شده باشد. حجم کتاب نباید خیلی زیاد باشد و در صورت امکان از نمودار، نقشه و جدول برای تسهیل یادگیری استفاده شود. همچنین کتاب باید از غلط‌های

ملاک‌های استاندارد بودن یک کتاب

۱. چه ملاک‌ها و شاخص‌هایی از طرف دفتر برای تعیین استاندارد بودن یک رساله مکتوب در نظر گرفته شده است؟ (لطفاً الگوی بررسی و ریزامتیازات را اعلام فرمایید.)

برای بررسی هر کتاب دو گروه معیار وجود دارد: «معیارهای عمومی» که در همه کتاب‌ها مشترک‌اند، و «معیارهای اختصاصی» که مربوط به کتاب‌های یک موضوع درسی خاص، مانند علوم تجربی، ریاضی، ادبیات فارسی یا زبان انگلیسی هستند. با عنایت به این موضوع، توضیح محتوای برگه‌های متفاوت و اعلام ریزنمرات هر برگه، نیازمند کتابچه‌ای چند صدصفحه‌ای است. البته این ویژگی‌ها در اسنادی با عنوان «سند راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی» به تفکیک موضوعات

علمی و تعریف‌های من‌درآوردی و حتی غلط‌های ویرایشی مؤثر عاری باشد.

افزون بر این‌ها، ظاهر کتاب‌ها نیز نباید خواننده را در فرایند مطالعه خسته کند. برای این منظور کتاب باید قلم مناسب و صفحه‌آرایی قابل قبول داشته باشد. اگر کتابی عاری از این مشکلات عمده باشد، کتابی مناسب و استاندارد خواهد بود. البته برخی از اشکالات ظاهری و فیزیکی کوچک، که در کیفیت محتوا اثر زیادی ندارند، قابل اغماض‌اند.

آیا اعلام نتیجه به ناشر، باعث سوءاستفاده او می‌شود؟

۲. به نظر شما ارائه پاسخ و نتیجه بررسی درخواست آثار ثبت شده در سامانه استاندارد کتاب‌های آموزشی و تربیتی صرفاً به ناشران (در حالی که صاحب اصلی هر اثر، مؤلف آن است) باعث سوءاستفاده بعضی از ناشران در این زمینه نمی‌شود؟

نتیجه بررسی کتاب در صورت درخواست مؤلف، به خود او هم داده می‌شود. بنابراین پاسخ صرفاً در اختیار ناشر قرار نمی‌گیرد. ضمناً به نظر می‌رسد، مؤلف کتاب و ناشر - که برای انتشار کتاب سرمایه‌گذاری کرده است - هر دو به گونه‌ای صاحب اثر شمرده می‌شوند. بنابراین چرا باید دانستن نتیجه توسط ناشر، موجب سوءاستفاده شود؟

اگر نویسنده‌ای مایل باشد چنین اطلاعاتی فقط در اختیار خودش قرار بگیرد، می‌تواند مجوز کتاب را به نام خود اخذ و کتاب را با سرمایه خود منتشر کند. در این صورت، در سامانه هم به‌عنوان «ناشرمؤلف» ثبت نام می‌کند و به این ترتیب تمام مکاتبات با شخص وی صورت می‌گیرد.

آیا معرفی یک کتاب توسط ادارات کل منع قانونی دارد؟

۳. آیا معرفی اثر یک ناشر، یا چند اثر از چند ناشر تأیید شده در کتابنامه رشد یا فهرستگان، توسط ادارات کل استان‌ها به مدارس منع قانونی دارد؟ به عبارت دیگر آیا ادارات کل مجاز به معرفی رسمی یک یا چند منبع مشخص به مدارس هستند؟

در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی مدارس، آنجا که وظایف شورای معلمان را گوشه‌زد می‌کند، انتخاب منابع آموزشی برعهده معلمان مدرسه گذاشته شده است. منطق انتخاب کتاب آموزشی و تربیتی و معرفی آن توسط معلمان این است که آن‌ها از توانایی‌های ذهنی و دانشی شاگردانشان بیش از دیگران آگاهی دارند و بهتر می‌دانند کدام منبع برای آن‌ها مناسب‌تر است. مثلاً معلمان مدرسه بهتر می‌توانند بر حسب شرایط مدرسه، کتاب‌های مناسب را برای کتابخانه کلاس یا مدرسه خریداری کنند و اگر لازم باشد، کتاب‌های آموزشی خاصی به دانش‌آموز یک پایه خاص معرفی شود، معلم هر کلاس به ویژگی‌های شاگردانش بیش از دیگران اشراف دارد و می‌تواند برای هر گروه از شاگردان، کتاب مناسب آن‌ها را معرفی کند

و در این کار از مشورت و تجربه همکاران خود در «شورای معلمان» هم استفاده کند.

مصوبه ۸۲۸ «شورای عالی آموزش و پرورش»، فقط گوشه‌زد کرده است که این منابع از بین هزاران منبعی انتخاب شود که توسط کارشناسان بررسی و به‌عنوان استاندارد معرفی شده‌اند. به این ترتیب، معرفی یک کتاب آموزشی خاص خصوصاً کتاب کمک‌درسی از سوی استان، به نوعی نقض غرض به‌نظر می‌رسد.

نوع حمایت از تولیدکنندگان آثار استاندارد

۴. آیا دفتر سیاست‌هایی برای حمایت از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان آثار مکتوب در سطح استان‌ها دارد یا این کار به سطح وزارتخانه و سازمان پژوهش محدود است؟

اگر منظور از حمایت، معرفی کتاب‌های مناسب و استانداردهای آن‌ها باشد، دفتر انتشارات از تمام کتاب‌های مناسب و استاندارد حمایت می‌کند. به این منظور کتاب‌های مناسب، پس از تأیید کارشناسان، ابتدا در سامانه کنترل کیفیت منابع مکتوب (<http://samanketab.roshd.ir>)، و در فاصله اندکی در وبگاه سامان کتاب (<http://samanketab.roshdmag.ir>) و پس از آن در کتابنامه رشد و فهرستگان رشد و حتی در صورت کسب امتیاز لازم، در پایان کتاب درسی معرفی می‌شوند. این کتاب‌ها همچنین در جشنواره کتاب رشد به رقابت برمی‌خیزند.

اگر منظورتان هم حمایت‌هایی مانند حمایت در جشنواره انتخاب معلمان نمونه است، در دستورالعمل انتخاب معلمان امتیازی برای تألیف کتاب مناسب و استاندارد توسط معلمان مؤلف در نظر گرفته شده است.

ادارات کل چگونه می‌توانند کتاب چاپ کنند؟

۵. ادارات کل استان‌ها در صورت تمایل به فعالیت در زمینه چاپ و نشر کتاب، نشریه و... چگونه می‌توانند در این خصوص اقدام کنند؟ لطفاً راهکارهای قانونی و عملی در این رابطه را بیان بفرمایید.

به نظر می‌رسد فعالیت ادارات کل استان‌ها در این حوزه، تابع «آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور مصوب ۱۳۶۵» باشد که توسط هیئت دولت به تصویب رسیده است. این آیین‌نامه برای اجرایی کردن قانونی نوشته شده است که در ۱۳۶۵/۷/۲۹ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و مطابق آن، نهادهای دولتی (به استثنای نهادهایی که در همان قانون نام برده شده‌اند)، از انتشار کتاب و نشریه و مانند آن منع شده‌اند. مطابق این آیین‌نامه، در صورت ضرورت، توسط بالاترین مقام مسئول در دستگاه دولتی، تقاضایی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال می‌شود تا مجوز لازم برای این کار صادر شود. متن این آیین‌نامه از طریق اینترنت قابل دستیابی است.



تازه‌ترین عناوین فهرستگان رشد

یکی از هدف‌های «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» از سال ۱۳۷۹ تاکنون تهیه و انتشار فهرستی از کتاب‌های مناسب و توزیع رایگان آن بین آموزشگاه‌های کشور بوده است که این امر با تولید کتاب‌نامه‌های رشد و توزیع سالیانه آن در ۱۰ تا ۱۵ درصد مدارس کشور دنبال می‌شد. در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار، تولید مجموعه‌ای از منابع آموزشی منتخب با عنوان «فهرستگان رشد» محقق شد. اولین شماره‌های فهرستگان در سال گذشته چاپ و به همه مدارس کشور ارسال شد. امسال نیز برای دومین بار این مجموعه به تعداد مدارس سراسر کشور چاپ شده و پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، در اختیار آنان قرار گرفته است.

فهرستگان رشد چیست؟

هر فهرستگان شامل منتخبی از منابع آموزشی و تربیتی مناسب اعم از مکتوب و غیرمکتوب است که در طول یک سال به «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» رسیده و توسط ارزیابان مورد تأیید قرار گرفته است.

بخش قابل توجهی از فهرستگان، شامل منابع مکتوب، یعنی کتاب‌های آموزشی و تربیتی است که معلمان و دانش‌آموزان را که به لحاظ ذهنی یا دانشی در سطوح گوناگونی قرار دارند، در

یافتن منابع مناسب یاری می‌دهد.

بخشی از فهرستگان نیز به معرفی منابع آموزشی در قالب فیلم، انیمیشن، نرم‌افزار، تجهیزات و وسایل آموزشی اختصاص دارد که بی تردید بهره‌برداری از آن‌ها به ارتقای کیفیت یادگیری منجر می‌شود. حجم این منابع در مقایسه با منابع مکتوب کم است، اما انتظاری دور از دسترس نیست که به دلیل افزایش منابع غیرمکتوب در سال‌های آینده، این حجم به نحو چشم‌گیری افزایش یابد.

جدول ۱. نتایج بررسی کتاب‌های کمک‌درسی، کمک آموزشی و داستانی در سال ۱۳۹۵

کل	کتاب‌های منتخب با بالاترین امتیاز			کتاب‌های مناسب	کتاب‌های رسیده	دوره تحصیلی
	کتاب‌های داستانی	کتاب‌های کمک آموزشی	کتاب‌های کمک‌درسی			
۹۶	-	-	-	۳۸۵	۶۱۴	پیش‌دبستان
۱۴۰	۲۰	۸۱	۳۹	۱۴۰۵	۱۹۷۱	ابتدایی
۱۳۲	۱۵	۹۴	۲۳	۴۸۱	۸۷۴	متوسطه اول
۱۲۶	۱۵	۶۱	۶۶	۶۲۳	۱۲۸۸	متوسطه دوم
۱۲۸	۱۵	۱۱۳	-	۳۶۷	۵۰۱	فنی و حرفه‌ای و کار دانش
۵۳	-	-	-	۸۰	۱۰۰	کودکان استثنایی

جدول ۲. تعداد منابع غیرمکتوب (فیلم، نرم‌افزار و وسیله آموزشی) به تفکیک دوره‌های تحصیلی در سال ۱۳۹۵

کودکان استثنایی	فنی و حرفه‌ای و کار دانش	متوسطه دوم	متوسطه اول	ابتدایی	پیش‌دبستان
۲	۳	۶	۸	۸	۶

فهرست‌های کامل‌تر و منابع بیشتر

ناگفته نماند فهرست کاملی از همه کتاب‌هایی که در سال گذشته مناسب شناخته‌اند، در کتاب‌نامه‌های رشد و در وبگاه سامان کتاب به نشانی «<http://samanketab.roshdmag.ir>» بارگذاری شده است. کتاب‌نامه‌های رشد نیز همانند فهرستگان برای دوره‌های تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم، دوره فنی و حرفه‌ای و کار دانش، پیش‌دبستانی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی منتشر شده‌اند.

فهرست کامل منابع آموزشی غیرمکتوب مورد تأیید نیز در وب‌گاه مربوطه به نشانی «<http://standard.roshd.ir>» قابل مشاهده است.

اطلاعاتی درباره فهرستگان‌های جدید

در سال ۱۳۹۶، دومین دوره فهرستگان‌های رشد که فهرست توصیفی منابع آموزشی و تربیتی منتخب و مرتبط با برنامه درسی دوره‌های متفاوت تحصیلی است، زیر نظر کارشناسان «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» در پنج عنوان، شامل دوره پیش‌دبستان با ۵۰۰۰ نسخه، ابتدایی با ۷۹۴۰۰ نسخه، متوسطه اول با ۴۳۶۰۰ نسخه، متوسطه دوم با ۲۳۰۰۰ نسخه، و متوسطه فنی و حرفه‌ای و کار دانش با ۴۵۰۰ نسخه و همچنین، اولین شماره فهرستگان رشد دوره آموزش و پرورش کودکان

استثنایی با ۴۰۰۰ نسخه منتشر شد.

برای ارزیابی این منابع بیش از ۲۰۰ نفر از معلمان مجرب و کارشناسان و برنامه‌ریزان آشنا با برنامه‌های درسی و آموزشی، ۵۰۰۰ کتاب و بیش از ۲۹۰ منبع آموزشی غیرمکتوب را بررسی کردند. کتاب‌های ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۹۵ یا یک سال قبل از آن چاپ شده بودند. تعداد کتاب‌های ارزیابی شده به تفکیک دوره‌های تحصیلی، در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود. در جدول شماره ۲ نیز تعداد منابع غیرمکتوب معرفی شده در هر عنوان از فهرستگان آورده شده است.

لازم به ذکر است که منابع معرفی شده در فهرستگان، براساس موضوع و به ترتیب حروف الفبا منظم شده‌اند. در معرفی منابع، فهرست توصیفی و چکیده‌ای از محتوای آن منبع ذکر شده و در پایان هر فهرستگان نیز نمایه‌هایی از جمله نمایه ناشر و آدرس آن تنظیم شده است که یافتن منبع مورد نیاز را برای خوانندگان محترم آسان می‌کنند.

«پخش مدرسه» با شماره تماس ۸۸۸۴۳۹۵۰ (۰۲۱) نیز عهده‌دار تهیه کتاب‌های درخواستی مدیران و معلمان محترم و ارسال آن‌ها به آموزشگاه‌های سراسر کشور است که امیدواریم با مراجعه به فهرستگان، منابع مکتوب و غیرمکتوب مورد نیاز خود و دانش‌آموزان را از بین بهترین‌های معرفی شده انتخاب کنند.



●● کتابخانه زانیاری سردوش

کتابخانه‌ای به وسعت زندگی

گزارشی از کتابخانه زانیاری سردوش

علاقه به کتاب و کتاب‌خوانی گاه موجب ایجاد تفکری در زندگی افراد می‌شود که مسیر زندگی آنان را تغییر می‌دهد و چه بسا این تغییر موجب بروز حوادث جالبی در زندگی آنان شود. از جمله این افراد می‌توان به محمد توانا حسینی اشاره کرد. وی ساکن روستای ۳۶۰ خانواری «سردوش» است که در ۳۰ کیلومتری شهرستان مرزی مریوان در استان کردستان قرار دارد. آنچه اینجا می‌خوانید، شرح مختصری از زندگی این جوان کتاب‌دار مریوانی است.

کتابخانه‌ای مشارکتی تأیید و رسماً شروع به کار کرد و با کمک نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و کانون مساجد تجهیز شد. خوش‌بختانه در زمستان ۱۳۹۵ طی مراسمی که در تهران برگزار شد، این کتابخانه جزو ۱۰ کتابخانه برتر ایران برگزیده شد و هدایایی از قبیل ۱۰ میلیون تومان اعتبار خرید کتاب، ۵ میلیون تومان اعتبار خرید قفسه و ۲۰ میلیون تومان پول نقد به آن اختصاص یافت که بدین طریق توانستیم تجهیزات کتابخانه و تعداد کتاب‌ها را افزایش دهیم و با تشکیل انجمن ۱۰ نفره از بین بانوان و آقایان، برای آموزش اعضا، بیش از پیش فعالیت‌های کتابخانه را رونق بخشیم.

حسینی افزود: «ما به کمک مردم روستا و خیرین، زمینی به مساحت ۱۵۰ متر به قیمت هفت میلیون تومان خریداری کردیم و فرمانداری مریوان هم با توجه به فعالیت‌های انجام شده قول مساعد داد که در سال ۱۳۹۶ ساختمان کتابخانه را در آن احداث کند.»

محمد توانا حسینی دلیل انتخاب همسرش دلنیا جهانی را علاقه وی به کتاب و کتاب‌خوانی عنوان کرد و افزود: «من فردی فرهنگی و دوست‌دار علم و کتاب هستم. بنابراین همسر من نیز می‌باید واجد شرایط و معیارهای من برای انتخاب همسر باشد. به همین خاطر به خواستگاری دلنیا جهانی رفتم که اکنون مربی دوره‌های آموزش قرآن و مهارت‌های زندگی در این کتابخانه است. در ضمن مراسم ازدواجمان با آنچه مرسوم منطقه ما و بسیاری از جاهای دیگر است، فرق داشت. ما با کم‌ترین هزینه

محمد توانا حسینی، دانشجوی دوره کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سنجید است و با ۲۲ سال سن چند ماهی است که با دلنیا جهانی، دانشجوی رشته پرستاری، زندگی مشترک خود را آغاز کرده است. او که از کودکی علاقه وافری به کتاب و کتاب‌خوانی داشت، در آغاز جوانی به تشکیل کتابخانه‌ای با ۱۷ کتاب همت گمارد. خودش می‌گوید: «از اوایل تحصیل در دبیرستان، علاقه زیادی به کتاب و کتاب‌خوانی پیدا کردم. اول خودم به تنهایی شروع به ایجاد کتابخانه در طبقه دوم مسجد روستای کوچک «زانیاری» سردوش کردم و از دو سال پیش با چند نفر از دوستانم به افزایش کتاب‌ها و توسعه کتابخانه پرداخته‌ایم. دیری نگذشت که با کمک خیرین منطقه و مساعدت برخی ارگان‌های دولتی، توانستیم کتاب‌های بیشتری به کتابخانه اضافه کنیم تا جایی که تعداد کتاب‌ها به ۵۵۰۰ جلد و تعداد اعضا به ۱۴۰ نفر افزایش یافت. علاوه بر این، به ملزوماتی از جمله میز، صندلی، قفسه کتاب و رایانه مجهز شد.

این کتاب‌دار مریوانی درخصوص برنامه‌های جنبی هفتگی کتابخانه گفت: «ما در کتابخانه سه روز در هفته آموزش قرآن، ذکر مسائل بهداشتی، و آموزش عملی نماز داریم و در دیگر ایام هفته، به برگزاری مسابقات حفظ قرآن، شعر، نقاشی، داستان‌نویسی و انشانویسی می‌پردازیم.»

وی با اشاره به افتتاح کتابخانه زانیاری سردوش در سال ۱۳۹۵ به‌عنوان خاطر نشان کرد: «این کتابخانه در سال ۱۳۹۵ به‌عنوان



❖ قرآن اهدایی مقام معظم رهبری به زوج جوان

ما هم برای این زوج کتاب دوست و فعال فرهنگی، زندگی مشترک طولانی همراه با سلامتی و خوشبختی آرزو می کنیم. لازم به ذکر است که «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» نیز به پاس اقدام زیبا و فرهنگی این زوج جوان تصمیم گرفت، تعدادی کتاب به کتابخانه زانیاری سردوش مریوان اهدا کند تا سیاسی باشد از محمد توانا حسینی و دلنیا جهانی. امیدواریم در کار توسعه فرهنگ مطالعه توفیق روزافزون یابند.

که کلاً شش میلیون تومان بود، ازدواجی ساده برگزار کردیم تا در راستای ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و آسان کردن ازدواج هم قدمی برداشته باشیم و از سخت‌گیری‌های برگزاری مراسم ازدواج که مانع شروع زندگی بسیاری از جوان‌هاست، بکاهیم. علاوه بر این، بخشی از هزینه ازدواجمان را به مؤسسه خیریه **ناسوی ژبان** مریوان هدیه کردیم تا بچه‌های یتیم را هم در شادی زندگی مشترکمان سهیم کنیم.»

کتابدار کتابخانه زانیاری سردوش افزود: «زندگی من از همان ابتدا با کتاب و کتابخانه عجین شده بود و مراسم ازدواج ما در ماه مبارک رمضان در کتابخانه برگزار شد؛ چون کتابخانه را یکی از مراکز تعلیم و تربیت می‌دانیم. در این مراسم امام جماعت روستا، انجمن مؤسسه خیریه ناسوی ژبان، اعضا و انجمن آموزشی کتابخانه و گروهی از مردم به سادگی حضور داشتند. پذیرایی ما شربت و شیرینی بود که مردم تهیه کردند. ما علاوه بر کمک به مؤسسه خیریه، تعدادی کتاب هم به کتابخانه هدیه کردیم، چون معتقدیم که کتاب عامل پیشرفت و بقای فرهنگ است. اتفاقاً در آن روز هم چند نفر عضو تازه به جمع اعضای کتابخانه اضافه شدند.»

گفتنی است که برگزاری آیین عقد و عروسی زوج جوان کتابدار روستای سردوش در رسانه‌های داخلی و خارجی و فضای مجازی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت. ضمناً این زوج کردستانی یک جلد کلام الله مجید از رهبر معظم انقلاب هدیه گرفتند و رئیس «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» و مشاور رئیس جمهور در امور فرهنگی نیز از آنان تقدیر کردند.

❖ مراسم ازدواج زوج مریوانی در کتابخانه زانیاری سردوش





آموزش هدفمند انواع متون

نویسندگان: نل کی، دوک، سامانتا کافلن، مری ام، جازویک و نیکول ام، مارتین

برخی از افراد گمان می‌کنند در خواندن انواع متون مستلزم به کارگیری مهارت‌های یکسانی هستند. در حالی که خوانندگان برای خواندن انواع متفاوت متن از فرایندهای گوناگونی بهره می‌گیرند. خواندن تابع ویژگی متن است. خواندن و نوشتن همچون یک مجموعه با هم عمل می‌کنند تا ما را در دست‌یابی به هدف‌های زندگی یاری دهند. لذا در اینجا هر دو مقوله را مورد توجه قرار می‌دهیم.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های خواندن و نوشتن، خواندن متن

سخنی درباره نوشتن

اگرچه این تمایل در ما وجود دارد که خواندن و نوشتن را در مدرسه از یکدیگر تفکیک کنیم و آن‌ها را در جایگاه‌های متفاوتی از برنامه درسی قرار دهیم، لیکن در دنیای خارج از مدرسه، خواندن به شکل پیچیده‌ای به نوشتن منتهی می‌شود. برای مثال، ممکن است پس از خواندن مقاله‌ای در یک نشریه، به بازبینی و اصلاح یک طرح درس بپردازید و یا یادداشتی را برای کادر آموزشی مدرسه خود تهیه و در آن سیاست جدیدی را پیشنهاد کنید. بنابراین، خواندن با نوشتن همراه می‌شود.

انواع متفاوت متن، فرایندهای گوناگون

در مدارس ایالات متحده، غالباً خواندن و نوشتن را بدون توجه به نوع آن‌ها، آموزش می‌دهیم. ما فرایند نوشتن «واحدی» را آموزش می‌دهیم، اگرچه فرایندهای مورد استفاده در نوشتن به‌طور قابل ملاحظه‌ای در انواع گوناگون متن، متفاوت‌اند. ما راهبردهای درک مطلب را به‌طور عام آموزش می‌دهیم، گویی آن‌ها به شیوه‌ای یکسان در تمام انواع متن به کار گرفته می‌شوند. با وجود این، معنی «پیش‌بینی کردن» در یک داستان با معنای آن در متنی خبری کاملاً متفاوت است. برخی از راهبردها مختص انواع خاصی از متن هستند.

سه اصل برای انواع متون

سه اصل زیر می‌توانند معلمان را یاری دهند تا به شیوه‌ای تدریس کنند که از نوع متن تأثیر می‌پذیرد.

اصل ۱. دانش آموزان را در خواندن و نوشتن هدف‌های مرتب با دنیای واقعی مشارکت دهید.

در گرم‌ترین زمان تابستان، گروهی از پسران، آن دسته از متن‌های خبری را به دقت مطالعه می‌کنند که فراتر از سطح خواندن آن‌هاست. این پسران تمام توان خود را برای خواندن این متن‌ها به کار گرفته‌اند، چرا که مأموریتی به آن‌ها محول شده است. باغ وحش محلی شهر از آنان خواسته است که برای برپایی نمایش‌های باغ وحش، کتاب‌های راهنما تدوین کنند. پسران این مسئولیت را جدی تلقی کرده‌اند تا در مورد حیواناتی که در آنجا سکنه داده شده‌اند، مطالبی بیاموزند و دیگران را در آموخته‌های خود سهیم کنند.

دانش‌آموزان به‌دلیل شرکت در این فعالیت، به‌جای آنکه احساس حقارت کنند، هیجان‌زده و حتی خشنود به‌نظر می‌رسند. آنان متون خبری را می‌خوانند و می‌نویسند، چرا که می‌خواهند و یا نیازمند چیزی بدانند. البته نه به این دلیل که معلم به آن‌ها چنین گفته است و نه برای گرفتن جایزه. آن‌ها

انجام کاری به افراد است؛ کاری که آن‌ها از چگونگی انجام آن آگاهی ندارند. دانش‌آموزان ممکن است پژوهشی را به‌عمل آورند، کتابی را در زمینه چگونگی استفاده مجدد از برخی وسایل خانگی بنویسند و سپس آن کتاب را در فروشگاه محلی وسایل خانگی به فروش برسانند و سود حاصله را برای راه‌اندازی یک برنامه بازیافت در مدرسه خود به‌کار گیرند.

[duck, caughtlan, Juzwik and Martin, 2011]

صل ۲. ویژگی‌های متون متفاوت و کارکردهای آن‌ها را آموزش دهید

فراهم ساختن تجربه استفاده از متون متفاوت و ویژگی‌های آن‌ها به‌منظور نیل به هدف‌های دنیای واقع، گامی مهم برای دانش‌آموزان است. لیکن آموزش ویژگی‌های خاص نیز مفید است. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش عناصر خاص داستان به کودکان، همانند شخصیت داستان، موقعیت داستان و مسئله آن، می‌تواند ارزشمند باشد.

[Baumann & Bergeron, 1993; Gersten, Fuchs,

Williams, & Baker, 2001]

«متن‌های فرایندی یا رویه‌ای» دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند. برای مثال، آن‌ها غالباً هدف نهایی را در بخش بیان هدف یا عنوان به صراحت بیان می‌کنند. (همانند: «چگونه یک چهل‌تکه بدوزیم؟») همچنین، فهرستی از مواد مورد نیاز را به ترتیب به‌کارگیری آن‌ها مطرح می‌کنند. معمولاً هم این توضیحات را در مراحل پی در پی ارائه می‌دهند و از فعل‌های امری بهره می‌گیرند (برای مثال: رسم کنید، ببرید و بگیرید). غالباً تصویرهایی را ارائه می‌دهند که مراحل متفاوت یا محصول نهایی را نشان می‌دهند. این متن‌ها ممکن است خواننده را به‌طور مستقیم خطاب قرار دهند (همانند: «شما باید...»). آن‌ها عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها و واحدهای اندازه‌گیری را شامل می‌شوند و معمولاً با یک ارزشیابی، خلاصه‌ای از نتایج پیش‌بینی شده و یا توضیحی علمی پایان می‌یابند.

در نگارش چنین متن‌هایی توصیه می‌کنیم، به‌جای اینکه بپرسید: «آیا از نمایه استفاده کردید؟» بپرسید: «چگونه اطلاعات مورد نیاز خود را در این کتاب یافتید؟» و به‌جای اینکه بپرسید: «آیا برای هر یک از مرحله‌ها، تصویر یا تصویرهایی را نیز ضمیمه کرده‌اید؟» بپرسید: «آیا تصویرهایی را ضمیمه کرده‌اید که به خواننده نشان دهند، چه کاری را باید انجام دهد؟» چنین سؤال‌هایی می‌توانند یادگیری را عمیق‌تر بخشند.

صل ۳. راهبردهای وابسته به متنی خاص را آموزش دهید.

دانش‌آموزان باید بیاموزند، چگونه متن‌های گوناگون را به شیوه‌هایی متفاوتی بخوانند. بیابید رویکردهایی را بررسی کنیم که به‌طور خاص در خواندن متن‌های داستانی، خبری و مجاب‌کننده مؤثر واقع می‌شوند.

برای هدف‌های مربوط به دنیای واقعی می‌خوانند و می‌نویسند. در گذشته ویژگی‌های متن را، تعیین‌کننده نوع آن‌ها می‌دانستند، لیکن امروزه نوع متن را با توجه به «هدف» آن تعریف می‌کنند. بنا بر عقیده «کارولین میلر»^۱ (۱۹۸۴)، انواع متن‌ها پدید می‌آیند تا نقش‌های ویژه‌ای را در موقعیت‌های خاص ایفا کنند و ویژگی‌های این متون طوری شکل گرفته‌اند که به ایفای آن نقش‌ها کمک کنند. برای مثال، یک دستورالعمل پخت غذا را در نظر بگیرید که هدف آن راهنمایی خوانندگان در آماده‌سازی غذا به شیوه‌ای خاص است. یکی از ویژگی‌های این دستورالعمل، ارائه فهرستی از مواد مورد نیاز است. این فهرست در ابتدای دستورالعمل آورده می‌شود تا خوانندگان بتوانند از ابتدا ببینند کدام مواد را در اختیار دارند و کدام را باید در فهرست خرید خود قرار دهند.

بر این باورم که دانش‌آموزان زمانی خواندن و نوشتن انواع متون را به بهترین شکل می‌آموزند که از این متون و ویژگی‌هایش به همان دلایلی استفاده کنند که این متون و ویژگی‌ها به‌خاطر آن‌ها پدید آمده‌اند.

موارد زیر را در نظر بگیرید:

• در «سبک‌های داستانی» هدف اصلی به اشتراک گذاشتن و تفسیر تجربه‌هاست. دانش‌آموزان ممکن است متن‌های تاریخی را بخوانند، از مکان‌های تاریخی بازدید کنند و به‌طور هم‌زمان برای نگارش کتابی تاریخی - داستانی به پژوهش بپردازند؛ کتابی که آن را با تشریح مساعی خواهند نوشت، با دیگر مدارس به اشتراک خواهند گذاشت و از طریق «اینترنت» به فروش خواهند رساند.

• در «سبک‌های نمایشی» هدف اصلی، واقعی جلوه دادن شخصیت‌های نمایش از طریق تعارض و یا تعامل است. دانش‌آموزان ممکن است به دقت متن دو نمایش‌نامه کوتاه را بخوانند، برخی از خطوط آن را برجسته سازند، در حاشیه‌ها یادداشت بگذارند و فهرستی از وسایل صحنه نمایش و لباس‌ها تهیه کنند. این خواندن دقیق آنان را آماده می‌سازد که این نمایش‌نامه‌ها را برای دیگر کلاس‌های مدرسه خود اجرا کنند.

• در «سبک‌های مجاب‌کننده» مقصود اصلی تأثیرگذاری بر عقاید و یا رفتار مخاطبان است. دانش‌آموزان ممکن است در مورد تأثیرات کافئین بر بدن پژوهش به‌عمل آورند و سپس نامه‌های متقاعدکننده‌ای را با هدف تغییر عادات نوشیدن قهوه در بزرگسالان بنویسند و آن‌ها را به یکی از روزنامه‌های محلی ارائه دهند.

• در «سبک‌های خبری» هدف اصلی، انتقال اطلاعات در زمینه جهان طبیعی یا اجتماعی به افرادی است که به آن اطلاعات نیازمندند. دانش‌آموزان توانستند در «پروژه کتاب‌های امید» (www.e-luminate.org) مشارکت جویند و متن‌های خبری را برای دانش‌آموزان اوگاندایی بنویسند که به متن‌های معدود چاپی دسترسی دارند.

• در «سبک‌های فرایندی» هدف اصلی آموزش چگونگی

خواندن متن‌های داستانی

جوانا ویلیامز و همکارانش (۱۹۹۴ و ۲۰۰۱) به منظور کمک به دانش‌آموزان در پی بردن به مضمون و یا نکته اخلاقی یک داستان رویکردی آموزشی را به نام «راهبرد مضمون» تدوین کرده‌اند. معلمان می‌توانند آن را در مورد داستان‌های تخیلی و داستان‌های مبتنی بر واقعیت به کار گیرند. راهبرد مضمون چهار بخش زیر را دربرمی‌گیرد:

● **مضمون را معرفی کنید.** قبل از این کار، در مورد آنچه دانش‌آموزان قبلاً در مورد مضمون می‌دانند و نیز مفاهیم جدیدی که باید ارائه کنید، به تفکر بپردازید.

● **داستان را بخوانید.** در حین خواندن داستان، به طور مکرر مکث کنید تا سؤالاتی را بپرسید و در مورد وقایع آن با دانش‌آموزان به بحث و گفت‌وگو بنشینید.

● **پس از پایان خواندن به بحث و گفت‌وگو بپردازید.** با پرسیدن اینک: «یا آنچه اتفاق افتاد، خوب بود یا بد و چرا»، توجه دانش‌آموزان را به مضمون داستان جلب کنید.

[Loauer and Lord, 2001]

● **درس را خاتمه دهید.** از دانش‌آموزان بخواهید تا مضمون متن جدید را بیانند. آنان را وادارید که با توجه به تجارب زندگی خود، مثال‌هایی را برای آن مضمون بیاورند. سرانجام، از طریق یک فعالیت غنی‌سازی، مانند نقاشی کردن، مشوق تفکر در زمینه مضمون باشید.

خواندن متن‌های خبری

جانت کلینگر، شارون وان و همکارانشان، برای کمک به دانش‌آموزان در خواندن متن‌های خبری، «خواندن راهبردی مشارکتی» را تدوین کردند. در خواندن راهبردی - مشارکتی، معلمان به دانش‌آموزان می‌آموزند که:

● **متن را پیش‌خوانی کنند.** پیش از آنکه دانش‌آموزان خواندن را آغاز کنند، معلم از آنان می‌خواهد تا در مورد آنچه از قبل می‌دانند به تفکر بپردازند و آنچه را خواهند آموخت، پیش‌بینی کنند.

● **مضمون اصلی را درک کنند.** دانش‌آموزان در حین خواندن، مفاهیم، وقایع و شخصیت‌های کلیدی متن را درک می‌کنند و به این پرسش پاسخ می‌دهند که: «مهم‌ترین فرد یا شیء کیست یا چیست؟»

● **جمع‌بندی کنند.** هنگامی که خواندن دانش‌آموزان به پایان می‌رسد، آنان در مورد یادگیری خود به تفکر می‌پردازند و سؤال‌هایی در زمینه مفاهیم، وقایع و افراد کلیدی متن تدوین می‌کنند [Vaughnand Klingner, 1998].

معلمان در حین تدریس این الگو را به تمام کلاس معرفی می‌کنند و هر یک از راهبردها را توضیح می‌دهند و به نمایش می‌گذارند. ابتدا تمام دانش‌آموزان کلاس به نوبت و سپس گروه‌های کوچکی از دانش‌آموزان که عملکردشان توسط معلم آسان می‌شود، این چهار راهبرد را در جلوی کلاس به کار

می‌گیرند. سرانجام دانش‌آموزان در گروه‌های کوچکی کار می‌کنند که توسط سایر دانش‌آموزان هدایت می‌شوند. آنان به نوبت به‌عنوان کارشناس هر یک از راهبردها، ایفای نقش می‌کنند و به اعضای گروه در به‌کارگیری راهبردها یاری می‌دهند. در این میان، معلم بین گروه‌ها می‌چرخد و در صورت نیاز به آن‌ها کمک می‌کند.

خواندن متن‌های مجاب‌کننده

سوزان دو لا پاز (۲۰۰۵) دانش‌آموزان دوره راهنمایی را بر آن داشت، متن‌هایی را که دیدگاه‌های متفاوتی را در زمینه وقایع تاریخی به نمایش می‌گذارند، بخوانند، در مورد آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بنشینند و یادداشت بردارند و از این طریق خود را برای نوشتن دلایل آماده سازند. دانش‌آموزانی که آموختند متنی را با هدف درک دیدگاه‌ها بخوانند، در مقایسه با دانش‌آموزان گروه گواه که چنین آماده‌سازی را دریافت نکرده بودند، دلایل طولانی‌تری و متقاعدکننده‌تری نوشتند.

دانش‌آموزان با فراگیری موارد زیر درک خود را از دیدگاه‌ها بهبود می‌بخشند:

● **مشخص کردن هر نویسنده یا سخنران و توصیف دلایل وی.** دانش‌آموزان هدف سخنران را تعریف می‌کنند، دلایل وی را در نظر می‌گیرند و به جست‌وجوی شواهدی دال بر وجود تعصب می‌پردازند.

● **مقایسه جزئیات و جست‌وجوی نقطه نظرات متناقض.** دانش‌آموزان در پی تناقضات موجود در یک اثر هستند و تفاوت میان نویسندگان را در چگونگی توصیف افراد و وقایع در نظر می‌گیرند. آن‌ها را که در هر استدلال وجود ندارد، بررسی می‌کنند و با مقایسه منابع به استنتاج می‌پردازند.

● **یادداشت برداری دقیق از هر منبع.** دانش‌آموزان یادداشت‌های خود را نظم و ترتیب می‌بخشند و از شیوه یادداشت‌برداری کُرِنل و یا چارت‌های مفهومی برای مقایسه دیدگاه‌های متفاوت استفاده می‌کنند.

هدف در کانون توجه

رویکرد «متن دارای هدف»، فراتر از «مطالعه متن» و یا فراگیری ویژگی‌های متن به واسطه جذاب بودن آن‌هاست. این رویکرد آموزش متن را در بستری غنی از فعالیت‌های مبتنی بر هدف قرار می‌دهد و بنا به تجربه ما، دانش‌آموزان و معلمان آن را جذاب‌تر و آموزنده‌تر می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها:

1. Carolyn Miller
2. Joanna Williams
3. Janette Klingner, Sharon Vaughn
4. Susan De La Paz

منبع

“Teaching Genre with Purpose”, Nell K. Euke, Samantha Caughian, Mary M. Juzwik and Nicole M. Martin; Educational Leadership (Reading: The Core Skill), March 2012, Vol. 69, No.6.



برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارزیابی برای معلمان دوره متوسطه

چگونه کتاب‌های آموزشی را ارزیابی می‌کنیم؟



در ارزیابی منابع آموزشی، از همان آغاز، معلمان همواره نقشی برابر با کارشناسان و مؤلفان کتاب‌های درسی داشته‌اند؛ زیرا به باور مسئولان این برنامه، یک منبع آموزشی ضمن اینکه نباید با برنامه درسی و اهداف و رویکردهای آن تضاد داشته باشد، باید از نگاه معلمی که با دانش آموزان گوناگون سر و کار دارد، سودمند و مفید تشخیص داده شود. جذب معلمانی که به کار ارزیابی کتاب‌های آموزشی بپردازند، پیش از این به شکل تدریجی و به صورت پراکنده صورت می‌گرفت. افراد علاقه‌مند به شکل‌های مختلف دعوت به کار می‌شدند و به صورت فردی با معیارهای ارزیابی و سنجش‌های به کار رفته در فرم‌ها و مطالعه راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی آشنایی می‌یافتند. در سال ۱۳۹۴ برای جذب ارزیابان جدید با همکاری آموزش و پرورش شهر تهران فراخوانی منتشر شد که به دنبال آن حدود ۲۰۰ معلم علاقه‌مند داوطلب همراهی با مجموعه شدند. در تابستان همان سال یک کارگاه آموزشی برای معلمان ابتدایی برگزار شد، اما با توجه به حجم سنگین برنامه‌ها فرصت برگزاری کارگاه آموزشی ویژه معلمان متوسطه تابستان امسال پیش آمد.

کارگاه امسال، با عنایت به تعدد گروه‌ها و حضور چشمگیر مدیران گروه‌های دفاتر تألیف نظری و فنی و حرفه‌ای یکی از کیفی‌ترین کارگاه‌های برگزار شده توسط سامان‌دهی بود. در این شماره از جوانه، کوشیده‌ایم محتوای بخشی از این کارگاه‌ها را منعکس کنیم. ما بر این باوریم که گرچه مخاطبان اصلی کارگاه ارزیابان معلم بوده‌اند، اما معیارهای ارزیابی که از سوی مدرسان ارائه می‌شود، برای ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی نیز مفید است.

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی





گزارشی از مباحث عمومی اولین جلسه کارگاه آموزشی - تبیینی ارزیابان معلم برای دوره متوسطه

افزایش مشارکت معلمان در ارزیابی کتاب های آموزشی

معلمان گرامی که در صف اول خدمت و ارتباط با دانش آموزان قرار دارید، بیش از پیش فراهم کنیم تا از این رهگذر کتاب هایی برای استفاده دانش آموزان گزینش و معرفی شوند که علاوه بر داشتن استانداردهای علمی و حرفه ای بتوانند به خواسته های دانش آموزان، بهتر و مؤثرتر از گذشته پاسخ دهند.

همان طور که در برنامه های کارگاه که در اختیار شما قرار گرفته، اعلام شده است، ما در دو بخش در این کارگاه ها در خدمت شما خواهیم بود. این هفته و در مدت سه جلسه، در بخش عمومی و کلیات، در خصوص تبیین رویکرد کتاب های جدیدالتألیف ابتدایی و متوسطه و کتاب های فنی و حرفه ای و کار دانش و همچنین تبیین ویژگی های ظاهری و گرافیکی کتاب های آموزشی نکاتی را توسط اهل فن و همکاران مسئول در این حوزه ها بیان خواهیم کرد. در هفته آینده، از منظر تبیین و ارزیابی تخصصی کتاب های کمک درسی، از جمله کتاب های زبان و ادبیات فارسی، علوم پایه، عربی، زبان انگلیسی، علوم دینی و کتاب های ریاضی، پای سخن کارشناسان این حوزه ها که عمدتاً از مؤلفان و صاحب نظران کتاب های درسی هستند، خواهیم نشست. همچنین در این جلسات، علاوه بر منابع مکتوب، در خصوص دیگر منابع آموزشی و رسانه های آموزشی

فریبا کیا، معاون سامان دهی
دفتر انتشارات و تکنولوژی
آموزشی



با تشکر از همکاران محترم آموزش و پرورش شهر تهران که در اولین کارگاه آموزشی - تبیینی ارزیابان معلم (دوره متوسطه دوم) دعوت ما را برای مشارکت در کار ارزیابی منابع آموزشی و تربیتی پذیرفته اند. امیدوارم این قدم های خالصانه که برای خدمت بیشتر به دانش آموزان و همه مخاطبان کتاب های آموزشی برداشته می شود، مورد رضایت پروردگار متعال واقع شود.

و نیز امیدوارم بحث های کارشناسی و علمی و اجرایی که در این کارگاه از ابعاد مختلف توسط مدیران کل دفاتر تألیف کتاب های درسی و همکاران هنرمند و متخصص ما در حوزه گرافیک کتاب های آموزشی مطرح می شوند، مفید فایده واقع شوند و ما بتوانیم زمینه همکاری مؤثرتری را با شما همکاران و

بحث و تبادل نظر خواهد شد.

همکاران و معلمان محترم شرکت کننده در این کارگاه‌ها عنایت خواهند داشت که هدف از برگزاری این کارگاه‌ها و حضور شما عزیزان، بهره‌گیری بیش از پیش از مشارکت فکری معلمان است که به گواهی و توصیه بزرگان تعلیم و تربیت در همه عرصه‌های آموزشی یک ضرورت انکارناپذیر است. ما نیز به‌عنوان همکاران و خدمت‌گزاران شما بزرگواران که سال‌هایی چند از دوران خدمتی خود را در مدارس طی کرده‌ایم، اعتقاد داریم، هر طرح، تصمیم و اقدامی در آموزش و پرورش بدون حضور و مشارکت صمیمانه و مؤثر معلمان آن‌گونه که شایسته است، به ثمر نخواهد نشست. ما از چندین سال پیش که موضوع ارزیابی و داوری کتاب‌های درسی را در آموزش و پرورش در دستور کار و اولویت برنامه‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی قرار داده‌ایم، همواره از همراهی، راهنمایی و مشارکت معلمان بهره‌مند بوده‌ایم و با هر گامی که به جلو برداشته‌ایم، این مشارکت جدی‌تر، عمیق‌تر، مؤثرتر و گسترده‌تر شده است. شاهد این موضوع هم حضور صمیمی و گسترده شما عزیزان در این نشست است. ما در قالب کارگاه آموزشی و تبیینی در خدمت شما هستیم، تا در کار مشترکی که قرار است انجام دهیم، با شناخت، آمادگی و مسئولیت‌پذیری بیشتری به کمک یکدیگر بیاوریم و قبل از آغاز

راه، از مسیری که قرار است طی شود، اطلاعات بیشتری داشته باشیم تا این کار مسئولیت‌آور و در عین حال ارزشمند را با شناخت، و آگاهی و علاقه پیش ببریم. معلم به‌عنوان رکن آموزش و رهبر آموزشی در مدرسه باید در فرایند آموزش و یادگیری نقش شاخص و مهم خود را در همه سطوح داشته باشد تا هر کاری که قرار است انجام شود، با مشورت و مشارکت معلمان و هدف‌گذاری درست به اهداف آموزشی و تربیتی مورد نظر منجر شود. قطعاً همکاران داوطلب برای همکاری در ارزیابی کتاب‌های آموزشی، با طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی آشنایی اجمالی دارند. در کنار آن، جزوه‌ای که با عنوان «نگاهی کوتاه به سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» در اختیار شما قرار گرفته است، می‌تواند اطلاعات کامل‌تری را فراروی همکاران محترم قرار دهد. همچنین بحث‌ها و نکات مطرح شده از سوی میهمانان این کارگاه‌های آموزشی و تبیینی کمک خواهد کرد که دوستان آشنایی بیشتری با این کار پیدا کنند و ان‌شاءالله بعد از برگزاری این کارگاه‌ها، ارزشیابی به عمل آمده و توافق نهایی، همکاری و همراهی بیشتری با خدمت‌گزاران خود در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و به‌خصوص در ارزیابی منابع آموزشی و تربیتی داشته باشند.

درخصوص نظرات یادگیری و ارزشیابی، درخصوص الگوهای تدریس هم نظرات زیادی اظهار شده و نوآوری‌های فراوانی صورت گرفته‌اند، که شما معلمان عزیز از آن‌ها بی‌اطلاع نیستید و به دلیل محدودیت وقت، فرصت پرداختن به آن‌ها را نداریم. اما این یافته‌های متنوع و گوناگون، جدایی از امتیازاتی که دارند، از یک‌وجه معلم را به یک حالت سرگشتگی و گاه سردرگمی دچار کرده‌اند؛ وضعیتی که خودم نیز آن را تجربه کرده‌ام. چون مدت زیادی این دغدغه را داشتم که: آیا می‌شود الگویی پیشنهاد داد که این یافته‌های گوناگون، متکثر و متنوع در یک نظام در کنار هم قرار گیرند تا بتوان تکلیف معلم را روشن کرد؟ در این مسیر پژوهش‌هایی را انجام دادم و حدود سه تا سه سال و نیم پیش به الگویی رسیدم و آن را در چند قالب عرضه کردم.

چون فرصت پرداختن به این الگو به‌طور کامل نیست، عزیزان می‌توانند در مقاله‌ای که با عنوان «به‌سوی تحول در کلاس درس» به قلم این‌جانب در ضمیمه مجله «رشد معلم» (ویژه‌نامه پایه نهم) در شماره مهرماه ۱۳۹۵ منتشر شده است، مراجعه کنند. فایل این مقاله و مجله رشد هم در سایت مجلات رشد به‌صورت رایگان در دسترس است.

این مقاله در سه بخش با عناوین: رسانه‌های آموزشی پر شمار، طراحی آموزشی، و برون‌دادهای قابل ارائه در یادگیری تدوین



دکتر محمود امانی طهرانی،
مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های
ابتدایی و متوسطه نظری

من هم به سهم خودم حضور شما همکاران و معلمان محترم را در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گرامی داشته و امیدوارم این همکاری برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی که نزدیک به دو دهه از شروع آن می‌گذرد، اتفاقی مبارک و مؤثر باشد و از رهگذر این همکاری آثار بهتر و بیشتری در اختیار دانش‌آموزان و معلمان سخت‌کوش و ارزشمند قرار گیرد و نیز امیدوارم این اعلام آمادگی از سوی شما بزرگواران، نوید و امیدی برای آموزش و پرورش ما باشد و بتواند فعالیت‌های کیفیت بخشی ما را گامی به جلو تر ببرد.

امروز و در فرصت مختصری که در اختیار دارم، می‌خواهم نظرم را درباره موضوع یادگیری و نقش کتاب‌های آموزشی بیان کنم. در مقوله کیفیت‌بخشی به کلاس درس، صحبت‌های فراوانی شده و مطالب متنوعی توسط متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه بیان شده است. جدا از همه نظرات جدید و قدیم



شده است. در این مقاله و در الگوی ارائه شده، مثلثی را در نظر گرفته‌ام که به نظر می‌رسد با داشتن سه ضلع:

۱. رسانه‌های پرشمار (بسته آموزشی به جای کتاب درسی)،
۲. طراحی آموزشی فعال، رشد دهنده و قابل پیمایش،
۳. بروندادهای قابل ارائه در یادگیری

می‌تواند منجر به بهبود وضعیت کلاس‌های درس شود.

در این میان موضوع ارائه - یعنی قرار گرفتن دانش آموز در موقعیتی که بتواند کار خود را به دیگران عرضه کند - از بالاترین ضریب تأثیر در پیشرفت تحصیلی او برخوردار است. پس هر یادگیری که به نوعی ارائه دانش آموز در آن وجود داشته باشد، تضمینی است برای اینکه او به پیشرفت بسیار خوبی نائل شود. توصیه‌ای از قدیم در حوزه‌های علمی ما وجود دارد که

می‌گویند: اگر می‌خواهید چیزی را خوب یاد بگیرید، باید آن را تدریس کنید.

حالا اگر شما دوستان به این مثلث و الزامات آن توجه کنید، خواهید دید که در این الگو و در قالب این مثلث همه آن نظریه‌ها و مطالب از هم گسیخته در کنار هم قرار گرفته‌اند. امیدوارم این صحبت‌ها و مراجعه شما به منابعی که به آن‌ها اشاره شد، بتواند زمینه مناسبی را فراهم کند تا ضمن آشنایی بیشتر با رویکردها و سیاست‌های دفترهای تألیف کتاب‌های درسی، با دقت و شناخت بیشتری منابع آموزشی و تربیتی را ارزیابی کنید و رسانه‌های مناسب آموزشی و تربیتی را آن‌گونه که شایسته است، منطبق بر اهداف و برنامه‌های درسی انتخاب و به مخاطبان معرفی کنید.



تأمین و مرتفع کند و ضمناً با سیاست‌ها و برنامه‌های مطرح در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تعارض نباشد. این سفارش پژوهشی صورت گرفت و پژوهش هم انجام شد.

الگو به ما می‌گفت که ما باید در دو مرحله و دو بخش دنیای کار و دنیای آموزش تلاش و فعالیت کنیم تا برنامه‌های درسی ما مؤثر واقع شوند. در بخش اول که مربوط به دنیای کار است، باید ارتقایی که مورد نیاز دنیای کار است، توسط متخصصان امر شناسایی می‌شد و افرادی که در این زمینه فعالیت داشتند، می‌آمدند و این برنامه را تجزیه و تحلیل می‌کردند. برای ۳۲ حرفه بزرگ در حوزه فنی و حرفه‌ای این اتفاق صورت گرفت. در این زمینه یکی از توصیه‌ها این بود که ما از متخصصان شناخته شده حوزه کار و حرف استفاده کنیم و بهره‌مند شویم. ضمناً در این مرحله توصیه شده بود که از متخصصان آموزشی کمتر استفاده



مهندس احمدرضا دوراندیش،
مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های
فنی و حرفه‌ای و کار دانش

بنده هم حضور شما معلمان گرامی خیرمقدم عرض می‌کنم. امیدوارم در این مسیری که برای همکاری و مشارکت در طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و ارزیابی کتاب‌های آموزشی و تربیتی در پیش گرفته‌اید، موفق باشید. در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ما یلم چند جمله‌ای در مورد آنچه در نظام جدید آموزش فنی و حرفه‌ای اتفاق افتاده است، با هم صحبت کنیم و به این موضوع هم بپردازیم که کتاب‌های آموزشی به‌عنوان پشتیبان کتاب‌های درسی، می‌توانند چه نقشی در قالب رسانه‌های آموزشی ایفا کنند.

ابتدا خوب است، نظری به اسناد بالادستی در خصوص تحول بنیادین آموزش و پرورش و بیانات و تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت حمایت از اشتغال و تولید، اقتصاد مقاومتی، و حمایت از تولید و کار ایرانی داشته باشیم. بر این اساس و آنچه که وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان برنامه مصوب خود ابلاغ کرده است و آسیب‌شناسی‌هایی که در خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای صورت گرفته‌اند و همچنین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، به نظر می‌رسد که یک الگوی بومی بتواند راهگشای مشکلات باشد و آسیب‌های شناسایی شده در این مسیر را تا حدود زیادی از سر راه این آموزش‌ها بردارد. طبیعی است که انتظار می‌رود چنین الگویی، ضمن اینکه پاسخ‌گوی انتظارات اسناد بالادستی باشد، بتواند نیازهای بازار کار را نیز



کنیم و آن‌ها را فقط به‌عنوان مشاور در این زمینه مشارکت دهیم. کارگاه‌هایی در این زمینه برگزار و اطلاعات مورد نیاز هر حرفه را دریافت کردیم و نهایتاً استانداردها و شاخص‌های مورد نظر در حوزه فنی و حرفه‌ای تدوین کردیم. پس از آن نیز برای هر شایستگی استاندارد ارزیابی حرفه نوشته شد.

در قدم بعد باید کلیات آموزشی نظام فنی و حرفه‌ای مشخص می‌شد تا معلوم شود که این نظام چه اهدافی را دنبال می‌کند. به این منظور سندی با عنوان «طراحی مفهومی» برای همه رشته‌ها طراحی شد. بعد از آن هم نیازسنجی آموزشی صورت گرفت و مشخص شد که در میان این حرفه، کدام حرفه را ما می‌توانیم در آموزش و پرورش اجرا کنیم. جدا از بحث‌های برآورد توان هنرستان‌ها و مسائل دیگر، نیاز بود که ما واقعیتی به‌عنوان فناوری‌های جدید را هم در این حوزه ببینیم و نظر خبرگان را

هم در این زمینه جویا شدیم. در مرحله بعد باید راهنمای برنامه درسی تدوین و سپس برنامه درسی این حوزه نوشته می‌شد. ما در برنامه درسی اهداف هر رشته را مشخص کردیم و اهداف تفصیلی هر رشته را براساس هدف‌گذاری برنامه درسی ملی نوشتیم. در مجموع باید بگوییم که در نظام جدید درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش، تأکید بر شایستگی‌ها حرفه‌ای و مهارتی مخاطبان است که اسناد و راهنمای هر بخش نیز مشخص شده است و دوستان علاقه‌مند می‌توانند برای آگاهی از آن‌ها و استفاده در ارزیابی کتاب‌های آموزشی حوزه فنی و حرفه‌ای و کار دانش از آن‌ها استفاده کنند. در مجموع ما تأکید داریم، در ارزیابی آثار آموزشی این حوزه باید اهدافی که در بسته آموزشی برنامه درسی ملی مشخص شده‌اند، محقق شوند.

می‌دادیم و آخرین استانداردهای موجود در هر زمینه را تعیین و مشخص می‌کردیم.

در خصوص واژه «استاندارد» یادآور شوم، اساساً نگاه استاندارد همیشه به حداقل‌هاست. یعنی اگر کالایی به‌عنوان کالای استاندارد معرفی می‌شود، معنایش این نیست که این کالا همه شرایط و سقف ضوابط لازم برای آن کالا را دارد. بلکه معنایش این است که آن کالا حداقل شرایط لازم را برای تولید دارد که اگر آن حداقل را نداشته باشد، اساساً قابل استفاده و مجاز به تولید نیست. به‌همین دلیل ما در سازمان هیچ‌گاه به دنبال استانداردهای یک محصول یا اثر نیستیم و به جای آن بر ویژگی‌های اختصاصی یا ویژگی‌های مطلوب تأکید می‌کنیم. اگر هم صحبت از استاندارد باشد، منظور استانداردهای آموزشی است.

چون دوستان دیگر در مورد حوزه کتاب صحبت کرده‌اند و ضمناً من در این حوزه تخصصی ندارم، فقط در خصوص حوزه نرم‌افزارهای آموزشی و حوزه‌های مرتبط با آن صحبت می‌کنم. تأکید می‌کنم، دوستانی که داوطلب همکاری برای ارزیابی این آثار شده‌اند، فرم‌های ارزیابی ما را در حوزه‌های متفاوت حتماً به دقت مطالعه کنند. ضمناً نظرات خودتان را در خصوص این فرم‌ها و جوانب مختلف آن‌ها بیان کنید تا اگر اشکالی هست یا باید بخشی از آن اصلاح شود، در این خصوص اقدام کنیم. به‌خصوص بعد از اینکه یک دوره از ارزیابی را انجام دادید، با توجه به آنچه در عمل تجربه می‌کنید، و با توجه به اینکه در محیط‌های آموزشی با نیازها و انتظارات بچه‌ها مواجه هستید، نظرات خودتان را به ما منعکس کنید تا در صورت نیاز اصلاحات لازم انجام شود.

موضوع دیگری که در چند سال گذشته برای ما مشکل‌ساز شده بود، گله‌مند شدن کسانی بود که آثار و محصولاتشان در



مهندس سیدسعید بدیعی،
معاون تکنولوژی دفتر
انتشارات و تکنولوژی آموزشی

حضور همکاران گرامی و شما معلمان عزیز را گرامی می‌داریم و امیدوارم که با حضور شما بتوانیم ارزیابی بهتری از آثار و منابع آموزشی داشته باشیم. همان‌گونه که سرکار خانم کیا هم اشاره کردند، چون در طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به‌جز آثار مکتوب، همه آثار آموزشی و تربیتی (که از آن به‌عنوان بسته آموزشی هم یاد می‌کنیم) قرار است ارزیابی و داوری شوند، بنده امروز ملاحظاتی را که در خصوص منابع غیرمکتوب (فیلم، محصول و نرم‌افزار آموزشی) وجود دارند، شرح خواهم داد. در همین ارتباط و در ماده یک مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش بر مواد و رسانه‌های آموزشی، از قبیل بسته آموزشی، نرم‌افزار آموزشی، فیلم آموزشی، شبکه آموزشی (اینترنت داخلی)، رسانه الکترونیکی، چندرسانه‌ای (مولتی مدیا)، دستگاه‌ها و اشیای مختلف، کتاب درسی، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، مجله، کتاب و نظایر آن تأکید شده است. ضمناً طبق قانون، اگر «سازمان نوسازی و تجهیز مدارس» بخواهد برای تجهیز آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و کلاس‌های درس محصولی را تهیه و خریداری کند، موظف است استانداردهایی را که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تعیین می‌کند، رعایت کند. ما هم بر همین اساس هر ساله گروه‌هایی را تشکیل

برخی مسابقات برگزیده شده بود، اما همکاران ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارزیابی متفاوتی در مورد آن آثار داشتند. این دوستان توجه داشته باشند که مسابقه و رقابت با انتخاب کارشناسی متفاوت است و انتخاب کارشناسی اقتضانات خاص خود را دارد.

ان شاءالله مسائل مربوط به حوزه نرم‌افزارهای آموزشی را که در سایت سامان‌دهی هم وجود دارد، با دقت مطالعه خواهید کرد و ما خیلی امیدواریم که با حضور مسئولان شما معلمان گرامی، ارزیابی دقیق‌تر، مؤثرتر و در عین حال قابل دفاع‌تری را در این زمینه شاهد باشیم.



کاظم طلائی، طراح گرافیک و ناظر هنری مجلات رشد

با عرض سلام و خیرمقدم به همکاران خوب خودم و معلمان گرامی شرکت کننده در این کارگاه. باید عرض کنم که من جدا از موضوع هنر، طراحی و گرافیک، در قدم اول خودم را معلم می‌دانم و به‌عنوان یک معلم بازنشسته افتخارم این است که باز هم توفیق حضور در کلاس‌هایی از این دست و ارائه اندک اندوخته‌های خودم را به همکاران عزیزم دارم. ما ان شاءالله در ادامه کارگاه، ضمن بررسی چند کتاب، درخصوص ویژگی‌های ظاهری و بصری کتاب‌های آموزشی به‌طور عملی تجاربی را در این زمینه به اشتراک خواهیم گذاشت. اما قبل از آن من باید درخصوص عناصر بصری و ظاهری کتاب‌های آموزشی که قرار است توسط شما عزیزان ارزیابی و داوری شوند، نکاتی را بیان می‌کنم. این نکات کمک خواهد کرد شما بتوانید ارزیابی دقیق‌تر و صحیح‌تری از این‌گونه کتاب‌های در بعد گرافیک داشته باشید. نکاتی که باید در کل درخصوص عناصر بصری و ظاهری کتاب‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از:

۱. هر اثر آموزشی باید در کلیت خود به‌عنوان یک عنصر بصری واحد مورد توجه قرار گیرد.
۲. عناصر بصری تشکیل دهنده کتاب، شامل جلد، عنوان، فهرست، شماره صفحه، سرفصل‌ها و همه اجزای دیگر آن باید به درستی و در جای معین و استاندارد خود قرار گرفته باشند.
۳. سفیدخوانی به‌عنوان یک تکنیک عبارت از این است که نباید یک صفحه را از عکس، تصویر و نقاشی و یا حتی متن آن‌گونه انباشته کنیم که مخاطب نتواند تصویر درستی از اثر داشته باشد. حتماً در صفحات کتاب باید فضا برای درک متن و تصویر وجود داشته باشد.
۴. باید تعادل متن و تصویر در اثر رعایت شود و بین متن و تصویر تعادل وجود داشته باشد.
۵. تصویر (عکس و تصویرسازی) در محتوای کتاب جایگاه

خاصی دارد و باید در جای مناسب از آن‌ها استفاده شود. متن بدون تصویر و یا عکس حتماً برای مخاطب جذابیتی نخواهد داشت.

۶. در جایی که می‌توان برای معرفی یک غار و یا یک سد از تصویر غار و یا سدی در کشور خودمان استفاده کنیم، نباید به دنبال تصویرهای خارجی (هر چند زیباتر و جذاب‌تر) برویم. توجه به عناصر بومی برای آثار آموزشی یک امتیاز است.

۷. در هر اثر آموزشی باید به تناسب متن از فونت و قلم‌های متفاوت و مناسب استفاده شده باشد.

۸. اطلاعات گوناگون در یک اثر آموزشی باید در قالب جدول، نمودار، عکس و... طراحی و ارائه شده باشد، تا اثر برای مخاطب دارای جذابیت بیشتری باشد.

۹. استفاده از رنگ در طراحی کتاب بسیار اهمیت دارد و باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. ریزنقش‌ها، مانند عکس‌ها و متن‌های کوچک‌تر کتاب می‌تواند مخاطب را به اصل موضوع راهنمایی کند و در جایگاه مناسب خودش مؤثر واقع شود.

۱۱. بنا به سن و موقعیت تحصیلی مخاطب، نوع مطالب و... برای هر کتاب یا اثر آموزشی باید از قطع مناسب همان کار استفاده شود. مثلاً برای کتاب‌هایی با موضوع سفر و گردشگری معمولاً از قطع جیبی و پالتویی استفاده می‌شود.

۱۲. در هر اثر آموزشی مکتوب به تناسب متن باید از جدول، نقشه، نمودار، عکس و... استفاده شود.

۱۳. با توجه به فناوری‌های جدید و امکانات فراوان این حوزه انتظار می‌رود کتاب‌های آموزشی در طراحی و تدوین خود به شکلی خلاقانه و جذاب ارائه شده باشند.

۱۴. انتخاب کاغذ مناسب با گرماژ و جنس متناسب با اثر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، استفاده از کاغذهای نازک (معروف به پوست پیازی) برای آثاری که دارای عکس و تصویر هستند، مناسب نیست.

در مجموع باید در ارزیابی آثار آموزشی این نکته مهم را در نظر داشته باشیم که ویژگی‌های ظاهری و گرافیکی کتاب‌ها و آثار آموزشی در جای خود بسیار مؤثر هستند و لازم است که به دقت مورد توجه قرار گرفته و با حساسیت و توجه لازم مورد ارزیابی قرار گیرند.



حضور معلم در داوری کتاب، رنگ و بوی مدرسه می دهد

گزارشی از مباحث اختصاصی کارگاه آموزشی - تبیینی ارزیابان معلم برای دوره متوسطه

ارزیابی درستی انجام دهد.

وقتی دور هم نشستید و درباره سنجها صحبت کردید و به نظر مشترک رسیدید، معنی اش این می شود که همه ما از سنجها

درک یکسانی داریم. درخواستم از شما این است که از داوران و کارشناسان قدیمی هم استفاده کنید. آن ها می توانند صحبت ها را بشنوند و اگر جایی نیاز به توضیح و رفع ابهام بود، موضوع را تبیین کنند. پس برای اینکه بتوانید خوب داوری کنید تجربه قبلی ها را بشنوید. جلسه بگذارید تا آن ها هم حرفشان را بزنند.

حذرخانی افزود: اولین قدم شناخت ابزاری است که قرار است با آن کار کنید. شناخت این ابزار وقت می برد. شما می خواهید با این سنجها به یک کتاب نمره بدهید؛ بنابراین سنجها را مرور کنید و هر جا که احساس کردید ایراد دارد، بگویید. مثلاً ممکن است بگویید سنجهای قابل فهم یا از نظر شما استاندارد نیست. یا نظر شما را تأیید و سنجها را اصلاح می کنند، یا توضیح می دهند که شما قانع شوید. پس چون می خواهیم ارزیابی کنیم

برگزاری کارگاه علوم پایه
با حضور دکتر حسن حذرخانی
ردیابی مهارت کاوشگری و
راهبرد تعاملی در کتابهای
آموزشی



لZoom شناخت سنجها

کارگاه علوم پایه با حضور دکتر حذرخانی مدیر گروه علوم تجربی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی برپا شد. وی در ابتدای این جلسه به اعضای گروه علوم تجربی گفت: یکی از کارهای مهمی که قرار است انجام بشود، تبیین مناسب سند راهنمای تولید کتابهای آموزشی و فرمهای ارزشیابی است. این اسناد به ما می گویند کدام کتاب استاندارد لازم را دارد و کدام ندارد. البته اغلب سندها در حال بازنگری و تدوین مجدد هستند و تدوین برخی نیز به پایان رسیده است. ارزیابها باید فهم مشترکی از این سنجها داشته باشند و سنجها باید واضح، دقیق، محدود و معین باشند که فرد بتواند بر اساس آنها

الآن کتاب درسی یک
ساله در دنیا وجود ندارد.
ما هر سال میلیاردها
تومان خرج کتاب درسی
می کنیم

و نمره بدهیم باید ابزار دقیق داشته باشیم. یکی از کارهایی که می‌توانیم انجام بدهیم، ابزار را یک بار خیلی دقیق با نگاه نقادانه برای خودمان تعریف کنیم.

توجه به حجم کتاب‌ها

وی یکی از نکات ظاهری در ارزیابی کتاب را که در همان ابتدا به چشم می‌آید، حجم آن برشمرد و گفت حجم کتاب نباید بیش از اندازه باشد. آمارها نشان می‌دهد که کیف‌های بچه‌های ما بیش از حد استاندارد وزن دارد. چرا این طور است؟ چون علاوه بر کتاب درسی باید چند کتاب دیگر هم با خود به مدرسه بیاورد که حجم برخی از آن‌ها دو برابر کتاب درسی است. اخیراً چهار کتاب آموزشی دیدم که هر یک شامل حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ صفحه بود. خب اصل کتاب درسی مگر چند صفحه است؟

حذرخانی: ما هنوز مشکل کیف و سنگینی آن را داریم؛ در حالی که اصلاً قرار نیست دانش‌آموز کیف به مدرسه بیاورد

خارج کردن کتاب‌های غیرمرتبط

دکتر حذرخانی یکی دیگر از نکاتی را که پیش از آغاز داور باید مورد توجه قرار داد، بررسی ارتباط کلی کتاب با حوزه علوم تجربی دانست. وی ادامه داد: وقتی به برخی کتاب‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینم سطح این کتاب ارتباطی با سطح علوم تجربی متوسطه ندارد. از این موارد زیاد است. با توجه به عنوان کتاب و ظاهرش شاید تصور کنیم به درد معلمان علوم تجربی یا دانش‌آموزان می‌خورد، در حالی که وقتی دقیق می‌شویم، می‌بینیم سطح آن در حد دانشگاه و آموزش عالی است و به درد مدرسه نمی‌خورد. نویسنده یا مترجمش هم ممکن است فکر کرده باشد که برای مدرسه خوب است و به همین دلیل اینجا فرستاده است.

راهبرد تعاملی و اکتشافی

حذرخانی توجه کتاب به رویکرد کاوشگری و راهبرد اکتشافی و تعاملی را از ویژگی‌های لازم و مهم برای کتاب برشمرد و گفت: وقتی شما اکتشافی حرف می‌زنید، ناخودآگاه کار تعاملی هم انجام می‌دهید. تعاملی بودن معنی‌اش روشن است؛ یعنی شما دو طرفه کار می‌کنید؛ آموزگار و دانش‌آموز با هم درگیرند. در سیستم‌های راهبردی، شما موضوع را مستقیم می‌گویید؛ مثل من که الان مستقیم با شما حرف می‌زنم. من برنامه‌ای نداشتم که از شما کمک بگیرم، ولی اگر قرار باشد برنامه‌ما به صورت تعاملی و اکتشافی باشد، باید برای آن طرح درسی می‌داشتم. بعد هم به مرحله‌ای می‌رسیم که دیگر طرح درس نیست؛ بلکه طراحی آموزشی است. طراحی آموزشی یک پله بالاتر از طرح درسی است، چون در طراحی آموزشی باید خودتان در نظر بگیرید که با این رویکرد پیش بروید. اگر کتابی فاقد این رویکرد و این راهبرد باشد، نمره کسب نمی‌کند. منتها وقتی من به عنوان پدیدآورنده یا ناشر کتاب از

شما بپرسم که چرا به این کتاب نمره نداده‌اید؟ شما نمی‌توانید بفرمایید به این پاسخ بسنده کنید که چون این کتاب با رویکرد کاوشگری نمی‌خواند. از شما می‌خواهند بیشتر توضیح دهید که مثلاً به طور مشخص چه ویژگی‌هایی باید در کتاب وجود می‌داشت که مطابق این رویکرد می‌بود. یا چه مصداق‌هایی دارید که نشانه نقض این رویکرد است. برای نوشتن این نکات باید از ادبیات مناسبی هم استفاده کنید که البته چندان پیچیده هم نیست. ولی بد نیست دو سه مقاله در این زمینه (مثلاً از ویژه‌نامه‌های مجلات رشد) مطالعه کنید.

کتاب‌های کار و تمرین

دکتر حذرخانی سپس به کتاب‌های کمک‌درسی و ویژگی‌های آن پرداخت و درباره کتاب‌های موسوم به کتاب کار گفت: کتاب کار باعث تثبیت یادگیری می‌شود؛ اما برای تثبیت یادگیری فقط کتاب کار کافی نیست. کتاب کار علاوه بر یادگیری، تمرین و فعالیت نیز دارد که به معلم کمک می‌کند درس دادن را با آن پیش ببرد. اگر این را به عنوان یک رویکرد قبول کنیم، آن وقت برای نمره دادن نیز نگاه دیگری پیدا می‌کنید. ایجاد مهارت و انگیزه کاوشگری در دانش‌آموز و پرهیز از حفظ کردن، ویژگی دیگری بود که دکتر حذرخانی بر آن انگشت گذاشت و آن را از ویژگی‌های ضروری کتاب‌های کار دانست. او سپس به ارزیابان معلم توصیه کرد دانش‌های اطلاعات حاشیه‌ای و جانبی خود را درباره محتوا، ابزارشناسی و رویکرد شناسی افزایش دهند و یک پله بالاتر از دیگران باشند. او در همین مورد گفت: داور فوتبال، خیلی ریزه‌کاری‌ها را درباره فوتبال بلد است و با همین اطلاعات جانبی و حاشیه‌ای می‌تواند تشخیص دهد که چه چیزی غلط یا درست است. بنابراین خیلی مهم است که شما به عنوان داور، اطلاعات حاشیه‌ای و جانبی خود را بالا ببرید. بعد از مدتی به سرعت تشخیص می‌دهید که کتاب باید دارای چه ویژگی‌ها باشد و اصلاً مناسب و استاندارد است یا خیر.

یکی از حاضران: دیدگاه‌ها در آموزش تفاوت دارد. برخی جهانی فکر می‌کنند، اما برخی آموزشگاه‌ها و مدارس فقط به فکر اعتبار خودند و برای رسیدن به آن به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند. آن‌ها از معلم انتظار دارند فقط کاری کند که نام مدرسه یا مؤسسه آموزشی‌شان در کنکور رتبه کسب کند.

دکتر حذرخانی با یادآوری تلاش‌های صورت گرفته در زمینه تولید کتاب‌های خوب و مناسب علوم، نظام آموزشی را در مسیر رسیدن به وضعیت مناسب توصیف کرد که در حال کسب تجربه‌های مختلف است و ممکن است برخی از تجربه‌هایش نیز ناموفق باشد. او ادامه داد: ما در تولید کتاب‌های درسی هنوز مشکل داریم؛ کیفیت تصاویر و کاغذ کتاب‌های متوسطه اول هنوز مناسب نیست؛ ما باید کتاب‌هایی تولید کنیم که یک سال مصرف نباشند. الان کتاب درسی یک ساله در دنیا وجود ندارد. ما هر سال میلیاردها تومان خرج کتاب درسی می‌کنیم. ما



هنوز مشکل کیفیت و سنگینی آن را داریم؛ در حالی که اصلاح قرار نیست دانش آموز کیف به مدرسه بیاورد. در علوم تجربی ما هنوز با استانداردهای دنیا خیلی فاصله داریم. ناشران ما هنوز شناخت مناسبی از مقوله تولید کتابهای آموزشی استاندارد ندارند و ما باید تعامل و همفکری بیشتری با ناشران انجام دهیم.

ما قطار در حال حرکت ایم

فربا کیا معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی که در جمع این گروه شرکت یافته بود با انتقاد از شیوه رایج سنجش و ارزشیابی‌ها و ضرورت ایجاد هماهنگی بیش‌تر بین بخش‌های مختلف آموزش و پرورش گفت: با این وصف به نظر می‌رسد ما در ارزیابی کتاب‌ها، باید میانگین وزنی کتاب‌ها را در نظر بگیریم. اگر بخشی از خط قرمزهای خودمان را کم کنیم، و بین کتاب‌های مناسب‌تر رقابت ایجاد کنیم، کیفیت احتمالاً بیشتر خواهد شد. ما اکنون که کار خودمان کتاب را ارزیابی می‌کنیم، می‌بینیم کیفیت کتاب‌ها در طول سال‌های فعالیت ما به تدریج بهبود یافته و اکنون در مقایسه با سال‌های آغازین فعالیت، خیلی

بهبتر شده است. درست است که هنوز ۴۰ درصد کتاب‌ها با استاندارد لازم فاصله دارند، اما به هر حال کیفیت کتاب‌ها خیلی بهتر شده است.

خانم کیا، نظام آموزشی را، قطار در حال حرکتی خواند که اشکالات آن باید در مسیر و در حین حرکت اصلاح شود. او با اشاره به نقش مؤثر معلمان در فرهنگ‌سازی و تغییر نگاه دانش‌آموزان گفت: ما به سهم خود کوشیدیم تا بستری فراهم کنیم که معلمان بیشتر وارد برنامه‌ریزی‌های استاد شوند. به نظر من، حضور معلم در داوری کتاب، ضمن آن‌که به ارزیابی رنگ و بوی مدرسه می‌دهد، متقابلاً اثر داوری را هم با معلم در کلاس جاری می‌کند و اثربخشی این بیشتر از حضور کارشناس تألیف در ارزیابی است؛ چون در فرهنگ‌سازی هم مؤثر است تصور می‌کنیم روشی که ما آن را تقویت کرده‌ایم، بازخورد خوبی هم به جا بگذارد. البته ما در کنار این کارگاه، با ناشران و سرتیم‌های تألیف‌ها جلسه می‌گذاریم و ان‌شاءالله می‌خواهیم در زمان جشنواره، میزگردهایی را هم به نقد ناشران اختصاص دهیم.

است و ده سال است که ارزیابی کتاب‌های آموزشی بخش علوم و زیست‌شناسی را بر عهده دارد.

هدف: تربیت نسلی توانمند

انصاری با تأکید بر این نکته که کتاب‌های آموزشی باید در مسیر آموزش بهتر، به دانش‌آموزان کمک کند، ابتدا نقش کتاب‌های آموزشی را در یادگیری مورد بحث قرار داد و گفت: از سال ۹۰ که برنامه درسی ملی اجرا شد، برنامه‌های آموزشی و تربیتی را در قالب یازده حوزه تعریف می‌کنیم. یکی از این حوزه‌ها علوم تجربی است که مأموریت‌هایی را برایش تعریف کردند. آموزش علوم تجربی باید تمرین لازم را برای تربیت نسلی "توانمند" در کشف، درک و تفسیر پدیده‌ها و رویکردهای طبیعی به عنوان

کارگاه علوم تجربی با حضور مریم انصاری توانمندی در کشف، درک و تفسیر پدیده‌ها



مریم انصاری کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی و کارشناس ارشد فیزیولوژی جانوری یکی دیگر از مدرسان کارگاه ارزیابی کتاب‌های آموزشی بود که به‌طور خاص درباره ارزیابی کتاب‌های آموزشی علوم تجربی سخن گفت. وی دبیر زیست‌شناسی و کارشناس دفتر تألیف و مؤلف کتاب‌های علوم و زیست‌شناسی



آیات الهی فراهم کند. به این کلمه توانمند و این که دانش آموز باید در چه چیزی توانمند شود توجه کنید. این هدفی است که ما در آموزش و به تبع آن در ارزیابی کتاب‌های آموزشی دنبال می‌کنیم. تدبر در نظام هستی با مطالعه قوانین و رویدادهای طبیعی و روابط بین پدیده‌ها به منظور درک هدفمند قانونمندی هستی. این‌ها بر می‌گردد به همان نگرش توحیدی و رویکرد کلی که در آموزش وجود دارد.

حفظ منابع طبیعی به عنوان امانت الهی یکی دیگر از هدف‌هاست که با تقویت مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی، جمع‌گرایی، جهانی‌اندیشی رابطه دارد و در واقع با آن دستیابی به مراتبی از حیات طیبه که همان هدف غایی نظام آموزشی است، میسر می‌شود. در برنامه درسی ملی رویکردهای دیگری مانند فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند یاددهی و یادگیری مادام‌العمر، استمرار و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی برای دانش‌آموزان، تقویت هویت ملی با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی و زبان و ادب فارسی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

انصاری در ادامه سخنان خود، علوم تجربی را حاصل تلاش انسان برای درک دنیای اطراف در روابط علت و معلولی بین اجزای ماده جهان هستی دانست و گفت: طرف دیگر، یعنی تاریخ علم و فناوری تحول آن و تأثیر دوجانبه علم و اجتماع نیز محتوای اصلی علوم تجربی را تشکیل می‌دهند.

انصاری: رویکرد ما در آموزش علوم تجربی، رسیدن به جایی است که مسئولیت‌پذیری با دانش آموز باشد

مسئولیت‌پذیری با کیست؟

خانم انصاری با طرح این پرسش که آیا مسئولیت‌پذیری با معلم است یا والدین یا خود دانش‌آموز، گفت: حداکثر کاری که دانش‌آموزان می‌کنند، رفتن به مدرسه و آموزش دیدن است که این مسئولیت را باید به درستی انجام دهند. ما باید زمینه انجام این مسئولیت را برای دانش‌آموزان فراهم کنیم. اما برای اینکه بتواند مسئولیت خودش را بر عهده بگیرد باید چه کنیم؟ با این نگاه است که رویکرد ما در آموزش علوم تجربی، رسیدن به جایی است که مسئولیت‌پذیری با دانش‌آموز باشد.

بر این اساس، محتوای چهارگانه‌ای که در کتاب علوم تجربی قرار گرفته، رویکرد زمینه‌محوری را اتخاذ کرده است. به این معنا که محتوا از زمینه زندگی دانش‌آموز بیرون آمده و کاربردهای واقعی آن محتوا در زندگی ارائه شده است تا یادگیری معنا دار و جذاب شود و علم سودمند به دانش‌آموز داده شود. محیط یادگیری هم نباید محدود به کلاس درس باشد؛ محیط زندگی دانش‌آموز باید محیط یادگیری باشد.

وی کاوشگری را رویکرد دیگر در آموزش علوم تجربی خواند که به صورت فرصت‌هایی در کتاب ارائه شده است که مربوط به یک دوره خاص هم نیست و ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم دنبال می‌شود.

جذابیت ظاهری در کتاب‌های کار

انصاری سپس با اشاره به اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری کتاب، موضوع جذابیت ظاهری کتاب‌های کار را مورد بحث قرار داد و گفت: گاه هزینه زیادی صرف تهیه برخی از این کتاب‌ها می‌شود که حتی در مواقعی ظاهر آن از کتاب‌های درسی نیز جذاب‌تر می‌شود؛ اما آیا این جذابیت‌های بصری و استفاده از کاغذ اعلا اصلاً برای کتاب کار، که معمولاً یک بار مصرف است، مورد نیاز هست؟ به نظر می‌رسد وقتی نتیجه‌ای از آن عاید دانش‌آموز نمی‌شود، این هدر دادن سرمایه‌های کشور است.

او ادامه داد: یک وقت می‌خواهیم کتاب دانش‌افزایی به دانش‌آموز بدهیم؛ این‌جا نیاز به جذابیت وجود دارد و باید با تصاویر و عکس‌های شفاف و گویا موضوع را برای دانش‌آموز جذاب و به او در یادگرفتن آن کمک کنیم. گرچه در همین مورد هم باید کارشناسی لازم انجام شود و در صورت نیاز هزینه شود.

توجه به اصل تنوع در فعالیت‌ها

خانم انصاری با انتقاد از محتوای ضعیف بسیاری از کتاب‌های کار علوم تجربی و سرگردانی دانش‌آموز و اولیا در مقابل سیل کتاب‌های جدید، عدم خلاقیت و تکرار آزاردهنده موضوعات را یکی دیگر از اشکالات معمول در این کتاب‌ها شمرده و گفت: در کتاب درسی جایی از بچه‌ها خواسته شده است کاوش انجام دهند. خوب این کاوش در کتاب درسی وجود دارد و این کار در کلاس درس انجام شده است. اما شما می‌بینید مؤلفی دست به تألیف کتاب کاری زده و حتی همان کاوش را عیناً از کتاب درسی کپی برداری کرده است. خوب معنی این کار چیست؟ قرار است همان کاری را یک بار در کلاس درس اتفاق افتاده، دوباره مورد کاوش قرار دهیم؟

در حالی که مؤلف می‌توانست همسو با هدف کتاب درسی، ده‌ها فعالیت دیگر را پیشنهاد دهد که ارتباط تنگاتنگ‌تری با زندگی و فرهنگ محلی افراد شهر و استان مخاطب داشته باشد. مریم انصاری در بخش دیگری از سخنان خود، استفاده از قالب‌های متنوع در فعالیت‌ها و تمرین‌های ارائه شده را مورد تأکید قرار داد و گفت: بسیاری از مؤلفان کتاب‌های کار فقط به قالب سؤال‌های چهارجوابی را عادت کرده‌اند و گویی هیچ قالب دیگری را نمی‌شناسند. تأثیر این معضل از کنکور فراتر رفته و بر روی آموزش نیز سایه انداخته است. پای سؤال‌های چهارجوابی، نه فقط به دوره متوسطه اول که به پایه‌های اول ابتدایی هم کشیده شده است. وقتی می‌گوییم کاوش مورد نظر است، لازم است فعالیت‌های عملی متنوعی را در کتاب ارائه کرد.

کتاب کار، کتاب درسی نیست

وی یکی دیگر از ضعف‌های موجود در کتاب‌های کار را وجود درسنامه و دادن شخصیت مستقل به آن دانست و گفت: ما نباید از نقش محوری کتاب درسی غفلت کنیم. دانش‌آموز اگر

حجم زیاد، آفت کتاب‌های کار

آخرین نکته‌ای که انصاری در مورد عیب‌های رایج کتاب‌های کار گفت، حجم زیاد این کتاب‌ها بود. او گفت: حجم به این دلیل زیاد می‌شود که مؤلف مطالب کتاب‌های درسی را تکرار می‌کند و نمونه‌های بیشتری را هم می‌گذارد. این ایراد را به کتاب‌های درسی هم می‌گیرند که در مجموع وزنشان زیاد است؛ حالا شما چند کتاب کمک‌درسی حجیم را هم به آن‌ها اضافه کنید.

وی با نشان دادن کتاب علوم هشتم دوره متوسطه اول به حاضران گفت: حجم این کتاب ۱۴۵ صفحه است، اما کتاب کار ارائه شده ۲۰۰ صفحه است. به نظر شما این حجم مناسب است؟ حتی اگر سؤالات متنوعی هم داشته باشد. این کتاب چه چیزهایی را به کتاب درسی اضافه کرده که موجب چنین حجمی شده است؟ و اساساً اگر مطالبی را در این حجم به کتاب درسی افزوده باشد، دیگر کمک‌درسی نیست؛ خودش یک کتاب مستقل است.

به هر حال کتاب‌هایی با این حجم، مشکل را دو چندان می‌کنند. بچه‌ها وقتی این کتاب‌ها را در کوله پشتی می‌گذارند ممکن است دچار مشکلاتی در ستون فقرات شوند. کم کردن بخشی از مطالب تکراری، استفاده از کاغذهای سبک و استفاده از کاغذهای بازیافتی می‌تواند به کم شدن حجم کمک کند. در ارزیابی کتاب، باید چنین مواردی را مدنظر داشته باشید.

انصاری: در کتاب درسی از بچه‌ها خواسته کاوش انجام دهند. این کار یک بار در کلاس درس انجام شده است؛ اما معلمی دست به تألیف کتابی زده و حتی همان کاوش را عیناً از کتاب درسی کپی برداری کرده است

می‌خواهد به سؤالات کتاب کار هم جواب دهد، باید به سراغ کتاب درسی برود. این ارتباط را نباید قطع کرد. نباید کاری کنیم که کتاب درسی را کنار بگذارد. از طرفی اگر قرار باشد همان سؤالاتی که در خود کتاب ارائه شده است، در کتاب کار سؤال شود و کنارش جواب صریح داده شود، دانش‌آموز دیگر فکر نمی‌کند؛ و چون عمیق یاد نمی‌گیرد مجبور می‌شود حفظ کند؛ در حالی که مسئولیت دانش‌آموز حفظ کردن نیست. این حداقل انتظار ما از آموزش و توجه به اهداف آموزشی است. کتاب کمک درسی باید فرایند آموزش را تسهیل کند و به معلم و دانش‌آموز کمک کند. یکی از کتاب‌هایی که کمک‌کننده است کتاب‌های دانش‌افزایی معلمان یا کتاب‌هایی است که چگونگی تعلیم و آموزش را می‌آموزد. در این کتاب‌ها هدف و پیامدهای درس باید برای معلم مشخص شود.

توجه بیش از اندازه به جزئیات غیرمهم

وی در بخش دیگری از صحبت‌ها، از معضلی گفت که خصوصاً در دوره متوسطه دوم خیلی برجسته‌تر است و آن این است که گاهی برای درک بهتر متن و کلیت آن توسط دانش‌آموز، شکلی را در کتاب درسی می‌گذارند. اما برخی مؤلفان به جای توجه به کلیات تصویر، به سراغ جزئیات این شکل‌ها می‌روند و چندین صفحه در توصیف شکل مطلب می‌نویسند.

در مقابل این توجه، بی‌توجهی به کلمات و عبارات متن و به زبان فارسی فراوان در کتاب‌ها دیده می‌شود. در بعضی از کتاب‌ها هم به لحاظ فرهنگی از کلمات نامناسب استفاده می‌شود.

باعث شده بخش دانشی محتوا کمرنگ شود که در پایه‌های دهم و یازدهم خود را خیلی نشان می‌دهد. مثلاً در کتاب‌های علوم و فنون، در قسمت کارگاه‌ها به جای توضیحات دانشی، از دانش‌آموزان خواسته شده تولیداتی در کلاس انجام دهند. این نشان می‌دهد برنامه درسی ما در گام اول به سمت مهارتی شدن می‌رود.

بنابراین همین را اگر بیرون از نظام آموزشی، به بازار ببریم، انتظار داریم هر کسی که دوست دارد کتاب بنویسد، کتابی باشد که مهارت‌های زبانی را تقویت کند.

عنصر دوم: اهداف

الآن که شما می‌خواهید مدرس یا داور جشنواره‌ها باشید، لازم است برنامه درسی را تهیه کنید و با دقت ببینید. در گذشته اهداف در سه حیطه طبقه‌بندی می‌شد: حیطه شناختی، حیطه مهارتی و حیطه نگرشی یا عاطفی. ولی امروز در بنیاد نظام هدف‌گذاری، پنج فصل یا عرصه داریم؛ اولی باور یا ایمان، دومی تفکر، سومی عمل، چهارمی اخلاق و پنجمی دانش و علم؛ که در

**کارگاه ادبیات فارسی
با حضور حسین قاسم‌پور مقدم
برنامه درسی، نخ تسبیح
آموزش است**



حسین قاسم‌پور مقدم مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سخنان خود را در کارگاه ادبیات فارسی، با عناصر موجود در برنامه‌های درسی شروع کرد.

رویکرد برنامه درسی

حسین قاسم‌پور مقدم نخستین عنصر برنامه درسی را "رویکرد برنامه درسی" برشمرد و گفت: در برنامه درسی دوره اول و دوم متوسطه، بعد از رویکرد برنامه درسی ملی، مهمترین رویکرد، فطرت‌گرایی توحیدی است. رویکرد تقویت مهارت‌های زبانی هم هست که بیشترین قسمت فعالیت‌ها را شامل می‌شود. این

برنامهٔ زبان و ادبیات فارسی برای هر عرصه، اهدافی را پیش‌بینی کرده‌ایم.

ما می‌خواهیم باور دانش‌آموزان را نسبت به خالق نظام هستی تقویت کنیم. درس ما ادبیات است. به‌طور طبیعی باید سراغ متون نظم و نثری برویم که از جنس ادبیات حماسی و غنایی نباشد. چون دانش‌آموز پایهٔ هفتم توانایی درک آن‌ها را ندارد. پس می‌رویم سراغ ادبیات تعلیمی، چون شاعری داریم به نام سعدی که به صراحت و سادگی صحبت می‌کند.

هدف بعدی، دانش و علم برای آرایه‌های ادبی است. می‌خواهیم تشبیه را به بچه‌ها یاد بدهیم؛ چرا که تشبیه در رویکرد مهارتی خیلی به ما کمک می‌کند. مثلاً تشبیه را خیلی مختصر معرفی می‌کنیم. تعریف می‌شود دانشی؛ بعد نوبت عمل است که خیلی مهم است؛ یعنی همان مهارت‌های زبانی؛ همان جایی که از دانش‌آموزان می‌خواهیم یک بند دربارهٔ خداوند بنویسند، به منزله عمل و مهارت است.

نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، این است که نباید بین این عناصر دیوار بکشیم. می‌شود در هم تنیده باشند. یعنی شعری بیاوریم که هر پنج عنصر را تقویت کند. اگر دانش‌آموزی نتواند، این‌جا پای کتاب کار وسط می‌آید. من که می‌خواهم کتاب کار بنویسم، باید ببینم دانش‌آموز کجا نتوانسته با کتاب درسی ارتباط کامل پیدا کند، یا به دلیل محدودیتها کجا نتوانسته توانایی خودش را نشان بدهد.

اگر می‌خواهیم رسالت واقعی خود را اجرا کنیم، اول اهداف را مطالعه کنیم. وقتی می‌توانیم از کتاب درسی انتقاد کنیم که برنامه‌اش را داشته باشیم. اگر ما برنامهٔ درسی را نخوانده باشیم،

فقط می‌گوییم این شعر مناسب بچه‌ها نیست؛ اما وقتی راهنما را می‌خوانی، می‌بینی هدفی آمده که این شعر برای آن هدف مناسب است.

عنصر سوم: محتوا

این محتوا را می‌توانیم در قالب موضوعات و مفاهیم و اصطلاحات معرفی کنیم. یعنی مجموعه‌ای از کلمات کلیدی و مفاهیم و موضوعاتی که در برنامهٔ درسی آمده که برنامه‌ریزان می‌گویند برای اینکه اهداف را پوشش بدهیم، باید این ۱۰ موضوع را انشا بنویسیم. انشا، همان درس است که مؤلف باید بنویسد. بنابراین وقتی اهداف را در برنامهٔ درسی دیدید، نروید سراغ کتاب درسی؛ بلکه بروید سراغ عنصر سوم. یعنی ما باید سرفصل‌ها و تیتراهای مطالب را ببینیم و از خود بپرسیم آیا این سرفصل‌ها با اهداف می‌خواند؟

عنصر چهارم: شیوه‌ها

شیوه‌ها برای رسیدن به اهداف هستند. این‌ها شیوه‌های تدریس نیستند و ما هم دیگر معلم نیستیم. قرار است ما شیوه‌های دیگران را ارزیابی کنیم. باید ببینیم شیوهٔ سازمان‌دهی محتوا چگونه است؟ یعنی مثلاً آیا از جز به کل می‌رود یا بر عکس؟ آیا از روش‌های متنوع استفاده می‌کند؟ همهٔ این‌ها در عنصر چهارم ترسیم شده است. پس ما در عنصر چهارم شیوه‌های سازمان‌دهی را می‌نویسیم. به عبارت خودمانی‌تر، نقشهٔ کتابی را که هنوز تولید نشده، ترسیم می‌کند. شبیه نقشهٔ راه است. هر کسی که مؤلف شد، باید بر اساس این نقشه، کتاب بنویسد. ما در این نقشه، شیوه‌های خود را می‌گوییم. یعنی از دانش به تمرین برسد و از تمرین به دانش.

عنصر پنجم: ارزیابی و ارزشیابی

برنامه‌ریز درسی برای رسیدن به اهداف باید بداند از کدام شیوهٔ سازمان‌دهی استفاده کند تا وقتی معلم می‌خواهد مثلاً دربارهٔ راهنمای ادبیات فارسی آموزش بدهد، بداند که مخاطبانش را چطور ارزیابی کند؛ امتحان کتبی بگیرد یا شفاهی، آزمون دانشی باشد یا مهارتی؟

قاسم‌پور در ادامه توضیح داد: این برنامهٔ درسی در بخش شیوه‌ها و موضوعات تعریف کرده که هر کسی که می‌خواهد چیزی تولید کند، از این برنامه بفهمد که چه ابزارهایی داشته باشد؛ کتاب درسی، کتاب کار، نرم‌افزار، فیلم، کاربرگ، راهنمای معلم، وسیلهٔ آموزشی، اسباب‌بازی یا هر چیز دیگری. یعنی تمام ابزارهایی که داخل این بسته قرار می‌گیرد، باید موضوعیتش را از برنامهٔ درسی بگیرد. این بستهٔ آموزشی را باز کرده و چند طبقه می‌کنیم؛ کتاب درسی را به دفتر تألیف می‌دهیم و کتاب کار و نرم‌افزار را مثلاً به بازار. اگر این‌ها را دانهٔ تسبیح در نظر بگیریم، نخ‌ها که این‌ها را به هم پیوند می‌دهد، برنامهٔ درسی است.

البته ما باید راهنمای داوری هم داشته باشیم و برای ارزیابی، حتماً باید بکوشیم تعصبات شخصی را کنار بگذاریم.





کارگاه برق و الکترونیک با حضور مهندس صموتی پرورش شایستگی‌ها بر اساس فعالیت محوری

تقسیم را هنوز بلد نیست. چون شایستگی مد نظر نبوده است. یعنی چهارچوبی تعریف کردیم و خواستیم دانش آموز این مسیر را پیش برود. از طرفی معلم هم مسائل جانبی خود را دارد و در کنار ایرادات آموزش به این جا رسیده‌ایم که دانش آموز معلم خصوصی بگیرد تا یک طوری نمره بیاورد و بدون کسب شایستگی مدرک بگیرد. این جا است که شایستگی به فنا رفته است. پدر و مادرها خودشان را راحت کرده‌اند. می‌گویند پول خرج می‌کنیم و معلم خصوصی می‌گیریم.

مهندس صموتی با تأکید بر این که ارزشیابی در فنی و حرفه‌ای، مبتنی بر شایستگی است، گفت: باید فراگیرنده به شایستگی دست یابد. فرایند تدوین کتاب‌های درسی هم، از خود حرفه شروع و به کار و شغل منتهی می‌شود. اکنون برگه ارزشیابی، روال فنی و حرفه‌ای را متفاوت کرده است. معلم نقشی اساسی در ارزشیابی دارد. البته دانش آموز هم نقش اساسی پیدا کرده است؛ زیرا یاد گرفته نمره را فقط با شایستگی‌های فنی به دست آورد.

یکی از معضلات کتاب‌های آموزشی تولید شده در بازار نشر، این است که پدیدآورندگان آن‌ها از اهداف سازمان شناخت کافی ندارند. اغلب مؤلفان، وقتی کتاب آموزشی می‌نویسند تصور می‌کنند باید کتاب‌های درسی را بردارند و خلاصه کنند. برخی همان عکس‌های کتاب درسی را هم می‌برند و در کنار آن خلاصه‌ها می‌چسبانند و منتشر می‌کنند. این کتاب قطعاً خیلی به درد ما و هنرآموز و هنرجو و دانش‌آموز نمی‌خورد. ما کاری را می‌خواهیم که مطلوب باشد.

محتوای جذاب، انگیزه‌بخش و فعال‌کننده

سخنان فوق را مهندس سید محمود صموتی کارشناس ارشد رشته الکترونیک دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی فنی و حرفه‌ای در کارگاه برق و الکترونیک بیان کرد. وی سپس درباره ارزشیابی و رویکرد کتاب‌های درسی خطاب به حاضران در کارگاه گفت: لازم است ابتدا بدانیم محتوای برنامه درسی جدید ما چیست؛ محتوایی که بیشتر شامل یک بسته است و در یک کتاب محدود نمی‌شود. چیزی که سال‌ها در برنامه‌ریزی به آن توجه شده، اما عمیق و کاملاً کارشناسی نبوده، بیشتر نگاه "فعالیت محور" بود که ما چگونه می‌توانیم مطلب آموزشی را جذاب کنیم و فرد را به اهداف برسانیم. فعالیت باید مبتنی بر کار عملی نرم‌افزاری و دانش نظری باشد تا میزان یادگیری به طور قابل توجهی افزایش یابد. در مقطعی از زمان دنیا این کار را کرد و ما هم مثل برخی کشورها از آن تبعیت کردیم. در مقطعی کتاب را به صورت خودآموز و مصور تدوین کردند و گفتند این شیوه خوب است؛ اما بعد از مدتی فهمیدند که این روش پاسخ نمی‌دهد؛ چون با این روش، دانش آموز و معلم تنبل شدند. در نتیجه بحث به سمتی رفت که کتاب‌ها را به شیوه‌ای تدوین کنیم که این کتاب‌ها بتواند انگیزه ایجاد کند و دانش آموز و معلم را مجذوب سازد و هم به گونه‌ای وارد این بازه شود که هم خودش فعال شود و هم دانش آموز.

تکیه بر شایستگی‌ها، نه نمره

مهندس صموتی با اشاره به تأکید برنامه درسی ملی به مهارت‌آموزی گفت: ما نباید فقط در مقاطع فنی و حرفه‌ای و کاردانش به شایستگی برسیم، بلکه باید در مقاطع نظری و ابتدایی هم به شایستگی برسیم. یکی از معضلات ما این است که دانش‌آموز تا کلاس نهم بالا آمده، ولی ادبیات و ضرب و

محتوای فعالیت محور به جای حافظه محور

وی فعالیت‌های حافظه محور را بدون نتیجه شمرد و تأکید کرد: باید فرد را به گونه‌ای بار بیاوریم که صرفاً متکی به حافظه‌اش نباشد؛ اما نه اینکه نتواند جدول ضرب را هم حفظ کند. از آن طرف بام هم نیفتیم؛ به جای اینکه جلو برویم، عقب عقب نرویم. لازم است مسائل ابتدایی را به حافظه بسپاریم؛ این حافظه محوری نیست؛ اما نیاز نیست دانش آموز جدول لگاریتم یا شماره سیم‌ها را هم حفظ کند. کتاب همراه هنرجو، کتابی است که حافظه محوری را کم می‌کند. یعنی فرد می‌تواند آن را سر کلاس یا حتی جلسه امتحان ببرد و دلشوره و اضطرابش کاهش یابد. در کنار آن، برای معلم هم راهنما تهیه کرده‌ایم که چگونه تدریس کند. این هم کمک می‌کند به صورت تعاملی کار انجام و اجرا شود تا بشود از محتوای موجود به شکل بهتری استفاده کرد.

ایجاد فرصت پژوهش و تحقیق در فضای مجازی، یکی دیگر از نکات مورد توجه در سخنان مهندس صموتی بود. او فضای مجازی را، کمک به هنرجو دانست که می‌تواند به تعامل بیشتر و انگیزه و خلاقیت کمک کند. او در همین زمینه گفت: برای شایستگی‌های عملی و ذهنی باید ببینیم به چه چیزهایی احتیاج داریم. مهم‌ترین نکته این است که محتوای آموزشی کاملاً فعالیت محور باشد تا به این وسیله زمینه اکتشاف را اجرایی کنیم. در تمرین‌ها باید زمینه بازی و شبیه‌سازی را انجام دهیم. وقتی وارد این مقوله‌ها شدیم، می‌بینیم که میزان یادگیری پنجاه درصد اضافه می‌شود. اگر بتوانیم در فنی و حرفه‌ای ۴۰ تا ۶۰ درصد فعالیت‌ها را شکل بدهیم، درست عمل کرده‌ایم.

**صموتی: فعالیت باید
مبتنی بر کار عملی
نرم‌افزاری و دانش نظری
باشد تا میزان یادگیری
به طور قابل توجهی
افزایش یابد**

بازی و شبیه‌سازی

یا نرم‌افزاری استفاده شود، لازم نیست حتماً گران‌قیمت باشد؛ با قیمت ارزان پیدا کنند و استفاده کنند.

وی در همین ارتباط افزود: همیشه به یک تیم طراحی نیاز داریم. یعنی تیمی که بتواند به ما کمک کند که از بخش مثلاً مربوط به آزمایشگاه‌های مجازی چه طور استفاده کنیم؟ وی به انتخاب ۹ معلم از هنرستان‌های ۱۰ استان کشور اشاره کرد و گفت: ما از آن‌ها خواستیم کتاب تألیف کنند. اجرای کار بسیار سخت بود، اما اثر بخش و ثمره آن خوب بود. در این قسمت باید از همه کمک بگیریم. معلم‌ها و دانش‌آموزان و هنرجوهای ما خلاق هستند. اگر کسی می‌تواند از کارش فیلم تهیه کند، اجازه دهیم این کار را انجام دهد. تشویق کنیم و حتی کمکش کنیم که فیلمش بهتر بشود.

کتاب‌های مناسب

وی به وضعیت نشر و مشکلات و روش‌های نامناسب آن پرداخت و درباره ویژگی‌های کتاب‌های درسی گفت: این کتاب‌ها باید بتواند اهداف برنامه‌های درسی و شایستگی‌ها را پوشش بدهد. یعنی به گونه‌ای تدوین شود که شایستگی‌های مطرح شده، عمیق‌تر شوند. یعنی خود هنرجو حس کند که شایستگی‌اش بیشتر شده است. مؤلف پروژه‌های اضافی ارائه کند. در تدوین کتاب‌های غیر درسی، مهم این است که پروژه‌ها قابل اجرا باشد، نه اینکه ۹۰ درصد پروژه‌ها قابلیت اجرایی نداشته باشد. اگر کتابی تدوین شود که پروژه‌های مورد نیاز را داشته باشد، کتاب خوبی است.

وی مهم‌ترین مشخصات کتاب‌های مناسب و استاندارد آموزشی را چنین برشمرد: کپی نکردن از کتاب درسی یا نرم‌افزار، حل المسائل نبودن کتاب، پخته و جویده شده مطلب را به هنرجو ندادن، رعایت حقوق مؤلف و توجه به بودجه برای تهیه لوازم مورد نیاز

آموزش تجویزی و غیر تجویزی

مهندس صوتی با تقسیم شیوه‌های آموزش به تجویزی و غیر تجویزی، گفت: تجویزی یعنی اینکه حتماً موضوع را به صورت مستقیم آموزش بدهی؛ اما غیر تجویزی یعنی می‌توانی آن را آموزش ندهی، ولی چیزهایی بگویی که اهداف را پوشش بدهد.

وی با توضیحاتی درباره بازی و شبیه‌سازی افزود: وقتی دانش‌آموز سؤال دارد می‌تواند از دوست یا معلم یا از کتابش کمک بگیرد. به این ترتیب ارتباط تنگاتنگ و صمیمی در محیط کلاس برقرار می‌شود. این فضای مناسب باعث می‌شود محیط کلاس خسته کننده نشود. اجرای آزمون‌های کوتاه می‌تواند نوعی شبیه‌سازی شود. آموزش در قالب جدول و پازل نیز می‌تواند سبب خلاقیت شود. اکتشاف کارهای مجازی و سؤال‌های که می‌پرسند سبب می‌شود دانش‌آموز برای حل مسئله تلاش کند. مهندس صوتی، کار تیمی را از شیوه‌های مدرن آموزش امروز دانست و با انتقاد از نوع کار تیمی در مدارس کشور گفت: در مجامع کوچک مدرسه‌ای یا مجامع بالاتر، کار تیمی هست؛ اما ما اغلب نمی‌توانیم کار تیمی بکنیم. لازم است روشی پیدا کنیم و متخصصینی تربیت کنیم که بتوانند کار تیمی را شکل بدهند.

توجه به فعالیت‌های کاربردی و مفید

وی سپس سه پرسش طرح کرد؛ اول این که چطور می‌توانیم فعالیت تجربی انجام بدهیم که هنرجو در محیط واقعی کار قرار بگیرد؟ دوم چگونه چیزی را که یاد گرفته‌ایم با شرایط واقعی تطبیق بدهیم؟ و سوم اینکه چگونه کارها را با اعتماد به نفس انجام بدهیم؟

سپس خود پاسخ داد: انتظار نداشته باشیم که یک‌دفعه از سطح پایین به سطح بالا برسیم یا توقع داشته باشیم سطح بالا را پیاده بکنیم. برای اینکه هنرجو بتواند کشف کند، باید موضوع مناسبی را طرح کنیم. برای فعالیت باید بتوانیم مثلاً کنجکاوی را شبیه‌سازی کنیم یا طوری بیان کنیم که ذهن هنرجو به سمت دنبال کردن موضوع برود. باید طوری به دانش‌آموزان آموزش دهیم که احساس کنند فعالیتی را که انجام می‌دهند به نفع خودشان است. این طوری هم، بهتر یاد می‌گیرد و هم فهمیده و دیدش قوی می‌شود تا بتواند از روش‌های یادگیری استفاده کند.

استفاده از منابع آموزشی کمکی

مهندس صوتی، سه مشکل برای تدوین بازی‌ها معرفی کرد؛ سختی، زمان بری و گرانی. وی یکی از راهکارها را، استفاده از منابع موجود و در دسترس دانست. او گفت اگر قرار است از فیلم

کارگاه ریاضی ارزبایان معلم، میزبان شهرناز بخشعلی‌زاده ارزیاب کتاب‌های آموزشی ریاضی بود. وی با طرح یک پرسش درباره دلیل استفاده از کتاب‌های آموزشی ابتدا به توضیح نقش تقویتی و کمکی کتاب‌های آموزشی در آموزش رسمی پرداخت و گفت: می‌دانیم که کتاب درسی باید طیف میانگین دانش‌آموزان کشور را در نظر بگیرد؛ یعنی هم به بچه‌های تیزهوش توجه داشته باشد، هم بچه‌های متوسط و هم بچه‌های ضعیف. یک

کارگاه ریاضی
با حضور شهرناز بخشعلی‌زاده
کتاب درسی باید طیف متوسط
را در نظر بگیرد





هم باشد. یعنی به معلم کمک کند که مهارت‌های حرفه‌ای‌اش رو رشد دهد. امروز معلم باید با روش‌های تدریس و ارزشیابی و کاربری‌های آی تی آشنا باشد. البته کتاب حمایت از خانواده هم هست که استفاده آن در ابتدایی خیلی بیشتر و در دوره دبیرستان خیلی کمتر است. در این کتاب‌ها به مادر نمی‌گوید دبیرانسیل یاد بده، اما به والدین یاد می‌دهد که چگونه مانعی

برای آموزش‌های مدرسه نشوند. والدین با این کتاب‌ها همراهی‌های لازم با معلمان را فرامی‌گیرند.

دسته دیگر، کتاب‌های "جنبی و سرگرمی" است. در این کتاب‌ها از زیبایی‌ها و شگفتی‌های ریاضی می‌گوید. مفهوم را نمی‌گوید، اما تفکر ریاضی را رشد می‌دهد. یا فعالیت‌هایی از جنس ریاضی می‌آورد که شما را سرگرم سازد. این دسته از کتاب‌ها جزء برنامه درسی نیست. کتاب‌هایی برای آموزش عام ریاضی هستند که تفکر یا تاریخچه ریاضی را همراه با بحث بازی، سرگرمی و معماهای ریاضی دنبال می‌کند.

گروه دیگر از کتاب‌ها - که زیاد هم نیستند - "کتاب‌های مرجع" و فرهنگ در حوزه ریاضی هستند. مثلاً واژگان ریاضی یا کتاب‌های مرجع که بخشی با دانش‌افزایی هم‌پوشانی دارد. این کتاب‌ها نیز ویژگی‌های خاص خود را دارند. دسته دیگر کتاب‌های استفاده از فناوری است.

لزوم تأییدیه برای ورود به مدرسه

طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش هیچ کتابی نباید در مدرسه عرضه، خریداری یا معرفی شود مگر اینکه از سازمان پژوهش اجازه و تأییدیه داشته باشد. ناشرین اجبار ندارند که کتاب خود را برای ارزیابی به ما بدهند؛ اما چون این بخشنامه ورود کتاب را به مدرسه منوط به تأیید وزارت آموزش و پرورش کرده است، می‌کوشند حتماً این تأییدیه را بگیرند.

کتاب واحد نمی‌تواند همه نیازهای تمام دانش‌آموزان کشور را برآورده کند. مثلاً ممکن است نیاز دانش‌آموزان پسر شهرستان مشهد با دانش‌آموزان دختر تهران تفاوت داشته باشد. در مدارس تیزهوشان ممکن است زمینه خیلی قوی برای فعالیت‌ها شکل گرفته باشد، اما در برخی مدارس روستایی و عادی شهری پیش‌نیازها به قدر کافی شکل نگرفته باشد.

پس کتاب‌های کمکی باید فرصت‌هایی را به معلم بدهد که بتواند این ناسازگاری‌ها را با این کتاب‌ها پوشش بدهد. وقتی کتاب تعمیق و تثبیت یادگیری نداشته باشد، معنی‌اش این است که تمرین کافی ندارد. دیگر بسط موضوع است که به ارزشیابی و تدریس کمک می‌کند. اگر هدف کمک به دانش‌آموز یا معلم است، پس کتاب کار باید بتواند تمام این‌ها را پوشش بدهد. وی سپس کوشید انواع کتاب‌های آموزشی را به مخاطبان خود معرفی کند.

انواع کتاب‌های آموزشی

بخشعلی‌زاده گفت: یک دسته از کتاب‌های آموزشی، کتاب‌هایی هستند که دقیقاً هم‌راستا با برنامه درسی پایه‌اند. اسم این کتاب‌ها را، کتاب‌های "کمک‌درسی" می‌گذاریم. وی سپس افزود: کتاب‌های کار و تمرین بیشترین حجم کتاب‌های کمک‌درسی ریاضی را تشکیل می‌دهند و محل مناقشه نیز هستند. زیرا برای ارزیابی آن نیازمند غور و دقت زیاد هستیم. اگر شما در ارزیابی کتاب‌های کار و تمرین ریاضی تسلط پیدا کنید، ارزیابی بقیه گروه‌ها را خیلی راحت انجام می‌دهید.

دسته دیگر، کتاب‌هایی هستند با محتوا و موضوع خاص که لزوماً و کاملاً منطبق بر سرفصل‌های کتاب‌های درسی نیستند. یعنی به کتاب درسی کاری ندارند. از کتاب موضوعی را می‌گیرد و اطلاعات وسیع‌تری راجع به آن موضوع می‌دهد. به عبارتی اطلاعات تکمیلی به معلم یا دانش‌آموز می‌دهد که به آن "کتاب‌های دانش‌افزایی" می‌گوییم. این کتاب‌ها را از آن رو که از یادگیری حمایت می‌کنند، "کتاب‌های حمایتی" نیز می‌خوانند. این حمایت از یادگیری می‌تواند حمایت از معلم

بخشعلی‌زاده: طبق

مصوبه شورای عالی

آموزش و پرورش، هیچ

کتابی نباید در مدرسه

عرضه، خریداری یا

معرفی شود مگر اینکه

از سازمان پژوهش اجازه

و تأییدیه داشته باشد

اصل همسویی با برنامه درسی

بخشعلی زاده با طرح ویژگی‌های عناصر ارزیابی و این که نخستین شرط، همسویی و هم‌راستایی با برنامه درسی است، درباره محتوای کتاب‌ها گفت: اگر بتوانیم یادگیری معنادار را شکل بدهیم، در کنکور نیز بچه‌ها موفق‌تر عمل خواهند کرد. اولین وسیله ما کلاس درس است و هدف ما این است که یادگیری دانش‌آموز را در کلاس درس تقویت کنیم. وقتی می‌گوییم این عناصر را باید در کتاب داشته باشیم، با نگاه به برنامه درسی است که بخش‌هایی از آن محتوای آموزشی هستند. بخشی هم هست که استانداردهای فرایندی است. وقتی برنامه درسی می‌خواهد بازنمایی‌ها را تقویت کند، باید رگه‌هایش را در کتاب ببینیم. یا وقتی برنامه درسی می‌خواهد استدلال را تقویت کند، باید بازنمایی‌هاش را اینجا دید. پس ما معیارهایی داریم که با توجه به آن‌ها می‌خواهیم بگوییم آیا این کتابی که منتشر شده، اهداف ما را پوشش می‌دهد یا نه؟ باید دید آیا معیارهایی را که لازم است، دارد یا ندارد؟

ارزیابی اهداف فرایندی

شهرناز بخشعلی زاده، شاخص‌های بعدی را اندکی سخت‌تر خواند و گفت: باید آگاهی‌های خود را افزایش دهید. بعد بدانید چه نوع دانش‌آموزی را می‌خواهید. محتوا راحت است اما آموزش ریاضی قرار است دانش‌آموز را با چه موقعیت دانشی تحویل بازار کار بدهد؛ بچه‌ای که قدرت اثبات و استدلال داشته باشد و بتواند در موقعیت شغلی ارزیابی شود.



وی سپس اهداف ریاضی را به دو دسته موضوعی و فرایندی تقسیم کرد و گفت: اینکه ما بگوییم لگاریتم را تا کجا درس بدهیم، یک هدف موضوعی است. خط کش هم کتاب درسی است. اما اهداف دیگری هم داریم که از آن‌ها به نام اهداف فرایندی یاد می‌کنیم. فرایند از جایی شروع و جایی ختم می‌شود. این فرایند، مرحله و هدف و استمرار دارد. اگر بخواهیم در ریاضی فرایندی را تعریف کنیم، چه تعریفی است؟ به عنوان مثال فرایند حل مسئله را دو جور تعریف می‌کنیم؛ یکی به معنی مسئله حل کردن است که خودش فرایندی دارد. فرایند دیگر رویکرد حل مسئله است. یعنی نگاه شما این طور شود که در زندگی روزمره از ریاضی بهره ببرید. این رویکرد یعنی این که بتوانید مدل‌سازی کنید. یاد بگیرید بعد از مدل‌سازی، استراتژی مناسبی انتخاب کنید. بعد ارزیابی کنید که آیا جواب مسئله منطقی است و چیز دیگری لازم نیست که این رویکرد را تغییر دهیم؟ سؤال ایجاد کنیم تا بچه‌ها برای پاسخ آن، فعالیتی انجام بدهند و در نهایت نتیجه‌گیری کنند. این رویکرد حل مسئله را فرایند ریاضی می‌گویند. این فرایندها ویژگی‌هایی دارند که یکی از آن‌ها استمرار است که وابسته به موضوع خاصی نیستند.

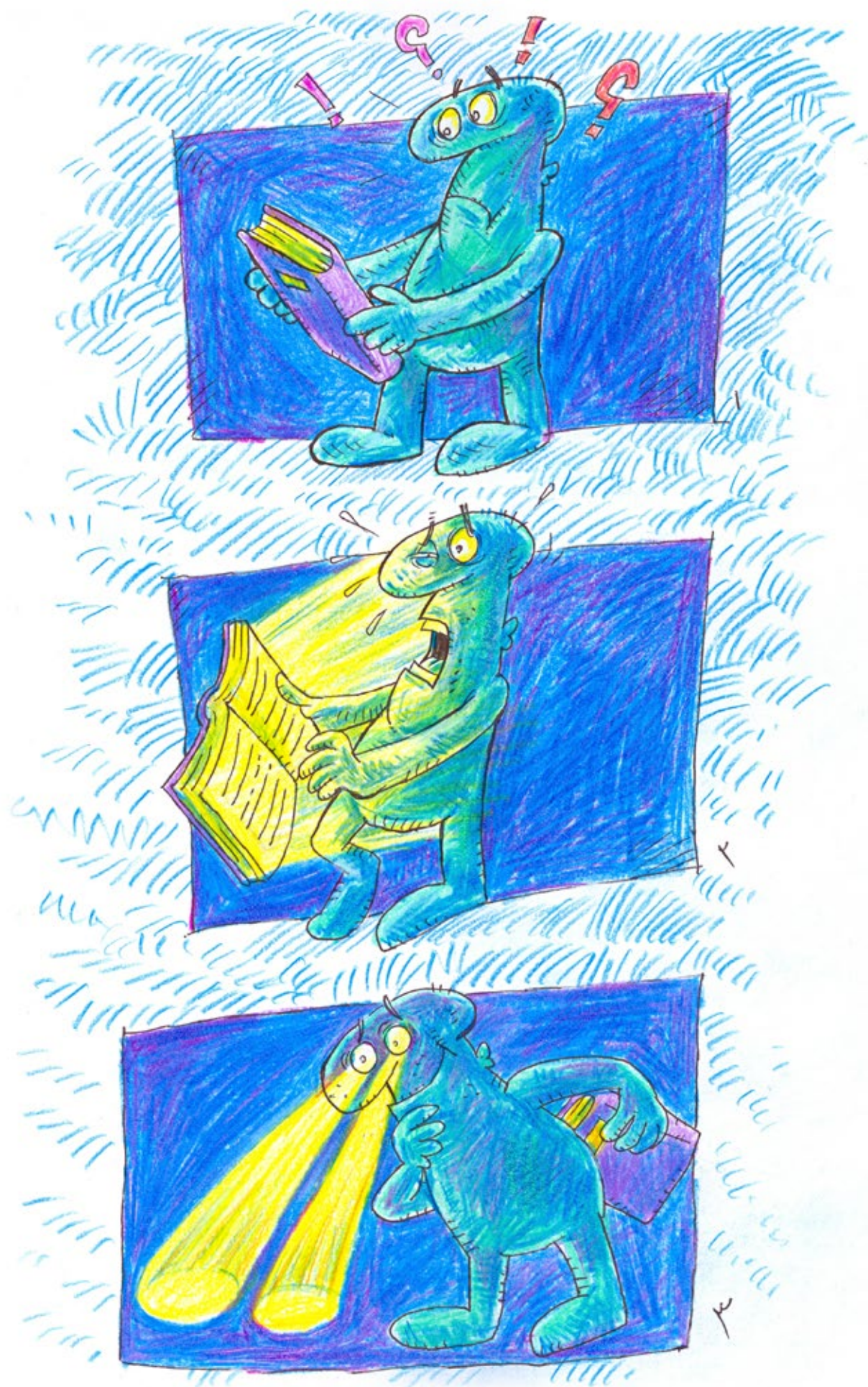
توجه به فرایند بازنمایی و ارتباط

موضوع دیگری که شهرناز بخشعلی زاده بر آن انگشت گذاشت و آن را در ارزیابی توجه کتاب به فرایند بازنمایی و فرایند ارتباطی است. وی توضیح داد: فرایند بازنمایی یعنی اینکه مسئله را طور دیگری بررسی کنیم. یعنی از یک مفهوم نمایش‌های مختلفی بدهیم. پس ما دنبال کتاب‌هایی هستیم که بتواند این بازنمایی‌ها را برای بچه جلوه بدهد. هر چه این بازنمایی‌ها بیشتر باشد، بهتر است.

فرایند زبان و برقراری ارتباطات هم مهم است. یعنی باید دید کتاب تا چه اندازه توانسته بین زبان ریاضی دانش‌آموز تعامل و ارتباط ایجاد کند یا مفاهیم ریاضی را به زبان دانش‌آموز نزدیک سازد؛ طوری که دانش‌آموز بتواند آن مفاهیم را به خوبی و به درستی توضیح بدهد.

نگاهی به شاخص‌های عمومی

بخشعلی زاده در پایان سخنان خود به معیارها و سنجه‌های موجود در فرم‌های ارزیابی پرداخت و ضمن بیان مختصری درباره شاخص‌های عمومی و اختصاصی توضیحات کوتاهی درباره معیارهای زیر ارائه داد: سازمان‌دهی کتاب، ساختار کتاب، پیوستگی و انسجام، هماهنگی محتوا با عنوان، تفکیک مفاهیم، محرک‌های بصری، ارجاع‌دهی، ارتباط با نیازهای جامعه، ارتباط محتوا با برنامه درسی، بحث قابل فهم بودن، اعتبار علمی، متناسب بودن فعالیت‌ها، استفاده از شکل و تصویر و نمودار، تأکید بر واژه‌های کلیدی، تنوع در استفاده از تصاویر، استفاده از قالب‌های متنوع و...



کارگاه‌های آموزشی ارزیابی برای معلمان در قاب دورین

